



مطالعات تعلیم و تربیت با رویکرد اسلامی

سالنامه تخصصی

سال دوم / شماره دوم / سال ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی عَلَيْهِ السَّلَام العالمیه

محل انتشار: مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

انجمن علمی - پژوهشی علوم تربیتی

مدیر مسئول: سید امیر رضا طاهایی

سرمدیر: هاجر ذبیحی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

صغری حسینی، طاهره جوانمرد،

فاطمه صادقی، فضه فدایی، حمید رضا کاظمی، تسنیم فاطمه کرمعلی، زینب هاشمی

مدیر داخلی: سارا شفیعی

کارشناس نشریه: هدی بنکدار

ویراستار: زهرا شفیعی

صفحه بندی: ساجده تدریس حسنی

نشریه تخصصی مطالعات تعلیم و تربیت با رویکرد اسلامی در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۲ به شماره ثبت ۷۸۷۴۱

مجوز انتشار از وزارت ارشاد اسلامی دریافت کرد.

نشانی مجله: قم، پریسان، بلوار امامت، بعد از دانشگاه پیام نور، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

کد پستی: ۳۷۱۶۶-۶۴۴۶۲

امور تحریریه: ۰۲۵-۳۷۱۸۳۱۸۰

شیوه نامه

نویسندگان ارجمند جهت ارسال مقاله به موارد ذیل توجه فرمایید:

۱. مقاله دست‌آورد علمی نگارنده بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیئت تحریریه دوفصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت.
۳. کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.
۴. دفتر نشریه در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
۵. نقل مطالب نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است.
۶. مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) و با قلم Bbadr شماره ۱۴ در محیط word حروف چینی شده باشد.
۷. چکیده لاتین مقالات حتما ارسال شود.
۸. کلیه مقالات فقط از طریق سامانه ارسال شود.
۹. مشخصات نویسندگان مقالات به طور کامل (به صورت زیر) در مقاله درج شود:
۱۰. نام و نام خانوادگی، سطح و رشته تحصیلی، رتبه علمی (استاد/ دانشیار/ استادیار/ مربی)، وابستگی سازمانی، موبایل، ایمیل شخصی.
۱۱. مشخصات کلیه نویسندگان به طور کامل در بخش نویسندگان در پورتال درج شود.
۱۲. فایل مقالات (هم فایل word و هم فایل pdf و هم فایل ضمائم) بدون نام نویسنده یا نویسندگان باشد.
۱۳. نویسنده مسئول مقاله مشخص شود.
۱۴. استناددهی درون متنی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد.
۱۵. بررسی اولیه مقاله حداقل ۱۴ روز کاری و حداکثر یک ماه کاری طول خواهد کشید.
۱۶. مقالات با موضوعات جدید و مبتلابه در اولویت بررسی و داوری قرار دارند.
۱۷. مقالاتی به داوری ارسال خواهد شد که در بررسی اولیه امتیاز لازم جهت ارسال به داوری را کسب نمایند.
۱۸. موارد مورد توجه در بررسی اولیه: هماهنگ بودن موضوع مقاله با رویکرد و هدف نشریه، روش پژوهش، کیفیت نظری مقاله، نو و بدیع بودن موضوع.

رفرنس دهی به شیوه APA

الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب

۱. اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) در انتهای متن بیان می شود؛
۲. اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن (پاراگراف یا خط) ارجاع آورده نمی شود.

۳. اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع، داخل پرانتز انتهای متن (انتهای پاراگراف یا خط) بیان می شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار)
تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره جلد/ شماره صفحه)

تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه)
تبصره: اگر کتاب دارای چند نویسنده باشد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، نام خانوادگی نویسنده دوم،، نام خانوادگی نویسنده سوم، سال انتشار).

تبصره: اگر کتاب بیش از سه نویسنده دارد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، و دیگران، سال انتشار)

ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص

۱. چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا... داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار).
- تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره جلد/شماره صفحه)
- تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره صفحه)

ج) ارجاع به منابع اینترنتی

نام خانوادگی نویسنده، سال درج متن در سایت یا تاریخ مشاهده متن از سایت

د) ارجاع به پایان نامه و رساله

(نام خانوادگی نویسنده، سال نگارش یا انتشار)

تنظیم فهرست منابع

الف) کتاب:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب. نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

اگر نویسنده کتاب شرکتی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پرانتز ذکر می‌شود.

- نام نویسنده (شرکتی) (سال انتشار). نام کتاب (نوبت چاپ). نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

ب) مقاله:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله.

مقاله درج شده در مجموعه مقالات:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجموعه مقالات، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله.

ج) پایان نامه یا رساله:

- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان رساله. رشته و رتبه. دانشگاه.

د) کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت

عنوان کتاب (نوبت چاپ) (سال انتشار). محل انتشار: انتشاراتی.

و) منابع اینترنتی:

عنوان نویسنده، عنوان مقاله، سال درج مقاله در سایت، آدرس سایت، تاریخ مشاهده سایت.

فهرست مقالات

- تأثیر خودسازی مادر در تربیت دینی کودک از منظر آیات و روایات/ هاجر ذبیحی، فاطمه صادقی..... ۹
- بررسی تطبیقی مراحل رشد و تربیت از دیدگاه ابوعلی سینا و نظریه رشد روانی -جنسی زیگموند فروید/ فضا فدایی، هاجر ذبیحی..... ۲۹
- تبیین روان شناختی سیادت کودک در هفت سال اول زندگی/ فاطمه زهرا فرحات، مریم رسول نژاد..... ۴۷
- رابطه بین خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی با تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم/ لیلا فراغت، رقیه محمدی..... ۶۵
- بایسته‌های روش‌های آموزشی در تعلیم و تربیت اسلامی/ سیده زهرا موسوی، محسن داوودآبادی فراهانی..... ۷۹
- آسیب‌های حضور زنان در اجتماع و راهکارهای حل آن در نظام تعلیم و تربیت اسلامی/ حسنی نبی زاده، زینب هاشمی..... ۹۹

تأثیر خودسازی مادر در تربیت دینی کودک از منظر آیات و روایات

هاجر ذبیحی^۱، فاطمه صادقی^۲

چکیده

متون دینی اعم از قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام، خصایص و ویژگی‌هایی را برای مادران برشمرده است که در صورت التزام نظری و عملی به آنها می‌توانند تأثیرگذاری مفید و مؤثر را در تربیت دینی فرزندان‌شان داشته باشند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه منابع کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از آیات و روایات تأثیر خودسازی مادر در تربیت دینی کودک را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. یافته‌ها و راه‌آورد‌های پژوهش بیانگر آن است که مهمترین مؤلفه‌های محوری که نقش اساسی در تربیت دینی کودک دارند عبارتند از یقین و ایمان قلبی، تقوا و فضیلت الهی، پابندی به تعبد و بندگی، قداست خانوادگی، اخلاق‌مداری و شیر مادر. همچنین مشخص شد که مادرانی که به این خصیصه‌ها آراسته شده‌اند و به این سطح از خودسازی و پاک‌دامنی نائل شده‌اند، می‌توانند فرزندان صالح و موفق و مفیدی به جامعه تقدیم نمایند و شاهد رشد و تعالی ظرفیت‌ها و استعداد‌های فرزندان‌شان باشند.

واژگان کلیدی: آیات و روایات، مادر، خودسازی، معنویت، تربیت، تربیت دینی، کودک.

۱. مدیر گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: zabihahajar@gmail.com

ORCID: 0000-0002-3594-025X

۲. دانش‌پژوه کارشناسی رشته علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: fatsadeqi2000@gmail.com



۱. مقدمه

رسالت پیامبران و هدف نهایی دین، تقرب و نزدیک شدن انسان به خداست و این مهم با خودسازی میسر می‌شود. از این رهگذر است که انسان به مدارج و مراتب علیا صعود می‌کند و همان‌گونه که انسان با خودسازی به حیات و سعادت جاودان می‌رسد در تربیت و هدایت دیگران نیز این تأثیرات مطلوب را می‌گذارد. این تأثیرگذاری برای مادران در تربیت دینی کودکان اولویت بیشتری دارد؛ زیرا فرزندان متأثر از مادران هستند و از آنها الگوبرداری می‌کنند. اگر مادران آراسته به پاکی و طهارت باطنی باشند تأثیرات روحی و روانی فراوانی بر فرزندان می‌گذارند. برپایه رهنمودهای قرآن و روایات تربیت در سه مرحله پیش از تولد، حین تولد و پس از تولد و خود مرحله پس از تولد در سه دوره، هفت‌سالگی اول، دوم و سوم حسب اقتضائات و شرایط انجام می‌پذیرد. در تمام این مراحل، بر خوررداری مربی یعنی، مادر از خصیصه‌ها و ویژگی‌هایی مانند آگاهی و اطلاع، خودسازی و خودارزیابی، داشتن جهان‌بینی وسیع، صبر، حوصله و اقتدار و... شرط لازم تأثیرگذاری است. پژوهش حاضر با تمرکز بر مسئله خودسازی به صورت خاص، تأثیر خودسازی مادر را بررسی می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر، تأثیر خودسازی مادر در تربیت دینی کودک از منظر آیات و روایات را بررسی می‌کند. تربیت و مسائل مرتبط با آن دغدغه همیشگی بشر بوده است. در این مورد تألیفات فراوانی منتشر شده است که برخی از آنها عبارتند از: تعلیم و تربیت در اسلام، راهکارهای عملی تربیت دینی کودکان از محمد بیرانوند؛ نقش مادران در تربیت دینی فرزندان از محمد احسانی؛ تأثیر مادر در تربیت تألیف دکتر علی قائمی که بیشتر به مباحث معنوی مرتبط با تربیت می‌پردازد؛ فرزند صالح تألیف ستار پورابراهیم که بیشتر به شیوه‌ها و راهکارهای تربیتی می‌پردازد؛ مقاله حسن ملکی، عباسعلی شاملی و مهدی شکراللهی بانام تربیت عبادی کودکان که بیشتر به مباحث عبادی و ضرورت آنها برای کودک و روش‌های آشنایی کودک پرداخته است؛ اصول تربیت

دینی از منظر آیات و روایت نوشته علی اکبر زهره کاشانی که بیشتر به اصول تربیتی و تعلیم و تربیت دینی می‌پردازد؛ خودآگاهی و کارکردهای تربیتی آن در بهبود روابط اجتماعی انسان در قرآن و حدیث از فاطمه سیفعلی؛ سهراب مروتی و سید محمدرضا حسینی نیا.

باتوجه به منابع یادشده و منابع مشابه می‌توان مدعی شد که در حوزه پیشینه خاص، اثری همسو و دغدغه اتخاذ شده یافت نشد. بنابراین، می‌توان گفت که پژوهش پیش‌رو فاقد پیشینه خاص است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی است و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات در گروه تحقیقات اکتشافی قرار دارد. همچنین از نظر داده، کیفی و برحسب برآیند، بنیادی و کاربردی است؛ زیرا درصدد تبیین تأثیر خودسازی مادر در تربیت دینی کودک از منظر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم و روایات است.

۴. مفهوم‌شناسی

۴-۱. خودآگاهی

خودآگاهی مفهومی فراتر از خودشناسی است. برخی از روان‌شناسان آن را به معنای درک، توجه و آگاهی از ابعاد وجودی، ویژگی‌ها، افکار، احساسات، گرایش‌ها و رفتارهای خود در طی فرآیند زمان می‌دانند. (لطیفیان و سیف، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹) برخی دیگر، خودآگاهی را یکی از سازه‌های مهم شخصیت و به معنای آگاهی انسان از احساسات، نیازها و هیجان خود می‌دانند. خودآگاهی، نخستین گام در شکل‌دهی مهارت‌ها و ارتباط است (فرهنگی، ۱۳۸۵، ۱/۱۳۰). خودآگاهی گرایش به آگاهی، نظارت بر تفکرات شخصی و فرایندهای شناختی خود، نتیجه رشد ساختارها و فرایندهای شناختی و عواطف و احساسات تنیده در آن است. خودآگاهی از نخستین سال‌های دوران کودکی تا بزرگسالی از تعاملات اجتماعی و روابط بین-فردی تأثیر می‌پذیرد و یکی از ملزومات سازگاری است که می‌تواند بر تعاملات بین‌فردی،

فرایندهای شناختی و سازگاری تأثیر مثبت بگذارد (ابوالقاسمی، ۱۳۹۰، ص ۲۷). خودآگاهی را می‌توان به صورت توانایی روانی-اجتماعی برای رفتار انطباقی و مؤثر در نظر گرفت که با آن افراد یاد می‌گیرند به طور مؤثری با مقتضیات و مسائل زندگی روزمره مقابله کنند. این توانایی، فرد را برای مقابله مؤثر با موقعیت‌ها آماده می‌کند. با فراگیری این مهارت، فرد می‌تواند با رفتارهای مثبت و سازش‌یافته، سلامت جسمانی و به‌ویژه سلامت روان شناختی خود را ارتقا بخشد (خانزاده و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵). شناخت قوت‌ها و ضعف‌های فرد از خود مهمترین عنصر تعیین‌کننده در خودآگاهی است. از این رهگذر است که فرد می‌تواند اقدام مؤثر و سازنده اتخاذ و براساس آن برنامه‌ریزی کند.

۴-۲. خودسازی

خودسازی معادل واژه تزکیه نفس است. تزکیه مصدر زکی است و در لغت به معنای پاک گردانیدن، صلاح و فزونی، رشد نفس، مال و کشت و زرع آمده است؛ رشد و فزونی حاصل از برکت الهی که در امور دنیوی و اخروی به کار می‌رود. کنار گذاشتن بخشی از مال برای مسکینان و فقرا را از آن رو زکات گفته‌اند که امید برکت و رشد در مال و نفس برای زکات‌دهنده وجود دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۰) برخی مانند ابن اثیر برآنند که اصل زکات در لغت به معنی طهارت و پاکی، نمو و رشد، برکت و فزونی از سوی خدا و مدح و ستایش است که همه این معانی در قرآن و حدیث آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه. ق، ۳۵۹/۱۴). علامه مصطفوی معنای اساسی و اصلی در ماده زکو را رد صلاحیت ناحق و بیرون کردن آن از وجود سالم می‌داند که موارد دیگر مانند رشد و فزونی یافتن، صلاح، طهارت، برکت و لیاقت از لوازم و آثار آن است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۳۳۷/۴).

علامه مصباح یزدی در تبیین و تعریف خودسازی می‌نویسد: «خودسازی ایجاد هماهنگی و تعادل میان فعالیت‌های علمی و عملی و بسیج کردن آنها برای نیل به سعادت حقیقی و رستگاری راستین است. ما بعد از تأمل و اندیشه عمیق در وجود خود به عوامل و ابزاری که در فطرت ما برای رسیدن به هدف آفرینش به ودیعت گذاشته شده، پی می‌بریم، گرایش‌ها و کشش‌های درونی و باطنی برای نیل به اوج تعالی روحی و معنوی را کشف می‌کنیم و روابطی که

ما را با دیگران پیوند داده و تقویت و تحکیم آنها ما را برای تکامل و صعود آماده‌تر می‌سازد، می‌شناسیم. اکنون نوبت آن می‌رسد که میان این روابط، گرایش‌ها و نیروهای به‌ظاهر ناسازگار و حتی متضاد هم‌گرایی، آشتی و تعادل برقرار نماییم به‌گونه‌ای که آینده آنها زمینه‌ساز تکامل و عروج معنوی ما و جهت آنها در راستای خروج از جاذبه خاك و ورود به مدار قرب پروردگار باشد. این تنظیم، شکل‌دهی و جهت‌بخشی الهی به تلاش‌ها و کشش، خودسازی و تهذیب نفس نام دارد». (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۱)

نیاز ضروری انسان به خودسازی امری واضح است. این نیاز درحقیقت همان نیاز به دین است؛ زیرا هدف کلی دین انسان سازی و هدف نهایی آن نزدیک شدن به خداوند در دنیا و نجات از هلاکت و رسیدن به حیات و سعادت جاودان در آخرت است که خودسازی این اهداف را تحقق می بخشد. هر انسان خردمندی که به خداوند و جهان آخرت اعتقاد دارد و رستگاری انسان را به درستی عقاید و نیکی اعمال و ملکات اخلاقی می داند، حکم می کند که تلاش برای رستگاری، یگانه کاری است که شایسته است همه زندگی وقف آن شود. درباره تأثیر خودسازی، تربیت و تأدیب نفس امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «وَقَالَ عليه السلام: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، [فَعَلَيْهِ أَنْ يُبَدَأُ فْلْيَبْدَأُ بِتَعْلِيمٍ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ وَلِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بَسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدَّبٌهَا، أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدَّبِهِمْ؛ كَسَى كَخُودِ رَاهِبٍ مَرْدَمِ قَرَار داد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد خود را بسازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۶۳۹/۷۳).

امام علی علیه السلام در این رهنمود وحیانی به سه مطلب بنیادی و زیربنایی در مورد خودسازی پیشوایان و مربیان اشاره کرده است و مادران را نیز مربیان و پیشوایان کودکان می‌داند. براساس این بیان می‌توان گفت بر پیشوا واجب است که نخست خویشتن را تعلیم دهد؛ یعنی نسبت به آدابی که داناست خویشتن را تمرین دهد تا رفتار و گفتارش موافق علم و آگاهی‌اش باشد. دوم اینکه گفتار با رفتار مطابقت داشته باشد؛ زیرا طبیعت انسان‌ها با دیدن رفتار، رام‌تر و اثرپذیرتر

است تا گفتار و آن روش و رفتار باید با گفتار مطابق باشد و در نهایت اینکه آن کسی که خود را ادب کند، سزاوارتر به بزرگداشت و احترام است تا آنکه دیگران را ادب می‌کند وی را به تأدیب نفس واداشته است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که آن کس که سزاوارتر به احترام باشد، لازم است چیزی را اول خود انجام دهد که به خاطر آن نسبت به دیگران شایسته‌تر به احترام گشته است.

(بحرانی، ۱۳۷۵، ۴۶۷/۵)

سعادت در دنیا و نجات از عذاب آخرت جز با خودسازی و تسلط بر خویشتن امکان‌پذیر نیست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغَبَ وَ إِذَا رَهَبَ وَ إِذَا اِشْتَهَى وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ؛ کسی که هنگام انگیزش و گریزش نفس و در حالت شهوت و خشم، مالک خود است و بر آن تسلط دارد خداوند بدن او را بر آتش حرام می‌کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۴۰۰/۴). تمام سعادت و شقاوت انسان بستگی به تلاشی دارد که او در این مسیر متحمل می‌شود. قرآن کریم در ضمن دو آیه بسیار کوتاه به صورت صریح و روشن به این حقیقت اشاره کرده است که رستگاری و زیان‌کاری یا پیروزی و شکست انسان در زندگی دنیوی و اخروی در گرو خودسازی و ترک آن است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ که به یقین کسی که آن را پاک کرد و رشد داد رستگار و پیروز شد و به یقین کسی که آن نفس را با گناه آلوده کرد و پوشاند، نومید شد» (شمس: ۹-۱۰).

۳-۴. تربیت

در زبان فارسی واژه تربیت به معانی پروردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ۵۵۰/۱۵)، ادب و اخلاق را به کسی آموختن (معین، ۱۳۸۱، ۴۴۳/۱) و پرورش دادن (عمید، ۱۳۶۹، ص ۴۲۵) آمده است. در زبان عربی واژه تربیت مصدر باب تفعیل است و لغت‌شناسان ریشه آن را به معنای زیادت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۸۴/۸) و از (رب) می‌دانند که یک «باء» آن تبدیل به «و» شده و معنای تدریجی بودن در دل تربیت نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۰). جوهر و گوهر معنای تربیت زیاد و متورم شدن شیء در خودش برای کسب فضل و زیاده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۳۵/۴). درباره تعریف اصطلاحی تربیت سخن بسیار است. «تربیت فرایند یاری‌رسانی به مترقی برای ایجاد تغییر

تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد» (اعرافی، ۱۳۹۱، ص ۲۶).

بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای اوست و این استعدادها در انسان عبارتند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۰). براساس تعاریف یاد شده و تعاریف همسو می‌توان نتیجه گرفت که تربیت امری است که به صورت فرایندی برای پرورش و شکوفاسازی استعدادها و قابلیت‌های بالقوه توسط مربی در مرتبی انجام می‌گیرد. بنابراین، موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است و لازمه تربیت، شناخت روح، روان، قوا و استعدادهای همه‌جانبه و داشتن برنامه برای فراهم‌سازی زمینه‌ها و مؤلفه‌های رشد متوازن است.

۴-۴. تربیت دینی

گاه تربیت دینی به معنای اعم و شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی است که می‌توان آن را مترادف تربیت اسلامی دانست. براین اساس، تربیت دینی منحصر در مسائل اعتقادی، اخلاقی و معنوی نمی‌شود، بلکه همه ابعاد را براساس گزاره‌های دینی دربرمی‌گیرد. گاهی از آن معنای خاصی اراده می‌شود و به معنای جنبه خاصی از تربیت است که فرد را به وظایف دینی و آداب شرعی آشنا می‌کند و او را به خودشناسی و خداشناسی می‌رساند. (احمدی، ۱۳۷۵، ص ۵۷) از نظر بهشتی و نیکویی تربیت دینی عبارت است از: مجموعه تدابیر و روش‌هایی که برای ایجاد، ابقا و اکمال عقاید، اخلاق و اعمال دینی اتخاذ و اجرا می‌شود (بهشتی و نیکویی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸). تربیت دینی بخشی از تربیت است که باعث رشد فرد در عرصه‌های گوناگون مانند امور اخلاقی، ارزشی و شکوفایی برای نیل به مطلوب می‌شود.

۴-۵. کودک

واژه کودک در فارسی به معنای فرزندی است که به حد بلوغ نرسیده است. (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱) در لغت عرب نیز این واژه را می‌توان معادل کلماتی مانند طفل، صبی و مراهق دانست که هرکدام از این واژگان، ادوار و سنین خاصی را شامل می‌شود. در تعریف اصطلاحی مفهوم کودک در علوم مختلف اختلاف نظر وجود دارد و هر دانشمندی باتوجه به تخصص خود به تعریف کودک و دوران کودکی پرداخته و نگاه بیولوژیکی داشته و کودک را از منظر سن و خصوصیات بیولوژیکی تعریف کرده است. معنای کودکی در نگاه اسلامی منحصر در دیدگاه بیولوژیکی نیست، بلکه ویژگی‌های اجتماعی نیز در تعیین دوره کودکی مطرح است (ربانی، خان-محمدی و افروغ، ۱۳۹۹، ص ۱۴۷). براساس روایات معصومین علیهم‌السلام آغاز تربیت کودک به پیش از تولد و دوران جنینی برمی‌گردد. پژوهش حاضر درصدد آن است که تأثیر خودسازی مادر در فرایند تولد و رشد کودک را تجزیه و تحلیل کند تا مشخص شود که چه تأثیراتی داشته و مادران در این مقاطع حساس چی اقدامات و تکالیف مهم و تأثیرگذار و سرنوشت‌سازی دارند که باید نسبت به آن اهتمام جدی داشته باشند و بستر رشد و شکوفایی کودک را در مراحل بعدی فراهم کنند.

۵. نقش مادر در تربیت

مادر در پرورش جسمی و روحی فرزندان نقش‌های گوناگونی برعهده دارد که مهمترین آنها، نقش تربیتی و دینی است. این نقش می‌تواند قبل از بارداری و یا هنگام بارداری و یا بعد از بارداری بررسی شود. مادر بهترین فردی است که پس از تولد فرزند، شایستگی لازم را برای تربیت وی دارد و به خوبی می‌تواند جسم و روح وی را پرورش دهد. مادر علاوه بر مسئولیت شخصی، مسئولیت سازندگی دیگران یعنی، نسل آینده را نیز برعهده دارد. فساد او فساد جامعه و سلامت و صلاح او صلاح و سلامت جامعه است. بنابراین، مادری که می‌خواهد موجبات رشد و تعالی انسانی را عهده‌دار شود باید قبل از اینکه اقدام به فرزندار شدن کند خود در جهات انسانی تربیت شود و

خودسازی کند بدین معنی که زن بتواند به علم، معرفت، کمالات معنوی و اخلاق دست یابد تا آمادگی این امر مهم را پیدا کند. (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۴۲)

۶. تحلیل تأثیر خودسازی مادر

۱-۶. جایگاه و مقام مادر در قرآن

درباره مقام و منزلت جایگاه والدین همین بس که خداوند در ۵ آیه نیکی به پدر و مادر را همتای یکتاپرستی معرفی کرده است: «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره: ۸۳)؛ «وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء: ۳۶)؛ «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام: ۱۵۱)؛ «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ» (لقمان: ۱۳-۱۴). مستفاد از آیات ذکر شده این است که بدی به والدین بعد از شرک به خدا در شمار بزرگ‌ترین گناهان و واجب‌ترین واجبات، نیکی به آنهاست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۵/۷). اینکه بعد از امر به عبادت خداوند نیکی به پدر و مادر ذکر شده است به چند دلیل است: اول، نعمت‌های خداوند بالاترین نعمت‌ها بر بنده است و بعد از پروردگار عالم، پدر و مادر سبب وجود فرزند هستند؛ دوم، خداوند مؤثر واقعی و حقیقی در وجود انسان است و پدر و مادر به حسب ظاهر در وجود او مؤثر هستند. بنابراین، ابتدا مؤثر حقیقی و سپس مؤثر ظاهری ذکر شده است. سوم، خداوند درمقابل نعمت‌هایش از بنده اش چیزی نمی‌خواهد. پدر و مادر هم درمقابل نعمت خود از فرزند چیزی طلب نمی‌کنند. این نعمت آنها شبیه نعمت خداوند است. چهارم، خداوند نعمت خود را از بنده اش دریغ نمی‌کند اگرچه بنده گناهکار باشد. همچنین پدر و مادر، فداکاری‌های خود را از فرزند دریغ نمی‌کنند اگرچه فرزند به آنها بدی کرده باشد. جالب اینکه کلمه احسان به وسیله «ب» متعدی شده و آمده است: «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» که معنای آن نیکی کردن به طور مستقیم و بدون واسطه است. این آیه تأکید می‌کند که موضوع نیکی به پدر و مادر آن قدر اهمیت دارد که بدون واسطه باید انجام شود.

به دلیل همین جایگاه و منزلت است که خداوند در مورد حضرت یحیی علیه السلام می‌فرماید: «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا؛ و با پدر و مادر خود نیک‌رفتار بود و زورگوی نافرمان نبود». (مریم: ۱۴)

در مورد حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا؛ خداوند مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است» (مریم: ۳۲). خداوند به انسان‌ها سفارش کرده است که نسبت به پدر و مادر احترام و نیکی کنند و نگفته است که «ای مسلمان‌ها! و یا ای مؤمنان! به پدر و مادر خود احترام کنید» چون در آیه شریفه سخن از انسان است بدون هیچ قیدی به ایمان و اسلام. «وَوَضَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا؛ و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند» (عنکبوت: ۸). مطلق بودن احسان هرگونه نیکی را دربرمی‌گیرد و اطلاق والدین، پدر و مادر چه مسلمان و چه غیرمسلمان را شامل می‌شود.

در آیه زیر با آنکه پدر و مادر کافر هستند و فرزند را دعوت به کفر می‌کنند خداوند فقط در این مورد اجازه عدم اطاعت داده است، اما می‌فرماید: «ولو اینکه آنها کافرنند، ولی با آنها در دنیا به طور شایسته‌ای معاشرت و رفتار کن». «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا؛ و اگر تو را وادارند تا درباره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و [ولی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن» (لقمان: ۱۵).

خداوند درقبال صبر و بردباری مادر، اجر و پاداش بی‌پایان به او عنایت می‌کند. قرآن کریم به رنج و مشقت مادر اشاره کرده است و می‌فرماید: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهَا ثَلَاثُونَ شَهْرًا؛ مادرش با ناگواری او را بارداری کرد و با ناگواری او را بزاد و بارداری او و از شیر بازگرفتنش سی ماه است» (احقاف: ۱۵). آیه در ابتدا نیکی به والدین را سفارش می‌کند آن‌گاه به- دنبال این سفارش به ناراحتی‌هایی که مادر در دوران حاملگی، وضع حمل و شیردان تحمل می‌کند اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۰۱/۱۸). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین و عظمت جایگاه مادر می‌فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران است» (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۹۰). این حدیث حاکی از آن است که بدون رضایت مادر نمی‌توان به بهشت و نعمت‌های بهشتی دست یافت. مادر در اسلام مقام و ارزش بسیار بالایی دارد به طوری که برای

مادر دنیای زیبایی ایجاد کرده که همه افراد باید به مقام او احترام و تعظیم کنند؛ زیرا بخش اعظم سعادت‌مندی فرزندان و لایق بهشت شدن توسط مادر است و مادر در برابر فرزندان نیز محترم است و این احترام دستور مؤکد اسلام است.

۶-۲. مؤلفه‌های محوری خودسازی

۶-۲-۱. یقین و ایمان قلبی

مادر که به توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد ایمان دارد با مادری که به هیچ کدام از این اصول ایمان و اعتقاد ندارد یکسان نیست. قرآن کریم درباره اهمیت و نقش اساسی ایمان و باور قلبی و تأثیر آن در زندگی و تربیت دینی کودک خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُوْمِنَ وَلَآمَهُ مُؤْمِنُهُ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكِهِ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُوْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ؛ و با زنان مشرک [بت‌پرست] ازدواج نکنید تا ایمان آورند و مسلماً کنیز باایمان، از زن (آزاد بت‌پرست) مشرک بهتر است و اگرچه شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک [بت‌پرست] زن مدهید تا ایمان آورند و مسلماً برده باایمان از مرد (آزاد بت‌پرست) مشرک بهتر است و اگرچه شما را به شگفت آورد. آنان به سوی آتش فرامی‌خوانند و خدا با رخصت خود به - سوی بهشت و آمرزش فرامی‌خواند و آیاتش را برای مردم روشن بیان می‌کند باشد که آنان متذکر شوند» (بقره: ۲۲۱).

براساس این آیه می‌توان نتیجه گرفت که مسئله ایمان و باور قلبی همسران امری ضروری و تأثیرگذار است و روشن است که زنانی که خود فاقد ایمان باشند، نمی‌توانند مروج ارزش‌های والای انسانی و اسلامی باشند. قرآن کریم می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». این کار همسر عمران، نشان‌دهنده ایمان و اعتقاد قوی است و یقین داشت که اگر فرزندش را در راه خدا آزاد بگذارد خداوند او را به بهترین وجه پرورش می‌دهد. همان‌طور که ایمان و باور قلبی مادر مریم در تربیت دینی فرزندش مؤثر بود ایمان و باور و اعتقاد مادر می‌تواند در تربیت فرزند باایمان و با اعتقاد نقش داشته باشد. بنابراین، می‌توان گفت که ایمان و باورهای دینی علاوه بر تأثیر در زندگی خصوصی همسران در

تربیت دینی فرزندان نیز تأثیر شگرفی دارد. شرک و بی‌ایمانی مادر در سرنوشت فرزندان مؤثر و مایه انواع انحراف‌ها می‌شود، بلکه شعله سوزانی است که سعادت دنیا و آخرت مادر و فرزندان را به آتش می‌کشد (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۷۹) و باید به این مسئله مهم در امر مقدس ازدواج و زناشویی توجه شود.

۲-۲-۶. تقوا و فضیلت الهی

تقوا از ولی به معنای حفظ شیء از آنچه اذیت و آزار می‌رساند، است. (قرشی، ۱۳۷۱، ۲۳۶/۷) نتیجه خودشناسی و خودسازی یافتن یک تحول فکری در خود و حرکت به سوی هدفی انسانی و راه یافتن به کمال است. انسان خودساخته خود را موظف می‌داند که در طریق تقوا گام بردارد (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۴۴). آیات زیادی در قرآن تقوی و اهمیت آن را بررسی کرده است. قرآن تقوی را زمینه پذیرش هدایت و متقین را شایسته آن می‌داند و آن را زمینه مصاحبت با خودش معرفی می‌کند، تقوی را موجب ازدیاد برکات ارضی و سماوی و عامل مؤثر در بهبود اقتصاد می‌داند، تقوی را برای عبور از صراط بهترین توشه دانسته و می‌گوید: «ارزش انسان به تقوای اوست و وارثان بهشت اهل تقوی هستند». موارد یاد شده در سوره‌های مختلف آمده است (ر.ک.، بقره: ۲؛ اعراف: ۹۶؛ نوح: ۱۲-۱۰؛ حجرات: ۱۳؛ بقره: ۱۹۷؛ اعراف: ۲۶). اساس جامعه اسلامی بر فضیلت و تقواست و این هنگامی ممکن است که تربیت براساس تقوا استوار شود و این میسر نیست جز هنگامی که مادران باتقوا، سرانجام آن را برعهده گیرند؛ زیرا مادر اولین کسی است که بذر تربیت را در جان و روان کودک می‌پاشد و دامن مادر اولین مدرسه کودک است. ایمان و تقوای مادر و خیرخواهی و پاکدلی او در فرزند اثر دارد.

۳-۲-۶. پابندی به تعبد و بندگی

سیستم فکری و حالت روانی مادر بر روحیات فرزند مؤثر است. تربیت فرزند به گفتن و موعظه نیست، بلکه به عمل و رفتار است. بسیاری از ناهنجاری‌هایی که در فرزندان مشاهده می‌شود از رفتار پدر و مادر نشأت می‌گیرد. اگر مادر می‌خواهد فرزندش نماز اول وقت بخواند بدون آنکه چیزی بگوید باید خود با اعتقاد به این کار عبادت کند تا ثمره‌اش را در وجود فرزندش ببیند.

قرآن کریم درباره روحیه تعبد و بندگی مادر در سوره آل عمران درباره حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ و (به یاد آرید) هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! درحقیقت خدا تو را برگزیده و تو را پاک ساخته و تو را بر زنان جهانیان (برتری داده و) برگزیده است. ای مریم! برای پروردگارت فرمانبرداری فروتن باش و سجده به جای آور و با رکوع کنندگان، رکوع نما» (آل عمران: ۴۳-۴۴).

آیات مورد بحث می‌فهماند که خداوند دو خبر برای مریم آورده است: «یکی اینکه خدای تعالی تو را با مقام و منزلتی که نزد او داری گرمی داشته، دوم وظیفه عبودیتی است که تو باید ملازم آن باشی تا تلافی آن مقام و منزلت بوده باشد». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸۸/۳) مریم به دلیل خلوص و عبادت خداوند به جایگاه بس عظیمی در پیشگاه خداوند رسید به طوری که خداوند مریم را بر زنان هم عصر خود برتری داد و فرزندی مانند حضرت عیسی علیه السلام را به او بخشید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۴۰۹/۲). زنی که روح و جان خود را با عبادت، نماز و روزه صیقل داده و دائم به یاد خداست می‌تواند روحیه عبادت را در فرزند خود پرورش دهد و تأثیرات عمیق خود را بر او بگذارد.

۶-۲-۴. قداست خانوادگی

اصلت خانوادگی از ویژگی‌های مهمی است که سعادت خانواده و فرزندان را به دنبال دارد. خانواده‌ای که اصلت دارد از پستی‌ها و آلودگی‌ها به دور است. یکی از معیارهای مهم در امر ازدواج که باید به آن توجه کرد مسئله اصلت و نجابت خانوادگی است. وقتی گفته می‌شود فرد اصیل را انتخاب کنید یعنی، فرد از نظر خانوادگی ریشه داشته باشد و علت این اهتمام و مراقبت این است که خصوصیات نیاکان و گذشتگان با ازدواج منتقل می‌شود. امام صادق علیه السلام درباره اهمیت و ضرورت توجه به این امر مهم و تأثیر آن می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ با خانواده‌ای شایسته و اصیل ازدواج کنید؛ زیرا ریشه‌ها به نسل سرایت می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷). قرآن در آیه ۲۷ و ۲۸ سوره مریم به صراحت اعلام می‌کند که مادران

انبیاء خانواده‌ای اصیل، نجیب و پاک داشتند. «فَأَنْتَ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئاً فَرِيّاً يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْراً سَوْءاً وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيّاً؛ و (مریم) درحالی که او را در آغوش گرفته بود وی را نزد قومش آورد، گفتند: ای مریم! به یقین چیزی شگفت (وزشت) آورده‌ای! ای (همانند) خواهر هارون (در پاکی) پدرت مرد بدی نبود و مادرت زن تجاوزکار (و آلوده) نبود» (مریم: ۲۷-۲۸).

این آیه اصالت و نجابت خانوادگی را در تربیت فرزند نشان می‌دهد به‌ویژه نقش مادر را آنجا که می‌گوید: «مادرت بدکاره نبود» عفت و پاکدامنی مادر مریم را مثال می‌زند و انتظار این است که از مادر عفیف و پاک، فرزندی پاک و عفیف پرورش یابد. برخی به حضرت مریم علیها السلام رو کردند و گفتند: «ای خواهر هارون! پدر تو آدم بدی نبود، مادرت نیز هرگز آلودگی نداشت باوجود چنین پدر و مادر پاکی این چه وضعی است که در تو می‌بینیم. چه بدی در طریقه و روش مادر دیدی که از آن روبرگرداندی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۵۰/۱۳). مستفاد از آیه شریفه تأثیر قداست و اصالت خانوادگی در تربیت دینی کودک است و خانواده باید در مسئله ازدواج فرزندان‌شان به این مهم توجه داشته باشند.

۶-۲-۵. اخلاق‌مداری

در تربیت اسلامی پرهیزکاری رأس هر امر، افضل اعمال و مورد محبت خداست؛ مهم این است که زن در مسیر آن قرار بگیرد و فکر و شخصیتش را براساس آن رنگ دهد. (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۱) روحیه و اخلاق مادر روی رشد فرزندش در مرحله جنینی تأثیر می‌گذارد. روحیه مادر باردار، روحیه فرزندش را شکل می‌دهد. این نه ماه از زندگی نوزاد، روی تمام عملکردهای فیزیکی، ذهنی، هوشی، حسی و روحی آنها در زندگی آینده‌شان تأثیر مستقیم دارد. رشد شخصیتی جنین تأثیر زیادی از شیوه زندگی مادر می‌گیرد. نفس مادر در هر مرتبه‌ای که سیر کند ابعاد وجود جنین رنگ همان مرتبه را می‌گیرد و تمایلاتش در آن مرتبه قوی‌تر از مراتب دیگر خواهد بود. اگر توجه مادر به خواسته‌های الهی باشد اثر مثبت روی جنین می‌گذارد و تمایلات انسانی را در او قوی‌تر می‌کند، اما اگر سیر مادر در مرتبه نازله نفس باشد استعداد‌های کودک تمایل به مرتبه نازله دارد.

شاید به همین دلیل باشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «الشَّقِي مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ بدبخت کسی است که در رحم مادر گرفتار شقاوت می شود و خوشبخت کسی است که از شکم مادر سعادت‌مندی او پی‌ریزی می شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۵۷/۵)؛ یعنی شالوده سعادت و شقاوت در شکم مادر ریخته می شود، مسئولیت سعادت و خوشبختی کودک را مادر از بدو بارداری برعهده گرفته است؛ زیرا آبستن شدن، این مسئولیت را به دوش او نهاده است (موسوی راد لاریجانی، ۱۳۷۹، ص ۴۲). قرآن کریم از حضرت عیسی بن مریم و سلامت و پاکی روز ولادتش یاد کرده است و می فرماید: «وَالسَّلَامُ عَلٰی يَوْمٍ وُلِدْتُ؛ سلام بر روزی که متولد شدم» (روم: ۱۰). منظور از سلام در آیه شریفه، عموم عافیت است؛ یعنی پاکی کامل جسم و جان کودک در ایام بارداری از مادر تأثیر می گیرد و همه تحولات خوب و بد مادر در کودک اثرگذار است و کودک براساس آن ساخته می شود (فلسفی، ۱۳۴۱، ص ۱۰۰). برپایه مباحث یاد شده می توان نتیجه گرفت که تقوا و اخلاق مادران تأثیرات شگرف و جدی در تربیت و اخلاق کودکان دارد و اخلاق و عملکرد مادران به فرزندان به ارث می رسد.

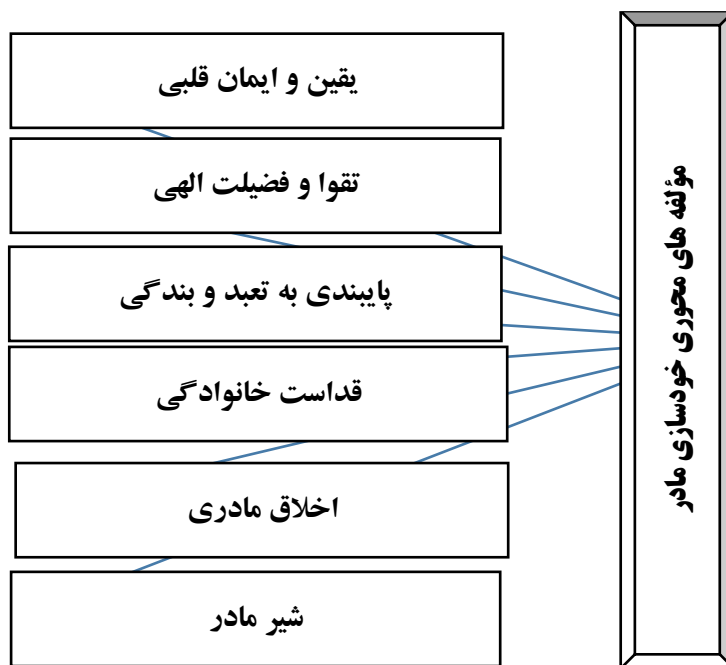
۶-۲-۶. شیر مادر

تغذیه کودک با شیر مادر در تربیت او نقش بنیادی دارد؛ زیرا بنیاد یک بنا اگر سست و کج و ضعیف باشد بقا و دوام و استحکام آن خدشه دار می شود. (موسوی راد لاریجانی، ۱۳۷۹، ص ۸۷) در دو سال اول زندگی، کودک از شیر مادر تغذیه می کند و از مادر جدایی ندارد و این ارتباط به حدی است که می توان گفت دو جسم در یک روح هستند. براین اساس می توان گفت شیر دادن مادر تنها تغذیه نیست، بلکه تبادل عاطفی و تقویت روحی است. کودک هنگام شیر خوردن، صدای قلب مادر را می شنود و آرامش نسبی پیدا می کند. کودکانی که از شیر مادر محرومند این آرامش را ندارند (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۷۱). بسیاری از زنان امروزی برای فرار از شیر دادن به بهانه های مختلف مانند تغییر اندام و تغییر زیبایی ها و یا داشتن کارهای اداری و اقتصادی و فرهنگی در بیرون از خانه، کودکان بی گناه خود را با شیر خشک و یا غذاهای مصنوعی و ساختگی مشته

و مشکوک تغذیه می‌کنند و بدین وسیله بزرگ‌ترین خیانت‌های جبران‌ناپذیر را به نوزادان خود روا می‌دارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أما حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعَظَمِهِ، فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعْدَلِ عَثْقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رَضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ عَلَى جَنْبِهَا وَ قَالَ: إِسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ، فَقَدْ غُفِرَ لَكَ؛ هَنَگَامِي كَهِ زَن بَارِدَار مِي شُود هَمَانَد رُوزِه دَار شَب زَنده دَار و مَجَاهِدِي اسْت كه بَا جَان و مَالَش دَر رَاه خدَا جِهَاد مِي كُند و هَنَگَامِي كه فَارَق شُود پَادَاشِي دَار كه نَمِي دَانِي عَظْمَت آن چِه قَدَر اسْت و هَنَگَامِي كه شِير بَدَهْد دَر هَر بَار مَكِيدَن پَادَاش آزَاد كُردَن يَكِي از فِرَزَنَدَان اسْمَاعِيل عليه السلام بَرَاي اُوسْت و آن گاه كه شِير دَادَن تَمَام شُود فِرَشْتَه‌ای بَر پَهْلُوی او مِي زَنْد و مِي گُويَد: عَمَل رَا از نو آغَاذ كُن كه بِي تَرْدِيد آمُرْزِيدِه شُدِي». (ابن بابويه، ۱۴۱۳، ص ۴۱۲)

از این روایت نورانی استفاده می‌شود كه شِير دَادَن مَادَر بَه فِرَزَنْد نَقْش بَسْزَايِي دَر رَشْد جَسْمِي او دَارْد و اَز آنجَا كه اَرْتَبَاط وَثِيق بَيْن مَادَر و فِرَزَنْد وَجُود دَارْد خُصُوصِيَاَت و رُوحِيَاَت مَادَر نِيْز بَه فِرَزَنْد مَنْتَقَل مِي شُود. بَر اَسَاس اَيْن رَهْنَمُود سَاَزَنده مِي تَوان گُفْت كه شِير دَادَن مَادَر بَه فِرَزَنْد مَوْضُوعِيَت دَارْد و شِير خُشْك و اَمْثَال ذَالِك نَمِي تَوانَد جَايگِزِين آن شُود و اِگَر بَرَايِنْد و خُرُوجِي آن بَخْشِيدَن گَنَاهَان مَادَر بَاشْد بَايْد تَأْثِيرَات فِرَاوَان اَيْن شِير دَادَن دَر فِرَزَنْدَان سِوَاي از تَغْذِيَه رَا بَه هَمْرَاه دَاشْتِه كه بَه نَظَر مَسْئَلَه تَأْثِيرَات رُوحِي و رِوَانِي آن از مِوَارِدِي اسْت كه مِي تَوان فَهْمِيد كه پَاكِي و طَهَارَت شِير مَادَر و خُود سَاَزِي آن نَقْش كَلِيدِي بَه هَمْرَاه دَارْد كه مَادَرَان بَايْد بَه اَيْن مَهْم تَوْجِه دَاشْتِه بَاشْنْد.



شکل ۱: نمودار مؤلفه های محوری خودسازی مادر

۷. نتیجه گیری

خودسازی مادر نقش تعیین کننده ای در تربیت دینی کودک دارد. مادر عنصر مهم و اساسی فراهم کردن بستر تربیت فرزند در دوران بارداری و شیردهی و فرایند رشد در دامن پاک و پرمهر و محبت خود است. ره آوردهای تجربی بشر و رهنمودهای وحیانی قرآن و عترت بیانگر آن است که حالات و صفات مادر در دوران قبل از بارداری در تربیت و اثرپذیری کودک از آموزه های دینی بسیار مؤثر است. افزون بر آن اصالت خانوادگی، ایمان قلبی و اخلاق شایسته مادر از مواردی است که در دوران بارداری بر رشد معنوی کودک تأثیر بسزایی دارد. این مهم در بزرگسالی کودکان به شکل برجسته خودش را نشان می دهد. شیر مادر نیز از مواردی است که در تربیت دینی کودک، رشد فضیلت انسانی، پرورش اعتقادات و اخلاقی کودک و پرورش اعمال صالح کودک بسیار اثرگذار است. براین اساس تأثیرات خودسازی مادر هم قبل از بارداری، هم هنگام بارداری و هم بعد از بارداری تأثیرات عمیق و ژرفی در تربیت دینی کودک دارد و اندیشه توحیدی

به واسطه برکت و وجود مادر در کودک نهادینه و ماندگار می‌شود. بنابراین، مادران باید به این مهم توجه خاص داشته باشند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۳). مترجم: رضایی اصفهانی، محمدعلی. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
۱. شریف الرضی، محمدبن حسین (۱۳۷۹). نهج البلاغه. مترجم: دشتی، محمد. قم: مشهور.
۲. ابن بابویه، محمدبن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالصادر.
۴. ابن میثم کمال الدین میثمبن علیبن میثم بحرانی (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه. مترجم: عارف، محمدصادق. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۵. ابوالقاسمی، عباس، کیامرثی، آذر، و آق، عبدالصمد (۱۳۹۰). ارتباط رفتارهای دینی و خودآگاهی با نارسایی‌های شناختی در میان سالان. نشریه روان‌شناسی و دین، ۴(۴)، ۲۷-۴۱.
۶. احمدی، احمد (۱۳۷۵). مفهوم تربیت دینی و راه‌های وصول به آن. نشریه تربیت، ۱۲(۲)، ۵۶-۵۹.
۷. اعرافی، علیرضا، و موسوی، سید نقی (۱۳۹۱). تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی. نشریه تربیت اسلامی، ۷(۱۴)، ۲۸-۷.
۸. بحرانی، ابن میثم (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه. مترجم: عارف، محمدصادق. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. بهشتی، سعید، و نیکویی، روشنگر (۱۳۹۰). کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام. تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی.
۱۰. خانزاده، عباسعلی حسین، ملکی منش، آرزو، طاهر، محبوبه، و مجرد، آرزو (۱۳۹۷). تأثیر آموزش مهارت خودآگاهی بر کاهش رفتارهای پرخطرگرا، اعتیادپذیری و خودکشی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۱(۱)، ۱۳۵-۱۶۰.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۶). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. تهران: نشر مرتضوی.
۱۳. ربانی، محسن، خان محمدی، کریم، و افروغ، عماد (۱۳۹۹). مفهوم فرهنگی اجتماعی کودکی از دیدگاه قرآن. نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۲)، ۱۲۵-۱۵۴.
۱۴. طباطبایی بروجردی، سید حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث شیعه. تهران: فرهنگ سبز.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، محمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طبرسی، حسین بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: الاشریف الرضی.
۱۷. عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۹۳). اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تربیتی و تبلیغی آنان. نشریه تربیت تبلیغی، شماره ۳ و ۴، ۱۰۵-۱۳۵.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. فراهیدی، خلیلبن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: هجرت.

۲۰. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۵). ارتباطات انسانی. تهران: امیرکبیر.
۲۱. فلسفی، محمدتقی (۱۳۴۱). کودک از نظروراثت و تربیت. تهران: معارف اسلامی.
۲۲. قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵). دوران طلایی تربیت تا هفت سالگی. قم: نورالزهرا علیها السلام.
۲۳. قائمی، علی (۱۳۷۵). نقش مادر در تربیت. تهران: انتشارات امیری.
۲۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. لطیفیان، مرتضی.. و سیف، دیبا (۱۳۸۶). بررسی تأثیر خودآگاهی بر اختلالات روابط بین فردی دانشجویان شیراز. نشریه علوم اجتماعی و انسانی، ۲۶ (۳)، ۱۳۵-۱۵۰.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). خودشناسی برای خودسازی. قم: مؤسسه در راه حق.
۲۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معین. تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. موسوی راد لاریجانی، حسین (۱۳۷۹). پدر، مادر، معلم مرا خوب تربیت کن. قم: امام شناسی و آثار الحجه عجل الله تعالی فرجه الشریف.

بررسی تطبیقی مراحل رشد و تربیت از دیدگاه ابوعلی سینا و نظریه رشد روانی - جنسی زیگموند فروید

فضه فدایی^۱، هاجر ذبیحی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی مراحل رشد و تربیت از دیدگاه ابن سینا و نظریه فروید تهیه شده است. پژوهش حاضر از نوع کیفی است که در گام نخست به معرفی هریک از این دو اندیشمند و روان‌شناس می‌پردازد و سپس مراحل رشد هر کدام را بیان می‌کند. در پایان، شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو با هم بررسی و این نتیجه حاصل شده است که فروید و ابن سینا هر دو مراحل رشد و تربیت کودک را به پنج مرحله تقسیم می‌کند و در مرحله اول به خوردن شیر مادر توسط کودک توجه ویژه‌ای دارند. فروید در مراحل رشدی که بیان می‌کند بسیار به اصل لذت تأکید دارد که در هر مرحله از رشد در یک قسمت متمرکز است درحالی‌که ابن سینا به جنبه‌های دیگر رشد کودک پرداخته و بر پدر و مادر تأکید می‌کند و اینکه در مرحله خردسالی مراقب شخصیت اخلاقی کودک باشند. همچنین هر دو به دوره‌ای که کودک آمادگی آموزش را دارد تأکید دارند و معتقد هستند که کودک باید به مدرسه برود و آموزش ببیند.

واژگان کلیدی: رشد، مراحل رشد، اندیشمندان مسلمان، ابن سینا، فروید.

۱. مقدمه

تعلیم و تربیت از مهمترین مسائلی است که تمام جوامع به آن اهتمام دارند و سعی می‌کنند در این مسئله موفق باشند. نوع دیدگاه دانشمندان جهان در هر مسئله‌ای با یکدیگر متفاوت

۱. دانش پژوه کارشناسی علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: fadaeyfezzeh@gmail.com

ORCID: 0000-0003-3048-386X

۲. مدیر گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: zabihihajar@gmail.com

ORCID: 0000-0002-3594-025X

است؛ زیرا جهان بینی و ایدئولوژی آنها تفاوت دارد. مراحل رشد کودک نیز یکی از مسائل مهمی است که اندیشمندان درباره آن اظهار نظر کرده اند. آرای تربیتی ابن سینا در مورد تعلیم و تربیت جایگاه والایی دارد تاجایی که ادعا کرده اند او اولین کسی است که در میان دانشمندان مسلمان درباره تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده است و به طور جامع تر به مسئله تربیت کودک و اصول تعلیم و تربیت و مراحل رشد کودک پرداخته و کتاب تدبیر المنازل را نگاشته است. در بین روان شناسان، زیگموند فروید برای مراحل کودکی اهتمام زیادی قائل است و مراحل رشد کودک را بررسی کرده است. بررسی دیدگاه اندیشمندان مسلمان و روان شناسان در شناخت تشابهات و تمایزات، اندیشمندان اسلامی و غربی جامعه علمی را با باورهای بنیادین در نگرش این دو گروه آشنا می کند.

آثاری در این زمینه چاپ شده است مانند مقاله بررسی آرای تربیتی ابن سینا در مورد اهداف تعلیم و تربیت. این مقاله، هدف ابن سینا در آموزش و پرورش را سعادت واقعی یعنی، قرب الهی می داند که شامل رشد کلی فرد یا تربیت تمام ابعاد وجودی انسان است. (غفاری، ۱۳۹۵) در پایان نامه بررسی تطبیقی مجموعه دیدگاه ها و آموزه های تربیتی دانشمندان مسلمان (غزالی، ابن سینا، مطهری) و تحلیل و کاربرد آنها بر فعالیت های معلمان و مربیان کشور ایران آموزه های تربیتی دانشمندان مسلمان به صورت تطبیقی بررسی شده است (افضلی، ۱۳۸۹). مقاله مراحل تعلیم و تربیت در اسلام از نظر ابن سینا مراحل رشد و تربیت را بررسی کرده است (احمدپوری، ۱۳۹۶). در هیچ یک از این مقالات به طور تطبیقی با دیدگاه روان شناسان غربی این مسئله بررسی نشده است. مقاله حاضر درصدد بیان مراحل رشد و تربیت از دیدگاه ابن سینا اندیشمند مسلمان و زیگموند فروید است و به بیان شباهت ها و تفاوت های این دو در زمینه مراحل رشد و تربیت می پردازد.

هدف از پژوهش حاضر آشنایی با مراحل رشد و تربیت دو اندیشمند اسلامی و غربی است. از آنجاکه فروید از مکتب غرب است، پس بحث اخلاق و تربیت در نگاه او با نگاه ابن سینا متفاوت

است و در دیدگاه اسلام اخلاق و تربیت بسیار پیرنگ‌تر است، ولی نگاه فروید نگاه سکولار است. پژوهش حاضر باروش کیفی، توصیفی-تحلیلی، مراحل رشد را بررسی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. رشد در لغت

واژه رشد در فرهنگ فارسی عمید به معنای به راه راست شدن، از گمراهی به راه آمدن، پایداری و ایستادگی در راه راست و نمو و ترقی و بالیدگی آمده است. رشید نیز به معنای دارای رشد، هادی و دلیر است. (عمید، ۱۳۸۸، ۶۵۲)

۲-۲. رشد از دیدگاه تعلیم و تربیت

همان‌گونه که کودک از نظر طولی و عرضی رشد می‌کند از نظر عقلی، عاطفی و اجتماعی نیز رشد می‌کند. پس از تولد رشد بدنی تا زمان معینی ادامه پیدا می‌کند، اما رشد روانی تا پایان زندگی انسان ادامه دارد. در تفاوت این واژه‌ها گفته شده که یکی به معنای رشد طبیعی است و با نمو جسمی و عصبی کودک سر و کار دارد و دیگری رشد محیطی و دریافت‌هایی است که فرد در نتیجه یادگیری از محیط خود به دست می‌آورد و شامل جنبه‌های گوناگون رشد عقلی، هیجانی یا عاطفی، اخلاقی، اجتماعی، دینی و هنری است. (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۲۷) رشد در روان‌شناسی تغییراتی است که با پیشرفت همراه باشد و از طرح و هدف مشخصی پیروی کند (شریعتمداری، ۱۳۹۰، ص ۱۳). روان‌شناسان، جنبه‌های عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و بدنی را برای رشد در نظر می‌گیرند، اما بعد الهی یا معنوی شخصیت انسان کمتر مورد توجه مربیان غیردینی است. در حیطه تعلیم و تربیت نیز براساس مبانی انسان‌شناختی در این مورد نظریاتی بیان شده است (رسولیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۰۵).

۳-۲. معنای رشد براساس آیات و روایات

رشد در قرآن به معنای توسعه و نمو جسمی نیست، بلکه به رشد و کمال در حوزه فکری، شناختی و معنوی انسان اشاره می‌کند که قله آن حق پرستی و الزامات مربوط به آن است. برای نمونه در

آیه «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»: خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل هایتان زینت بخشیده و کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است و کسانی که دارای این صفاتند رشد یافتگاند» (حجرات: ۷) رشد، معنوی قلمداد شده است. در آیه «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ؛ ای قوم مرا پیروی کنید تا شما را به راه رشد هدایت کنم. همانا این زندگی دنیا متاعی است و خانه آخرت خانه قرار و دائمی است» (غافر: ۳۹) در اینجا هم رشد در تشخیص جایگاه دنیا از آخرت است. ایمان به ناپایداری دنیا و پایداری آخرت زمینه سعادت و رشد است (قرائتی، ۱۳۹۳، ص ۲۵۶). می‌توان گفت رشد از دیدگاه اسلامی نه مانند رشد گل و گیاه است (براساس نظریه فروبل) و نه رشدی است که تابع صرف بازسازی تجربه باشد (براساس دیدگاه جان دیویی)، بلکه رشدی است برای اهداف متعالی و به سمت کمال حقیقی که با فعل اختیاری و انتخابی انسان به دست می‌آید. کمال حقیقی انسان این است که به خالق خود نزدیک شود (کاردان و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۳۶۶).

برخلاف نظر روان‌شناسان که رشد را دگرگونی‌هایی می‌دانند که بنا به ویژگی و استعداد ذاتی موجود زنده و با تأثیر عوامل خارجی بی‌اینکه خود موجود در این راه کوشش کند در او به وجود می‌آید و با پیشرفت زمان حادث می‌شود (پارسا، ۱۳۷۷، ص ۲۶) رشد مورد نظر قرآن اگرچه با استعدادها و آمادگی فرد ارتباط دارد به طور قطع، نیازمند تلاش‌ها و مجاهدت آگاهانه و ارادی انسان است و با کسب یقین و استقامت در راه حق پیوستگی دارد (رسولیان و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۰۷). انسان از دیدگاه اسلام موجودی در حال رشد است که در دوران زندگی خود نیز از مراحل و دوره‌های مشخصی عبور می‌کند. خداوند در آیه ۶۷ سوره غافر می‌فرماید: «اوست خدایی که شما را از خاک ناچیز بیافرید و سپس از قطره آب و آن‌گاه از خون بسته، پس شما را از رحم مادر طفلی بیرون آورد تا آنکه به سن رشد و کمال برسید و باز پیر و سالخورده شوید و برخی از شما پیش از سن پیری وفات کنید و همه به اجل معین خود. تا مگر قدرت خدا را تعقل کنید». رشد در اسلام مورد توجه خاص قرار گرفته و مطالب مربوط به آن در آیات و روایات متعدد بیان شده

است. رشد در قرآن کریم با معانی متعددی مطرح شده است که به اختصار به چند مورد اشاره می‌شود. رشد به معنای یافتن راه صحیح و راهنمایی انسان به سوی خداوند است. مسیر رشد همان مسیر تقرب بر خداست که با شکفتن استعدادهای انسان او را در راه کمال قرار می‌دهد. معنی دیگر رشد، خردمندی و قوه تشخیص است که بدان وسیله انسان مسئولیت کارهایش را در زمینه‌های متعددی پذیرا می‌شود. تربیت یعنی، افزودن و زیاد شدن. معنی سوم رشد است. رشد به معنی ترکیه یعنی، زدودن درون انسان از آلودگی‌ها نیز به کار رفته است (بهمنش، ۱۳۹۰). از دیدگاه روان‌شناسی، رشد به معنای بررسی جریان تحولات و تغییرات در فرایند رشد زیستی، آثار محیطی و چگونگی شکل‌گیری و ازبین بردن آنها در مسیر زندگی است. این فرایند از آغاز تشکیل نطفه انسان تا کهنسالی ادامه دارد و مهارت‌هایی مانند مهارت‌های حرکتی، رفتار اجتماعی و توانایی شناختی و شخصیتی را شامل می‌شود. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳) با این مقدمات مشخص می‌شود که ریشه‌های رشد از دیدگاه اسلام که نظر ابن سیناست قوی‌تر از پایه‌های دیدگاه روان‌شناسان غربی است.

۳. نگاهی گذرا به زندگینامه ابوعلی سینا

ابوعلی سینا که نام کامل او حسین بن عبدالله بن علی بن سینا و ملقب به شیخ الرئیس است در مکانی از توابع شهر بخارا به دنیا آمد. در سیر مطالعه زندگی وی به برکت شرح حالی که خود او برای یکی از شاگردانش بیان کرده است اطلاعات کافی در مورد چگونگی شروع تحصیل و آموزش او در دوران جوانی و نوجوانی وجود دارد. او به قول خودش تا ده سالگی، قرآن و بسیاری از علوم ادب را آموخته بود و مردم از او در تعجب بودند. (دیباجی، ۱۳۶۴، ص ۳۵) وی تا پیش از آنکه نزد استاد معتبری شاگردی کند بسیاری از علوم دیگر مانند هندسه و فقه را نیز به طور مختصر یاد گرفته بود. وقتی ابو عبدالله ناتلی که به فلسفه‌دانی مشهور بود به بخارا آمد پدرش او را نزد وی گذاشت تا منطق بیاموزد. استاد از نبوغ فراوان شاگرد در حیرت ماند و دانشمند جوان مقدمات منطق و برخی کتاب‌های اقلیدس را در محضر ناتلی درس گرفت. پس از مدتی ناتلی بخارا را ترک

کرد و شاگردش به تنهایی شروع به مطالعه کتاب‌های علمی و شروح آنها کرد. او در این مدت شب‌ها و روزها مطالعه می‌کرد و کتاب‌های ارسطو و بطلمیوس را به خوبی خواند و تا آنجا پیش رفت که به قول خودش درهای دانش به رویش گشوده شد (مجتبایی، ۱۳۵۶، ۷۰/۴). او خودش مراحل بعد تحصیلش را این‌گونه توصیف می‌کند: «سپس به علم طب راغب شدم و کتاب‌های تصنیف شده در آن فن را خواندم و علم طب از دانش‌های دشوار نیست، پس در کمترین مدت آن را فراگرفتم به نحوی که فاضلان این فن پیش من طب می‌خواندند» (حلی، ۱۳۶۱، ص ۱۹۸).

از این زمان به بعد ابوعلی سینا طبیب حاذقی شد که به علاج بیماران می‌پرداخت و در این راه شهرت فراوانی پیدا کرد. این شهرت باعث شد برای درمان نوح بن منصور سامانی که حاکم بخارا بود و به بیماری صعب‌العلاجی دچار شده بود به دربار فراخوانده شود و او در ازای درمان حاکم از او درخواست کرد که اجازه داشته باشد از کتابخانه دربار استفاده کند. در اثر مطالعه کتاب‌های نایاب و گران‌قیمتی که در کتابخانه دربار وجود داشت ابن سینا توانست تسلط خود را در بیشتر علوم کامل کند و این درحالی بود که هنوز هیجده سال بیش نداشت و در ابتدای راه زندگی بود. (نعمه، ۱۳۶۷، ص ۱۵۰) اوضاع بر همین منوال می‌گذشت تا آنکه پدرش از دنیا رفت و او مجبور شد به جای پدر وارد دستگاه حکومتی شود. دیری نپایید که نوح بن منصور نیز درگذشت و پسرش برجای وی به حکومت رسید. ابن سینا دیگر نتوانست در دستگاه اداری حکومت باقی بماند و عزم سفر کرد و به سمت حکومت خوارزمشاه در گرگانج حرکت کرد. از این به بعد ابن سینا زندگی بسیار سخت و پرفراز و نشیبی داشت و به جز مدتی در پایان عمرش دیگر نتوانست آن فراغت لازم را که دانشمندان برای مطالعه و تحقیق بدان نیاز دارند به دست آورد. او بیشتر عمر خود را در مسافرت‌های طولانی از شهری به شهر دیگر و از حکومتی به ولایتی دیگر گذراند و حوادث گوناگونی را از سرگردانی در کویر و گم شدن در بیابان گرفته تا سکنی گزیدن در روستایی دور افتاده و رسیدن به وزارت سلطان و زندگی در دربار تجربه کرد. او حتی متهم به خیانت در وزارت شد و حبس در زندان حکومت را نیز تجربه کرد، سپس مخفیانه از زندان گریخت و با لباس ناشناس به سمت حکومتی دیگر در اصفهان روانه شد. جنگ‌ها و صلح‌های فراوانی را

دید و در گرفتاری‌های سیاسی و اجتماعی متفاوتی زندگی کرد و در تمام این مدت به برکت شهرتی که بیشتر در علم طب داشت امرار معاش و گذران زندگی می‌کرد.

شیخ الرئیس در تمام این مدت هرگز دست از تلاش و کوشش علمی نکشید و بیشتر کتاب‌هایی که نوشته و شاگردانی که تربیت کرده مربوط به همین دوران است. او حتی برخی از رسائلش را در زندان به رشته تحریر درآورد. ابوعبید جوزجانی، شاگردش شرایط کارهای علمی او را در زمان وزارت این‌گونه توصیف می‌کند: «در این ایام هر شب طالبان علم در خانه او گردمی‌آمدند و من نزد او کتاب شفا می‌خواندم و دیگر کتاب قانون را می‌خواند. تدریس هم شب‌ها صورت می‌گرفت؛ زیرا شیخ روزها کار وزارت و دیوانی داشت» (حلی، ۱۳۶۱، ص ۲۰۱). سرانجام این حکیم دانشمند پس تحمل سختی‌های فراوان و مجاهدت‌های علمی بسیار که ثمره آن تاکنون در عالم اسلام نمایان است در سال ۴۲۸ هجری قمری درحالی که ملازم علاءالدوله بود و به سمت اصفهان بازمی‌گشت در شهر همدان جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

۴. نگاهی گذرا به زندگینامه زیگموند فروید

زیگموند فروید^۱ پزشک و روان‌شناس معروف آطریستی در سال ۱۸۵۶ در فرای بورک اتریش به دنیا آمد. در سال ۱۸۸۱ به اخذ دکترای پزشکی نائل آمد و باوجود انجام کارهای پزشکی در بیمارستان‌ها و مطب خصوصی خود به تحقیقات در عصب‌شناسی پرداخت. در سال ۱۹۳۹ پس از آنکه بر اثر فشار نازی‌های آلمان به انگلستان مهاجرت کرده بود در لندن درگذشت. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۳).

۵. مراحل رشد از دیدگاه فروید

- مرحله دهانی (از تولد تا ۱۸ ماهگی)

- مرحله مقعدی (۱ تا ۳ سال)

- مرحله فالیک (۳ تا ۶ سال)

- مرحله نهفتگی (۶ سال تا بلوغ)

- مرحله تناسلی (بلوغ تا بزرگسالی)

۶. رشد روانی جنسی از نظر فروید

فروید معتقد است که رشد شخصیت کودک که به نظر او از آغاز تولد شروع می شود در حدود ۵-۶ سالگی بیشترین اهمیت را پیدا می کند. این رشد در سنین حدود ۱۴ سالگی کامل می شود. در طی این دوران رشد، انرژی روانی لیبیدو در مراحل مختلف در نقاط مختلف بدن کودک تمرکز پیدا می کند و برهمین اساس لذت کودک در هر مرحله متمرکز بر ناحیه ویژه ای از بدن اوست.

۶-۱. مرحله دهانی (تولد تا ۱۸ ماهگی)

در مرحله اول رشد روانی-جنسی، تمرکز انرژی لذت بخش در لب ها و دهان کودک است. نوزاد وقتی دچار گرسنگی می شود با مکیدن پستان مادر یا پستانک بطری احساس لذت می کند چون به کار انداختن لب و دهان و رفع گرسنگی و کسب لذت و خوشی تکرار می شود کودک یاد می گیرد که برای تجدید این لذت حتی وقتی سیر است یا غذایی وجود ندارد هرچیزی از جمله انگشتان را به دهان ببرد و بمکد. در این مرحله اعمال و رفتار کودک به طور عمده تابع اصل لذت است؛ یعنی جست و جوی لذت و گریز از دردها تنها هدف زندگی نوزاد است. از ویژگی های مهم این دوره، یکی همبستگی شدید به مادر و احساس اتکا به دیگران است. کسی که در این مرحله به اندازه کافی ارضا نشده باشد و در آن باقی بماند (به اصطلاح خود فروید تثبیت می شود) یا بعدها به اندازه بازگشت کند مانند کودکان خردسال نیاز مسری به پشتیبانی و حمایت دیگران دارد و تمایل او به گرفتن و دریافت بیش از بخشیدن به دیگران است. گفته شده است که علاقه زیاد به حرف زدن (شهووت کلام) و اعتیاداتی مانند سیگار کشیدن و آدامس جویدن نیز جلوه هایی از تثبیت در مرحله دهانی هستند. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۷)

والدینی که بسیار محروم‌کننده یا بی‌اندازه نوازشگر هستند، می‌توانند گذشتن کودک از مرحله دهانی به مرحله بعدی را دشوار کنند. کودک در اثر محرومیت ممکن است در مرحله دهانی تثبیت شود. انرژی‌ها بیشتر به سمت کسب ارضای دهانی هدایت می‌شوند که در دوران کودکی به اندازه کافی برآورده نشده‌اند. نوازش افراطی هم می‌تواند کودک را در مرحله دهانی تثبیت کند، ولی انرژی‌ها به سمت تداوم و حفظ شرایط ارضاکننده هدایت می‌شوند. تثبیت ناشی از محرومیت یا ارضای بیش‌ازحد باعث رشد شخصیت دهانی با صفات دوقطبی زیر می‌شود: خوش‌بینی- بدبینی، ساده‌لوحی- بدگمانی، ازخودراضی بودن- خودخوارشمی، دستکاری کردن- بی‌تفاوتی و تحسین- رشک. (جیمز اوو جان، ۱۳۸۱، ص ۶۰)

۶-۲. مرحله مقعدی (از ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی)

در این مرحله دفع مواد زائد جنبه لذت‌بخش پیدا می‌کند و در نتیجه منطقه لذت به ناحیه مقعد منتقل می‌شود. در این مرحله کودک علاوه بر دفع از نگه داشتن مدفوع نیز لذت می‌برد. از خصوصیات روانی این مرحله یکی این است که اگر کودک عمل دفع را در زمان و مکان نامناسب انجام دهد و ازسوی مادر مورد عتاب و سرزنش قرار گیرد ممکن است آدمی لجوج، تندخو، بی‌شرم و خراب‌کار از کار درآید. برعکس اگر برخورد مادر با این عمل ملایم و توأم با مهربانی باشد این عمل از دید او اهمیت فراوانی پیدا می‌کند و همین اندیشه می‌تواند در او منشأ سازندگی و خلاقیت شود. کسانی که در این مرحله تثبیت می‌شوند افرادی خسیس و لئیم‌بارمی‌آیند که نمی‌خواهند چیزی از خود پس بدهند. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۸)

۶-۳. مرحله تناسلی (۴-۶ سالگی)

در این مرحله ناحیه لذت‌بخش به اعضای تناسلی منتقل می‌شود و در صورت عادی بودن، شخصیت برای همیشه در آنجا باقی می‌ماند. علاقه کودک به دیگران بیشتر به دلیل لذت تماس است. کودک همچنین از لمس آلت تناسلی خود لذت می‌برد و آن را از نظر احساس لذت از نقاط دیگر بدن خود حساس‌تر می‌یابد و به همراه این لذت بردن تصورات و خیال‌بافی‌هایی می‌کند

که موجب تمایل او نسبت به افراد خانواده و ظهور عقده اودیپ در پسران و عقده الکتر در دختران می‌شود. این عقده‌ها در اواخر این دوره حل می‌شوند و کودک به مرحله بعدی گام می‌گذارد. به عقیده فروید، کودک در این مرحله نسبت به والد غیرهمجنس خود احساس تمایل می‌کند و از والد همجنس خود متنفر می‌شود؛ زیرا متوجه می‌شود که والد همجنس مقدار زیادی از محبت والد غیرهمجنس را به خود اختصاص داده است. این احساس بدبینی نسبت به پدر و مادر از نظر اجتماعی نامقبول است و در کودک بیم و خطر قطع آلت به وسیله والد همجنس ایجاد می‌شود که فروید آن را عقده اختگی خوانده است. کودک برای حل این عقده با والد همجنس همانندسازی می‌کند و سعی می‌کند مانند او شود و به این شیوه بعدها مرد یا زن دیگری را جانشین پدر و مادر خود کرده و به او دلبستگی پیدا می‌کند. با این همانندسازی، نگرانی و اضطراب کودک از بین می‌رود و بدین شیوه به مراحل بعدی رشد و تحول شخصیت خود قدم می‌گذارد. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۸)

۴-۶. دوره پنهانی یا کمون (۶ تا ۱۲)

این دوره از این نظر دوره کمون نام‌گذاری شده است که طی آن امیال جنسی و پرخاشگرانه کودک فروکش کرده و و پنهان می‌شوند و درمقابل، رشد هوشی، اخلاقی و اجتماعی کودک توسعه بیشتری می‌یابد. این دوره برای تعلیم و تربیت کودک مناسب است و وی می‌تواند به یادگیری مطالب و مهارت‌های تازه مانند خواندن، نوشتن و آموختن آداب و رسوم و اخلاق اجتماعی نائل آید. چنان‌که کودکی عقده ادیپ را به سلامت پشت سر گذاشته باشد و با والد همجنس خود رابطه مثبتی برقرار کرده باشد استعداد کافی برای رقابت با دیگران کسب کرده و قادر خواهد بود با پیروزی و شکست به شکل واقع‌بینانه روبه‌رو شود. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۷۹)

۵-۶. دوره جنسی یا شهوی

این دوره که از سن ۱۲ تا ۱۴ سالگی آغاز می‌شود با افزایش ترشح و فعالیت غدد داخلی مشخص می‌شود و همین ترشحات سبب ظهور خصوصیات ثانوی جنسی در نوجوان می‌شود. واضح

است که کامل شدن رشد روانی جنسی مستلزم آن است که این دوره به تطابق مطلوب جنسی با جنس مخالف منتهی شود. در این دوره خواهش‌های جنسی که ناشی از نهاد هستند شدت ویژه‌ای پیدا می‌کنند و این تمایل نخست جنبه خودشیفتگی دارد و بعد گرایش به همجنس دوستی پیدا می‌شود و بالاخره به تمایل جنس مخالف تبدیل می‌شود. رسیدن به تمایل به جنس مخالف نشانه کمال رشد جنسی روانی و علامت کامل شدن شخصیت فرد است. (کریمی، ۱۴۰۱، ص ۸۰)

۷. مراحل رشد و تربیت از دیدگاه ابن سینا

ابن سینا اولین کسی است که در میان دانشمندان مسلمان درباره تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده و تعلیم و تربیت را به صورت جامع‌تر نگریسته است. ابن سینا در کتاب قانون دوران رشد یعنی، زادن تا ۳۰ سالگی را به پنج مرحله تقسیم می‌کند.

۷-۱. مرحله نوزادی تا دو سالگی

بوعلی در شرح این مرحله بیشتر به بهداشت و تغذیه نوزاد اشاره دارد و برای رشد بهتر فرزند توصیه‌هایی درباره شیر مادر و شیر جایگزین عرضه بیان می‌کند. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۸) وی در این مرحله سخن از تربیت را از دوران جنینی آغاز می‌کند. از آنجاکه ابن سینا دانای به طب بوده است موضوعات تربیتی را جدای از تربیت جسمانی کودک نمی‌داند. او در بخش تربیت کودک چهار فصل می‌گشاید که به ترتیب از نگهداری نوزاد هنگام تولد، آداب شیر دادن و تغذیه نوزاد و انتخاب دایه، بیماری‌های کودکان و بالاخره از پرورش خردسالان صحبت می‌کند (احمدپوری، ۱۳۹۶، ص ۱). ابن سینا درباره تغذیه نوزاد پیشنهاد می‌کند از شیر مادر استفاده شود و نیز در تغذیه نوزاد و کودک باید مراقب بود به پرخوری عادت نکند. وی استفاده از شیر دایه را برای جایگزین شیر مادر روا می‌داند، ولی تأکید می‌کند دایه باید سن مناسب، شکل و هیئت سازوار و خلیقات پسندیده داشته باشد و شیرش خوب باشد (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲).

۷-۲. مرحله خردسالی (حدود دو تا شش سالگی)

این مرحله با از شیر گرفتن فرزند آغاز می‌شود و تا آغاز آموزش رسمی در مکتب یعنی، شش سالگی ادامه می‌یابد. بوعلی توصیه می‌کند والدین در این مرحله از رشد مراقب شکل‌گیری شخصیت اخلاقی فرزند باشند تا به عادات بد اخلاقی و رفتاری گرفتار نشود. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۸) پس از بازگیری از شیر مادر، بوعلی پس از ذکر اینکه حق فرزند بر پدر پس از تولد، نام نیکو بر وی نهادن و انتخاب دایه واجد شرایط است، می‌گوید: «فاذا فطم الصبی عن الرضاع بدأ بتأدیه و ریاضة اخلاقه. فینبغی لقیم الصبی ان یجتنبه مقابح الافعال، و ینکب عنه معایب العادات بالترهیب و الترغیب، والایناس و الایحاش، و بالاعراض و الاقبال؛ پس از بازگیری کودک از شیر، مربی باید تأدیب و بهسازی اخلاق کودک را آغاز کند». بنابراین، شایسته است که سرپرست کودک وی را از کارهای زشت بازدارد و با ترساندن یا تشویق، ایجاد انس یا نامأنوس کردن و روگرداندن یا توجه به او عادت‌های زشت را از وی دور کند. بدین ترتیب از تربیت دو سالگی آغاز می‌شود (افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶). ابن سینا برای پرورش صحیح خردسالان چهار توصیه دارد که عبارتند از: اعتدال در رفتار و اخلاق (باید کودک را از اختلالات عصبی و روحی حفظ کرد و آنچه می‌خواهد در اختیارش گذاشت و او را از چیزهای نفرت‌زا دور کرد. در این حالت از کودک کژخلقی و بدرفتاری سر نمی‌زند)؛ داشتن برنامه غذایی و خواب و استحمام معتدل؛ عدم اجباری بودن تعلیم و رفتن به مدرسه در سن ۶ سالگی؛ استفاده از نوشیدنی‌های سالم (احمدپوری، ۱۳۹۶، ص ۱).

در این مرحله ابن سینا به تربیت جسمی کودک توجه دارد. وی درباره بازی کودک می‌گوید: «چون از خواب برخیزد، استحمام کند و اندکی به بازی بپردازد. آن‌گاه غذا بخورد و بعد دوباره به بازی مشغول شود، اما این بار بیش از بار اول بازی کند. بعد دوباره استحمام کند و غذا بخورد». وی معتقد است بازی و ورزش کودک باید به تدریج کاهش پذیرد و ورزش در خردسالی و نوجوانی باید معتدل و دور از افراط و تفریط باشد. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲)

۷-۳. مرحله کودکی (از زمان رویش دندان‌های دائمی تا پیش از بلوغ)

ابن سینا این مرحله را دوره آموزش کودک در مکتب می‌داند. از این رو، پیشنهاد می‌کند فرزند را به مکتب بفرستند تا در جمع دیگر بچه‌ها آموزش ببیند. بوعلی به اهمیت بازی برای کودک در این مرحله اشاره کرده است. ابن سینا سن تعلیم مدرسه‌ای را منوط به محکم شدن مفاصل کودک و تسلط بر عضلات و قوای جسمانی خود می‌داند که پس از ۵ سالگی اتفاق می‌افتد. وی در کتاب قانون سن مناسب آغاز تعلیم در مدرسه را ۶ سال ذکر کرده است. ابن سینا آموزش گروهی را بر آموزش خصوصی ترجیح می‌دهد. در آموزش جمعی میان نوآموزان رقابت و گفت‌وگوی علمی صورت می‌گیرد و کودکان آداب اجتماعی را می‌آموزند و این موجب فزونی علم و عقل آنها می‌شود، ولی در آموزش خصوصی و فردی، شاگرد و معلم هردو ملول و خسته می‌شوند. (ابن سینا، ۱۳۱۹، ص ۴۵) شیخ الرئیس در مورد شش سالگی می‌فرماید: «فاذا اشتدت مفاصل الصبی واستول لسانه و تهيأ للتلقين و وعى سمعه اخذ فى تعلم القرآن و صورت له حروف الهجاء و لقن معالم الدين و ينبغى ان يروى الصبى الرجز ثم القصيدة؛ پس از رشد مفاصل بدنی، آمادگی زبانی، تلقین‌پذیری و رشد شنوایی باید به تعلم قرآن بپردازد و حروف الفبا به صورت نوشتاری به وی آموخته شود و معارف دینی به او تلقین شود» (افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶).

۷-۴. مرحله نوجوانی

این مرحله یعنی، دوران بلوغ و ظاهر شدن جوش در صورت. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹) از نگاه بوعلی در این مرحله فرزند به مرحله آموزش تخصصی گام می‌نهد و رفته‌رفته برای مشارکت در زندگی اجتماعی و فعالیت شغلی و تشکیل خانواده آماده می‌شود. وقتی که کودک در مدرسه آموزش‌های ابتدایی دید و به سن بلوغ رسید می‌تواند صنعت و حرفه‌ای بیاموزد و پس از آن زندگی مستقل خود را آغاز کند. شایسته است که نوجوان براساس ذوق و طبع خود هنر و حرفه‌ای فراگیرد. رعایت عامل محیط و وراثت و رعایت تفاوت‌های فردی در انتخاب شغل و حرفه مورد توجه ابن سینا بوده است. افراد کندذهن و استثنائی نباید در جامعه رها شوند و بی‌کار بمانند، بلکه باید تعلیم داده شوند. ابن سینا در آموزش و پرورش عقاید خاصی دارد که می‌توان

آنها را چنین خلاصه کرد: همین که کودک آماده یادگیری شد باید قرآن و حروف الفبا را به او آموخت. سپس آموزش شعر را آغاز کرد و او اشعاری را باید حفظ کند که در تعریف علم و تقبیح جهل سروده شده‌اند و کودک را به نیکی بر والدین، اعمال نیک و مهمان‌نوازی برمی‌انگیزد.

به نظر ابن سینا کودک علاوه بر یادگیری علوم مختلف باید حرفه‌ها و فنون گوناگون را هم یاد بگیرد تا بتواند معاش خود را تأمین کند. ابن سینا به تربیت اخلاقی بیشتر توجه دارد و تربیت دینی را برای موفقیت در تربیت اخلاقی لازم می‌داند. منظور او از تربیت اخلاقی بارآوردن مردان و زنانی است که عفیف و با اراده قوی باشند، فضیلت را دوست بدارند و در کارها و اعمالشان رضایت خدا را در نظر بگیرند. ابن سینا تربیت اجتماعی کودک را هم توصیه می‌کند و می‌گوید امکان و فرصت گرد هم آمدن کودکان را بیشتر و وسیع‌تر کنید تا ایشان بتوانند زندگی اجتماعی را بیاموزند. تا می‌توانید با کودکان بیشتر حرف بزنید که این موجب رشد ذهنی ایشان می‌شود. ابوعلی سینا از فیلسوفان و مسلمانی است که به حکمت عملی پرداخته و درباره تدبیر منزل که به سازمان خانواده اشاره دارد، پرداخته است. (احمدپوری، ۱۳۹۶، ص ۳) پس از آموزش‌های ابتدایی در این مرحله نیز سن دقیق تعیین نشده است، اما فرض بر این است که مواد آموزشی مرحله قبل گذرانده شده است. در این زمینه چنین می‌گوید: «و اذا فرغ الصبی من تعلم القرآن و حفظ اصول اللغه، نظر عند ذلک الی ما یراد ان تکون صناعته فوجه لطریقه؛ پس از فراغت کودک از فراگیری قرآن و حفظ لغات، مربی (باتوجه به ویژگی‌های شخصی و ذوق و استعداد بیندیشد که در چه کار، صنعت و رشته خاصی باید قرار داده شود و براساس آن برنامه آموزشی متناسب با آن را طراحی کند (افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶).

۷-۵. مرحله جوانی (از بلوغ تا سی‌سالگی)

از نگاه بوعلی در این مرحله، فرزند به مرحله آموزش تخصصی گام می‌نهد و رفته‌رفته برای مشارکت در زندگی اجتماعی، فعالیت شغلی و تشکیل خانواده آماده می‌شود. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹) پس از اشتغال و استقلال در مرحله آخر، هنگامی که جوانی ورزیده، مجرب و از نظر اقتصادی مستقل شد زندگی و کانون مستقل خانوادگی برایش تشکیل می‌شود. بوعلی می‌گوید:

«فاذا كسب الصبی بصناعته فمن التدبیر ان یزوج و یفرد رحله لئلا تتلاعب به الشهوات؛ درنهایت هنگامی که جوان از طریق اشتغال خویش درآمد کافی به دست آورد باید برای او همسری زاهد و زندگی مستقلی برایش آماده نماید تا در دامن شهوت‌ها نیفتد» (افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۶).

ابن سینا تأکید می‌کند که در برنامه‌ریزی آموزشی، مراحل گوناگون را باید مراعات کرد. برای مثال در خردسالی، بازی باعث خلاقیت و نوآوری کودکان می‌شود یا خستگی کودکان با بازی رفع می‌شود. بنابراین، استفاده از برنامه‌ریزی محاسبه شده برای سن کودک یا توجه به مراحل سنی کودک در برنامه‌ریزی از اهداف و برنامه برای تعلیم و تربیت است. (به نقل از شلبی، ۱۳۶۱) ابن سینا با وجود اینکه توصیه‌های زیادی در تعلیم و تربیت کودکان دارد به سه برنامه توجه بیشتری نشان می‌دهد که عبارتند از: آموزش قرآن و مبانی دینی، آموزش اصول و قواعد زبان و آموزش هنر و صنعت (کاهانی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۳).

۸. تربیت جنسی از دیدگاه ابن سینا

از نظر ابن سینا نیاز جنسی باید پاسخ داده شود، اما از نگاه او راه منحصر به فرد این پاسخ‌گویی ازدواج است. از این رو، وی هر نوع فعالیت جنسی دیگر را ممنوع می‌داند؛ زیرا به پرهیز از ازدواج و تشکیل خانواده که ستون خیمه جامعه و مهمترین نهاد آن است، می‌انجامد. وی از حکمت‌های حرمت فعالیت‌های جنسی خارج از چارچوب خانواده را همین امور می‌داند. بوعلی در واکاوی تربیت جنسی به لزوم تشویق و ترغیب افراد به ازدواج رسمی، علنی بودن ازدواج، تلاش برای استمرار خانواده تشکیل شده، سن ازدواج، ناروایی تعداد شوهر و روایی تعداد زن می‌پردازد. (رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳)

۹. نتیجه‌گیری

امروزه هرگونه اصلاحات آموزشی، متکی بر آرا و اندیشه فلاسفه تربیتی است. در ایران به دلیل نفوذ و غلبه اسلام در ساحت اندیشه و حیات مردم، سخن گفتن از نسبت میان اسلام و تعلیم و تربیت اهمیت یافته است و اسلام برای تعلیم و تربیت اهمیت قائل شده است. تربیت فقط منحصر به

مسلمانان نیست، بلکه هر جامعه و فرهنگی به این مسئله توجه ویژه دارد. مقاله حاضر باروش تطبیقی دو اندیشمند مسلمان و غیرمسلمان یعنی، ابن سینا و زیگموند فروید را با هم مقایسه کرده است. فروید و ابن سینا هردو مراحل رشد و تربیت کودک را پنج مرحله می‌دانند. در مرحله اول به خوردن شیر مادر توسط کودک توجه ویژه‌ای شده است که هم در تربیت کودک تأثیر دارد و هم احساس لذت می‌کند. همان طور که ابن سینا بیان می‌دارد که در تغذیه کودک باید مراقب بود که از پرخوری پرهیز شود تا در آینده این عادت در کودک ایجاد نشود. فروید هم معتقد است که ارضای بیش‌ازحد در مرحله دهانی باعث می‌شود که کودک در این مرحله بماند و نابهنجاری‌هایی مثل سیگار کشیدن در آینده داشته باشد.

فروید در مراحل رشدی، بسیار به اصل لذت تأکید دارد که در هر مرحله از رشد در یک قسمت متمرکز است درحالی‌که ابن سینا به جنبه‌های دیگر رشد کودک پرداخته و بر پدر و مادر تأکید می‌کند که در مرحله خردسالی مراقب شخصیت اخلاقی کودک باشند؛ زیرا در این مرحله شخصیت کودک شکل می‌گیرد و ملاحظه کنند تا به عادات بد اخلاقی و رفتاری گرفتار نشود. هردو اندیشمند به دوره‌ای که کودک آمادگی آموزش را دارد تأکید دارند و معتقد هستند که کودک باید به مدرسه برود و آموزش ببیند؛ زیرا در این سن انرژی کودک به سمت رشد مهارت‌های جدید و کسب دانش جدید هدایت می‌شود و بازی تا حد زیادی محدود به سایر کودکان همجنس می‌شود. ابن سینا آموزش گروهی را بر آموزش فردی ترجیح می‌دهد و معتقد است در آموزش گروهی کودک در محیط آموزشی گروهی ادب می‌آموزد و موجب برانگیختن حس رقابت میان شاگردان می‌شود و به رشد و پرورش ذهنی کودک یاری می‌رساند و زمینه بازی با همسالان و ارتباط با آنان را که از نیازهای روحی کودک است، فراهم می‌کند. این آموزش‌ها به زمینه تعیین آینده کودک و کسب مهارت می‌انجامد که می‌توانند به وسیله آن شغل خود را پیدا کند و به دنبال آن برود. ابن سینا برخلاف فروید که تمام مراحل تربیت را بر مسئله جنسی متمرکز کرده است به جنبه‌های دیگر پرداخته و برای ارضای نیاز جنسی راهی جز ازدواج نمی‌بیند و معتقد است کسب

مهارت و شغل، زمینه مناسب برای ارضای این مسئله است و این دیدگاه برمی گردد به پایه ها و ستون های محکم اسلام که باتوجه به آن می توان یک تربیت صحیح داشت.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۱۹). ابن سینا و تدبیر منزل. مترجم: نجمی زنجانی، محمد. تهران: انتشارات مجمع ناشر کتاب.
۲. احمدپوری، یونس.، و احمدپوری، سید میثم (۱۳۹۶). مراحل تعلیم و تربیت در اسلام از نظر ابن سینا. مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و رفتاری. مشهد: دانشگاه تربت حیدریه.
۳. افضل، لیلا (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی مجموعه دیدگاه ها و آموزه های تربیتی دانشمندان مسلمان (غزالی، ابن سینا، مطهری) و تحلیل و کاربرد آنها بر فعالیت های معلمان و مربیان کشورمان. پایان نامه ارشد. دانشکده علامه طباطبائی. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
۴. بهمنش، همایون (۱۳۹۰). رشد از دیدگاه اسلام. <https://hbehmanush.blogspot.com/1390/12/18/post>. ۱۸ اسفند ۱۳۹۰.
۵. پارسا، محمد (۱۳۷۷). روان شناسی رشد کودک و نوجوان. تهران: انتشارات بعثت.
۶. پروچاسکا، جیمز او.، و نوراکس، جان سی (۱۳۹۰). نظریه های روان درمانی. مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: انتشارات رشد.
۷. حلبی، علی اصغر (۱۳۶۱). تاریخ فلاسفه ایرانی. تهران: انتشارات زوار.
۸. دیباجی، سید ابراهیم (۱۳۶۴). ابن سینا به روایت اشکوری و اردکانی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۹. رسولیان، علی.، خواجه پور بنادکی، کمال.، و عاصی مذهب، ابوالقاسم (۱۳۹۹). بررسی مفهوم رشد فردی در روایات اسلامی و قرآن. نشریه مطالعات قرآنی، ۴۳ (۱۱)، ۴۹۹-۵۲۵.
۱۰. رفیعی، بهروز (۱۳۹۸). مربیان بزرگ مسلمان. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. شریعتمداری، علی (۱۳۹۰). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۲. شلبی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ آموزش در اسلام. مترجم: ساکت، محمد حسین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۳. عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۴. غفاری، اسلام (۱۳۹۵). بررسی آرای تربیتی ابن سینا در خصوص اهداف تعلیم و تربیت. سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۹۳). تفسیر نور. تهران: دار الکتاب الاسلامیه.
۱۶. کاردان، علی محمد.، ایرانی، حسین.، اعرافی، علیرضا.، حسینی، علی اکبر.، و پاک سرشت، محمدجعفر (۱۳۸۰). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
۱۷. کاهانی مقدم، کاظم (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت در اندیشه بوعلی سینا. تهران: انتشارات صبرا.
۱۸. کریمی، یوسف (۱۴۰۱). روان شناسی شخصیت. تهران: نشر روان - ارسباران.

۱۹. مجتبیایی، فتح‌الله، خراسانی، شرف‌الدین، و جعفری نائینی، علیرضا (۱۳۵۶). مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۲۰. موسوی، سیده‌الناز، الهی، طاهره، مسجدی آرانی، عباس، سالک ابراهیمی، لیلا، جلیل‌پور، مینا، و شهسواری، زهرا (۱۳۹۷). تطبیق مراحل رشد انسان در روان‌شناسی و نهج‌البلاغه. نشریه پژوهش در دین و سلامت، شماره ۵، ۴۰-۱۳۲.
۲۱. نعمه، عبدالله (۱۳۶۷). فلاسفه شیعه. تهران: انتشارات سازمان آموزش و پرورش اسلامی.

تبیین روان شناختی سیادت کودک در هفت سال اول زندگی

فاطمه زهرا فرحات^۱، مریم رسول نژاد^۲

چکیده

دوران کودکی که در آموزه‌های اسلامی دوره سیادت و سروری نامیده شده است مرحله‌ای طلایی در زندگی فرزندان خردسال محسوب می‌شود. در این سال‌ها خانواده می‌تواند سیستمی از ارزش‌ها و اخلاقیات اسلامی را در نهاد و وجود فرزندان خود بکارد. باتوجه به اهمیت این دوره مهم نوشتار حاضر تبیین روان‌شناختی سیادت کودک در هفت‌سال اول را از دیدگاه پیامبر ﷺ، ائمه علیهم‌السلام، علمای مسلمان و روان‌شناسان به‌روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دوره سیادت ویژگی‌های خاص و دقیقی دارد که باید به آن بسیار توجه کرد و کودک در این دوره سنی، نیازهای اساسی و حساس بسیاری دارد که باید برطرف و تأمین شود تا از نظر روانی سالم بماند و تربیت و پرورش وی از مسیر صحیح و مستقیم خود منحرف نشود. نیاز به آزادی، بازی، محبت، احترام و تکریم، استقلال، امنیت، تجارب جدید و ارضای حس کنجکاوی و تشویق از نیازهای مهم و حساس این مرحله است.

واژگان کلیدی: سیادت، تربیت، کودک، آزادی، بازی.

۱. مقدمه

انسان، ترکیبی از استعدادها و قوای جسمانی و روحی است که برای رسیدن به کمال باید رشد یابد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «اوست خدایی که در میان مردم بی‌سواد پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را (از آلودگی‌های فکری و روحی) پاکشان کند و به

۱. کارشناسی رشته علوم تربیتی، از کشور لبنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: fatmhzhrfahat@gmail.com

۲. مربی گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: m.rasoolnejad57@yahoo.com

ORCID: 0009-0004-1226-9880

آنان کتاب و حکمت بیاموزد» (جمعه: ۲). این آیه مهمترین و برجسته‌ترین وظیفه پیامبر ﷺ را که همان تزکیه و پرورش دادن به مردم بود آشکار می‌کند. تربیت کودک یکی از واجبات همگانی و خطیر والدین است و پایه‌های تربیتی یک فرد در خانواده نهاده می‌شود. بهترین دوران برای تربیت هر فرد، دوران کودکی است (هفت سال اول)؛ زیرا در این سنین هم ذهن کودک از دانش و آگاهی تهی است و هم قلب او به صفات ناپسند آلوده نشده است و هنوز شخصیت او شکل نگرفته است. دین اسلام دستورالعمل تربیتی و شیوه برخورد با هر مرحله از تربیت را نشان داده است. احادیث ائمه علیهم‌السلام و روایات بر حاکمیت، آزادی و سیادت کودک در هفت سال اول تأکید می‌کند. یکی از مشهورترین احادیثی است که از پیامبر ﷺ در این عرصه آمده عبارت است از: «الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین؛ فرزند هفت سال آقا است، هفت سال بنده و هفت سال وزیر و دستیار است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵/۱۹۵).

مرحله نخست تربیت فرزندان، مرحله سیادت است و حرف اول و آخر آن آزادی مطلق کودک است؛ زیرا کودک در این دوره به نیازهایی احتیاج دارد و ویژگی‌های روان‌شناختی خاصی دارد. دکتر حسینی‌زاده و داوودی (۱۴۰۲) در بخشی از کتاب سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام به اهمیت اصل محبت و امنیت و احترام کودک پرداختند، اما در دهه‌های آخر، بررسی‌ها حاکی از این است که پژوهش مستقلی به صورت جامع و کلی پیرامون سیادت کودک و تفسیر علت آن از روایات اهل بیت و براساس علم روان‌شناسی و خصایص این مرحله نگارش نشده است. اگر والدین از ویژگی‌ها و خصوصیات این دوره طلایی آگاه باشند و به آن توجه ویژه کنند و تلاش کنند تا چگونگی برخورد کردن با او را بیاموزند فرزند یا فرزندان علاوه بر فردی مؤدب و برخوردار از سلامت و امنیت روانی و جسمی امکان پیشرفت در مسیر معرفت خدا و سیر به سوی خدا را دارند. آنها با ارزش‌ترین نسل را برای جامعه تولید می‌کنند که باعث پیشرفت جامعه می‌شود. والدین با تربیت صحیح علاوه بر اثرات مثبت تربیتی بر روی کودک از ثواب اخروی هم برخوردار می‌شوند. حال اگر از تربیت کودک در این دوره غفلت شود و اگر والدین از اصول و روش‌های صحیح تربیتی بهره نگیرند ضربه‌ای غیرقابل ترمیم به جامعه وارد می‌شود. همچنین در دوره

نوجوانی دچار مشکلات و سختی‌های زیاد خواهند شد و آن فرد تربیت نشده باری بر دوش جامعه خواهد بود نه بازوی کمکی برای توسعه آن. مطالعه حاضر با مشخصه تفسیرگرایی از نظر هدف، تحقیقی بنیادی-کاربردی و کیفی-تحلیلی و توصیفی است. اطلاعات پژوهش از روش کتابخانه‌ای به دست آمده است. پژوهش حاضر پیرامون ویژگی‌ها و خصوصیات کودک در دوره سیادت با بررسی یافته‌های نوین در زمینه‌های روان‌شناسی صحبت می‌کند. همچنین به بررسی نظریات و آرای معتبر علما و اندیشمندان مسلمان و احادیث و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و یافتن ارتباط میان آنها می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. سیادت

برای کنترل مطالعه مفهوم ابتدا باید آن را از نظر زبان‌شناسی شناخت. تعریف لغوی مفهوم سیادت به شرح زیر است: کلمه سیادت در اصل کلمه‌ای عربی است از ماده سَوَد و فعل ساد (ساد: یسود). سیادت یعنی، عزت، جلال، سروری، شرف یافتن. سیادت نوعی شرافت معنوی، عظمت و بزرگی است و سید به کسی می‌گویند که مالک، ارجمند، نیکوکار، سخاوتمند و حلیم است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۲) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «السَّيِّدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ سید خداوند تبارک و تعالی است». این دلالت بر این است که فقط خداوند شایسته سیادت، مالکیت و حاکمیت بر جهان و خلق است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ص ۲۲۹). ایشان در حدیث دیگری می‌فرماید: «أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ وَلَا فَخْرَ؛ من سید و مولای فرزندان آدم هستم و هیچ فخری نیست» (رازی، ۱۳۸۷، ص ۴۲۹). خداوند متعال در قرآن درباره حضرت یحیی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۳۹). در این مورد منظور از سید کسی است که در نیکی سرآمد باشد، پس در زبان عربی، سید به معنای اعتلای قدرت، مقام، شرف و منزلت است و دلالت بر این دارد که فلانی ارباب و پیشوای قوم خود است (العلوی و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۴۱).

۲-۱. خصوصیت و اهمیت دوره سیادت

مرحله هفت سال اول مرحله سرگرمی و بازی کودک است. به همین دلیل، رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را سید معرفی کرده است؛ زیرا کودک در این سن به دلیل محدود بودن توانایی های فکری و ذهنی و وقف او در این مرحله به کمال خود که همان بازی و سرگرمی است در بسیاری از اعمال سرزنش نمی شود. بچه ها مثل بذر و دانه هستند که با مواظبت، ریشه آنها محکم می شود و در آسمان شاخه می دهند و گرنه درخت بدی خواهند بود که از زمین کنده شده و استواری ندارد. برای همین، این دوره سنی از عمر کودکان بسیار حساس و مهم است. لقمان به پسرش می گوید: «ای پسر! اگر در کودکی ادب آموختی در بزرگی سودش را میبری. هرکس آهنگ ادب کند به آن اهتمام می ورزد و هرکس بدان اهتمام ورزد زحمت دانستن آن را تحمل می کند و هرکس زحمت دانستن آن را بپذیرد جست و جوییش (در پی دانش) زیاد می شود و هرکس جست و جوییش زیاد شود سودش را درمی یابد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۴/۲۴۳). این حدیث بیانگر آن است که تربیت باید از کودکی شروع شود تا اثر خود را نشان دهد. امام علی علیه السلام می فرماید: «العلم من الصغر كالنقش فی الحجر؛ دانش از کودکی مانند حکاکی روی سنگ است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۴/۱).

در این حدیث، وجه شبهه در تشبیه دانش در کودکی به حکاکی در سنگ این است که حکاکی آن، ثابت و پایدار است و هیچ وقت کم رنگ نمی شود؛ زیرا کودک در اوایل کودکی بسیار تأثیرپذیر است. از دیدگاه شهید مطهری یکی از اصول مهم تربیت این است که لزوم آغاز تربیت از کودکی است و می فرماید: «انسان در کودکی بسیار انعطاف پذیر است و به راحتی تربیت می شود با رشد انسان انعطاف پذیری و تربیت پذیری او کاهش می یابد. از سوی دیگر تربیت در کودکی ماندگارتر است» (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۵۶). مسکویه معتقد است که کودک باید پیش از آنکه به رفتار، صفات و عقاید ناپسند خو بگیرد به تربیت او همت گماشت؛ زیرا زدودن این امور از شخصیت او و آراستن وی به رفتار، صفات و عقاید مطلوب کاری بس دشوار است (مسکویه، ۱۳۷۱، ص ۶۵).

۳. ویژگی‌ها و نیازهای کودک در هفت سال اول

انسان در هر مرحله از مراحل سنی، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و نیازها دارد که باید به آن بسیار توجه شود. در دوره نخست کودک ویژگی زیستی، عاطفی و روان‌شناختی ویژه‌ای دارد. توانمندی ذهنی و شناختی او ویژگی‌های خاصی دارد. در روان‌شناسی رشد و تحول به تبیین دوره کودکی و ویژگی‌های زیستی و شخصیتی این دوره پرداخته می‌شود. از چشم‌انداز اسلامی این دوره سن سیادت و آقایی کودک است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۷۶/۲۱). از والدین انتظار می‌رود از سبک فرزندپروری ویژه این دوره بهره‌گیرند و هم‌تراز با ویژگی‌های این دوره با آنها ارتباط برقرار کنند (پناهی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۶). کودک علاوه بر نیازهای غریزی و طبیعی (نیاز به آب و غذا) نیازهای عاطفی، اجتماعی، شناختی و غیره نیز دارد. نیاز به آزادی، بازی، محبت، احترام و تکریم تشویق و تحسین، امنیت تجارب جدید و ارضای حس کنجکاوی و استقلال از مهمترین و حساس‌ترین نیازهای کودک در هفت سال اول است که باید از همان ابتدایی‌ترین مراحل زندگی کودک برآورده شوند و تحقق آنها به میزانی کمتر یا بیشتر در سراسر بزرگسالی ادامه یابد.

۳-۱. نیاز به آزادی

اریک فروم در تعریف آزادی می‌گوید: «وقتی آدمی به دنیا می‌آید ناتوان‌ترین و درمانده‌ترین جانور است و انطباقش با طبیعت براساس آموختن است نه برپایه آنچه غرایز تعیین می‌کنند. در جانوران عالی‌تر به خصوص در انسان، غریزه مقوله‌ای روبه کاستی و بلکه نیستی است و هستی انسان از هنگامی آغاز می‌شود که عدم تثبیت اعمال با غرایز از حد معینی تجاوز کند و با طبیعت خاصیت اجباری خود را ازدست بدهد و دیگر طرز عمل با مکانیسم‌هایی به ارث رسیده، تعیین نشود. به عبارت دیگر از همان ابتدا هستی، انسان و آزادی غیرقابل جدایی هستند». (فروم، ۱۳۸۱، ص ۴۵) به هر حال، آزادی و انتخاب آزادانه است که زندگی و شخصیت انسان را به زندگی و شخصیت انسانی تبدیل می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸).

اریک فروم معتقد است که آنچه به هستی انسان کیفیتی خاص می‌بخشد، آزادی است. (فروم، ۱۳۸۱، ص ۳۷) آزادی یکی از مهمترین نیازهای کودک با خاصیتی پرشمار است، اما آزادی

چهارچوب و خطوط قرمز دارد که نباید از آنها تجاوز کرد. این حدود به دو کار تقسیم می‌شود: کار خطرناک مثل بازی با چاقو و کار زشت مثل بازی با آلت تناسلی. وظیفه والدین این است که نباید به بهانه آزادی به کودک اجازه کار زشت و خطرناک بدهند. گاهی تا سنین نوجوانی و جوانی هم عادتشان را ترک نمی‌کنند (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۴۱). آیت‌الله دکتر بهشتی نیز در این زمینه در خطاب به والدین می‌فرماید: «سایه لطف و مرحمتان را بر سر بچه‌ها طوری بگسترید که بچه آدم باقی بماند؛ همین. نمی‌گوییم سایه خود را از سر آنها کم کنید، خدا نکند. می‌گوییم به بچه‌ها میدان عمل آزادانه بدهید آخر این هم شد زندگی. حالا که زندگی‌ها قدری ابزار و آلات زیاد هم پیدا کرده و امصیبتا بچه‌های آن روز اقلا در حیاط می‌توانستند یک جفتک چارتکی بازی کنند، ولی به بچه‌های حالا بر طبق آن روش اول باید دائما گفت بچه نکن!، بچه توپ نزن گل می‌شکند» (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

یکی از اصول تربیت از دیدگاه شهید مطهری، هدایت و آزادی است. ایشان معتقد است که اصل آن است که والدین، فرزند را هدایت کنند و بر رفتار او نظارت و اشراف داشته باشند و به او آزادی نسبی بدهند تا با تحمل بار مسئولیت رشد کند. (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۱) والدین باید به این نکته‌های ظریف و دقیق توجه کنند تا اشتباهی در تربیت کودک ایجاد نشود.

آزادی، نیازی طبیعی و فطری است و آثار فراوانی دارد. ایجاد رابطه عاطفی میان کودک و والدین تخلیه انرژی و رسیدن به آرامش، دستورپذیری، پاسخ به حس کنجکاوی و کمک به استقلال کودک از نتایج و آثار برآوردن این نیاز مهم است. خداوند کودک را به گونه‌ای آفریده است که وقتی کسی به تاج و تخت پادشاهی او احترام می‌گذارد پس از گذشت هفت سال آماده واگذاری این تاج و تخت شده و دوست دارد بندگی کسی را کند که به او آزادی داده است. از همین روست که پس از این هفت سال مہیای آموزش‌پذیری می‌شود (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۴۹). بنابراین، اگر والدین به نیازهای کودک در هفت سال اول توجه کنند در مراحل متقدم تربیت با ناهنجاری‌ها، ممانعت‌ها و سختی‌ها مواجه نمی‌شوند. شرارت، لجابت، افسردگی، ترس، ازبین رفتن برخی از علاقه‌های مثبت، مخفی‌کاری و ازبین رفتن اقتدار والدین، برخی از

ناهنجاری‌هایی است که به دلیل عدم توجه به نیازهای اساسی کودکان ازسوی والدین به وجود می‌آید.

۳-۲. نیاز به بازی

ساده‌ترین تعاریفی که از بازی ارائه شده عبارت است از: بازی هر کاری است که مایه سرگرمی باشد. (حسینی دشتی، ۱۳۷۶، ۲۸/۳) خوب است در همین ابتدا برای پی بردن به اهمیت این نیاز به داستانی که یکی از اصحاب پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند، توجه کرد. «روزی رسول خدا ﷺ به نمازی فراخوانده شد. ایشان درحالی که نوه خویش امام حسن مجتبی علیه السلام را در آغوش گرفته بود به سوی مسجد رفت. حضرت پیش از نماز امام حسن مجتبی علیه السلام را از آغوش خود پایین آورد و در کنار خود روی زمین گذاشت. نماز آغاز شد و وقتی حضرت به سجده رفت سجده ایشان طول کشید. من در میان جمعیت بودم که سر از سجده برداشته و دیدم امام حسن مجتبی علیه السلام بر کتف رسول خدا ﷺ سوار شده است. وقتی سلام نماز داده شد مردم به رسول خدا ﷺ گفتند در این نماز سجده‌ای کردی که تا به حال چنین سجده‌ای از تو ندیده بودیم گویا وحی بر تو نازل شده بود. حضرت فرمود: نه وحی بر من نازل نشده بود، اما فرزندم بر دوش من سوار شده بود و من هم خوش نداشتم عجله کنم تا او از دوشم پایین بیاید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۹۴/۴۳). شیوه برخورد پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که چه اندازه کودک به بازی نیاز دارد.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «بگذار فرزندت هفت سال بازی کند، هفت سال تربیت شود و هفت سال او را با خود همراه بدار». (کلینی، ۱۳۶۳، ۴۴۱/۱۱) این حدیث به صراحت اهمیت بازی کودک به‌ویژه در این دوره زمانی را بیان می‌کند. اگر والدین به این نیاز اهمیت بدهند و تلاش کنند تا آن را برآورند ثمرات بی‌نظیری به دست خواهند آورد. رشد اجتماعی کودک یکی از نتایج بسیار مهم است که از مشارکت گرم و صمیمی کودک با همبازی‌ها سرچشمه می‌گیرد. کاپلان می‌گوید: «بسیاری از تعاملات میان فردی کودکان پیش دبستانی در چهارچوب بازی روی می‌دهد و روابط کودکان با والدین، خواهر، برادر و همسالان در مقطع پیش دبستانی به شدت متحول می‌شود» (کاپلان، ۱۳۸۱، ص ۵۵۱). بازی بهترین وسیله برای رشد و شکوفایی

احساسات کودک و بهترین راه برای پرورش هیجان‌ها و عواطف اوست. هنگام بازی است که او چگونگی بروز عواطف و کنترل و ارضای مناسب آن را یاد می‌گیرد. هرچند کودک بین واقعیت و بازی فرق قائل است، ولی صداقت کودکانه را در بازی ظاهر می‌کند. احساس‌ها، تشویش‌ها و اضطراب‌های کودک در بازی حقیقی است (قریشی‌راد، ۱۳۷۶، ص ۱۰).

براساس تحقیقات تجربی، بازی و ورزش افزون بر تأثیر بر روی سلامت جسمانی در پیشگیری از ناهنجاری‌های روانی مؤثر است. بازی و استفاده از اسباب بازی، اعتمادبه‌نفس کودک را افزایش می‌دهد، از اضطراب کم کرده و عزت‌نفس و خودپندارنده مثبت را تقویت می‌کند. بازی سبب اجتماعی شدن، ایجاد استقلال، آموزش مهارت‌های ارتباطی، استحکام روابط خانوادگی و سهولت در دوستیابی می‌شود. کودک با بازی کردن با دیگر کودکان و با استفاده از اسباب بازی‌های خود، تنهایی خود را به صورت مطلوبی از بین می‌برد. همچنین در بازی، انرژی اضافی خود را تخلیه می‌کند و نیروی تازه می‌گیرد. بازی باعث رشد عناصر و مؤلفه‌های شخصیت می‌شود و الگوهای رفتاری سیستم شناختی و کلیت عاطفی شخصیت در فرایند بازی و استفاده از اسباب بازی پایه‌ریزی می‌شود. (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۲۴) این اثرات سازنده برای هر بازی و سرگرمی نیست، بلکه برای بازی مفیدی است که ویژگی‌های خاصی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های بازی مفید، مشارکت والدین در بازی است که باعث می‌شود پیوند عاطفی میان فرزند و والدین تقویت شود و کودک احساس امنیت کند. همچنین، در حد کودک بودن والدین در هنگام بازی که در آموزه‌های دینی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز تأکید شده است. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: «من کان له ولد صباه؛ هرکسی بچه‌ای دارد، بچگی کند» (کلینی، ۱۳۶۳، ۵۰/۱). علاوه بر این، بازی باید بدون ترس و دغدغه فعال و همراه با حرکت، انتخابی نه تحمیلی و زمینه‌ساز خلاقیت باشد (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۸۴) تا زمینه خلاق بودن کودک برای شکوفایی استعدادهای متعدد او فراهم شود.

۳-۳- نیاز به محبت

جایگاه و اهمیت محبت در دوره کودکی اهمیت دوجندانی دارد. اگرچه نیاز به محبت همگانی است، اما نیاز به محبت در کودک به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی خاص این دوره شدیدتر و بیشتر است. (پناهی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۲) در آموزه‌های اسلامی و گزاره‌های دینی بر جایگاه محبت در تحقق فرزندپروری تأکید شده است به گونه‌ای که حتی ارتباط بصری مبتنی بر عواطف با فرزند عبادت دانسته شده است و از کسانی که نسبت به فرزند بی‌توجهی و کم‌محبتی دارند سرزنش شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «نگاه محبت‌آمیز پدر به صورت فرزند عبادت است» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۷۰/۱۵). تقویت پیوند عاطفی بین فرزند و والدین در الگوگیری فرزند از والدین اثر مثبت دارد و نقش والدین در تقویت هنجارهای رفتاری فرزندان را پررنگ‌تر می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس در سخن گفتن نرم باشد و آرام سخن گوید محبت او در دل‌ها جای گیرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۹۶/۶۸). روشن است کلام هر محبوبی شنیدنی و پذیرفتنی است. پاسخ‌گویی درست و بهنجار به این نیاز، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا ارضای این نیاز در کودک موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی می‌شود. عدم تأمین نیازهای عاطفی فرزندان پیامدهای ناگواری دارد، پس باید نسبت به احساسات ارسال شده هوشیار بود و آن‌را شناخت و به آنها پاسخ مناسب داد (پناهی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۲).

یکی از نکات مهم در مسئله محبت کودکان این است که تنها به محبت درونی بسنده نشود؛ زیرا محبت وقتی مؤثر و مفید خواهد بود که آن‌را ابراز و کودک از محبت آگاه شود وگرنه اصل محبت داشتن تنها برای محبت‌کننده می‌تواند مفید باشد نه برای محبت‌شونده. (حسینی‌زاده و داودی، ۱۴۰۲، ص ۴۲) ابراز محبت نکته‌ای است که ائمه به آن توجه کرده‌اند. امام کاظم علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: «هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت این دوستی را به اطلاع او برساند که این کار برای دوستی و رابطه بین شما بهتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۸۲/۷۴).

ابراز محبت، روش‌ها و اشکال گوناگون دارند که توجه به آن موجب تجدد و ایجاد پیوند صمیمانه بین فرزندان و والدین می‌شود.

۳-۳-۱. بوسیدن فرزندان

یکی از اشکال ابراز محبت، بوسیدن فرزندان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه درجه‌ای در بهشت به شما خواهند داد که فاصله هر درجه پانصد سال خواهد بود». (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۰)

۳-۳-۲. دست بر سر آنها کشیدن

در روایت آمده است: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر روز صبح بر سر فرزندان و نواده‌های خویش دست محبت می‌کشید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۹/۱۰۴)

۳-۳-۳. در بغل گرفتن و روی زانو نشاندن

امام باقر علیه السلام از امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «من و برادرم نزد جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتیم. ایشان مرا بر زانوی چپ و برادرم حسن را بر زانوی راست خویش نشاند، سپس ما را بوسید و فرمود: پدرم به فدای دو فرزندی باد که امامند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۶/۲۵۵)

۳-۳-۴. هدیه دادن به آنان و خوشحال کردن آنها

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که دخترش را خوشحال کند مثل آن است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد و کسی که پسرش را خوشحال کند مثل آن است که از ترس خدا گریسته باشد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۹/۱۰۴)

۳-۳-۵. محبت کلامی و گفتاری

امام علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «تو را جزئی از خود، بلکه همه وجود خود دیدم تا به آنجا که اگر چیزی به تو ضرر برساند مثل آن است که به من زیان رسانده و گویی اگر مرگ به سراغ تو بیاید به سراغ من آمده است. بنابراین، همان اهمیتی را که در اصلاح امور خود می‌نمایم درباره تو دارم». (سید رضی، ۱۳۷۸) روش‌های دیگر مانند وفای به عهد، شوخی و

بازی کردن با آنها، درکنار آنها خوابیدن تا سن خاصی، جزو شیوه‌های ابراز محبت به کودکان است. لازم به ذکر است که محبت حد و حدودی دارد و نباید به‌سوی افراط و زیاده‌روی کشیده شود. آثار منفی محبت بیش‌ازحد به کودک شاید از آثار منفی کمبود محبت بیشتر باشد. سلطه‌جویی، پرتوقعی کودک، نازپروردگی، ضعف روحی، زودرنجی و خودپسندی از آثار محبت بیش از اندازه به کودک است (حسینی‌زاده و داوودی، ۱۴۰۲، ص ۴۳).

۳-۴. نیاز به احترام و تکریم

انسان، گل سرسبد آفریده‌هاست و حرمت و کرامت ذاتی دارد که خداوند در نهاد و وجود وی قرار داده است. از بدو آفرینش، انسان محبوب‌ترین و شبیه‌ترین موجودات زنده به خداست؛ زیرا بویی از روح الهی دارد و صفات الهی در وی متبلور شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری بخشیدیم» (اسراء: ۷۰). این نوع کرامت در برخی از آیات مورد توجه بوده از جمله در سوره ص آیه هفتادودو (بروجردی، ۱۳۶۶، ۴۶۷/۳). کودکان بیش از دیگران از کرامت برخوردارند؛ زیرا از هرگونه آلودگی دنیوی و معنوی رهایی یافته‌اند، وجودشان سفید و پاک است و به خدا نزدیکتر هستند. غزالی، گوهر کودک را پاک و نفیس می‌داند که بر فطرت توحیدی زاده می‌شود. براین اساس است که وی احترام به کودک و رعایت جنبه‌های گوناگون حقوق او را مطرح می‌کند و کودک را به جرم کودک بودن از کودکی محروم نمی‌کند. کودک باید بازی کند، هنر آموزد، تربیت شود، تعلیم ببیند، اخلاق نیک فراگیرد، از محبت و احترام بزرگ‌ترها برخوردار شود. همه از جمله معلم و پدر و مادر موظف هستند حقوق او را پاس دارند و اگر نه این شود خون دین او بر گردن آنهاست (غزالی، ۱۳۷۴، ۱۰/۳). کودکان به دلیل برخورداری از این کرامت، احترامی بیشتر می‌طلبند. به همین دلیل یکی از اصول تربیتی و راهبردهای مهم تحقق اهداف فرزندپروری در دوره نخست کودکی، رعایت سروری و آقایی فرزندان است.

در سیره معصومان، تکریم و احترام کودکان به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود مانند قیام و استقبال از فرزندان به هنگام ورود آنها به مجلس، سلام کردن به کودکان، با احترام صدا کردن کودکان، عیادت از کودکان مریض و... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ورود افراد به مجلس به احترام آنها بلند می‌شد و برای آنها جا باز می‌کرد، ولی در برابر فرزندان خود امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام افزون بر آن چند قدم نیز به استقبال می‌رفت. در روایتی آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود. حسن و حسین علیه السلام به سوی آن حضرت آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی آنها را دید به احترام آنها ایستاد. چون به کندی حرکت می‌کردند پیامبر صلی الله علیه و آله به استقبال آنها رفت و آنها را بر دوش خود سوار کرد و فرمود: چه مرکب خوبی دارید و شما چه سواران خوبی هستید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳/۲۸۵).

رعایت سروری کودکان و احترام و تکریم آنها احساس ارزشمندی، عزت نفس و رضایت درونی را موجب می‌شود. یکی از روان‌شناسان غربی نیاز به احترام را از نیازهای اساسی می‌داند و می‌گوید: «ارضای نیاز به احترام و محبوبیت به احساسات مثبتی مانند اعتماد به نفس، ارزشمندی، قدرت، لیاقت و شایستگی مفید و پرمربودن می‌انجامد» (پناهی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۶). ارزش و اهمیت حرمت، تنها داشتن احساسی بهتر نیست، بلکه در مواجهه با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های مناسب در زندگی مانند عایق ضخیمی عمل می‌کند تا افراد در شرایط سخت و چالش‌های زندگی در امان بمانند (سیبرت، ۱۳۸۰، ص ۵۴). خوش رفتاری، رعایت ادب، وفای به عهد، همدلی، صمیمیت، مراقبت، محبت و سلام کردن به کودکان همگی از مصادیق و نمودهای تکریم و رعایت سروری کودکان است (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۴). حفظ حرمت و تکریم فرزندان در همه دوره‌های سنی مهم است. این امر در دوره کودکی و نوجوانی فرزند و زمان شکل‌گیری شخصیت او اهمیت بیشتری دارد. در سیره و کلام اهل بیت علیهم السلام حفظ حرمت و سیادت فرزندان و تکریم شخصیت آنها جایگاه ویژه‌ای دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندان را گرامی دارید و خوب تربیت کنید تا خداوند شما را بیامرزد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/۴۷۶).

از آثار مثبت دیگر احترام و تکریم کودکان تأثیر آن در خودپنداره اوست. خودپنداره در رفتار شخص تأثیر می‌گذارد؛ زیرا رفتار انسان‌ها براساس شناختی است که از خود دارند و این شناخت از خود با نگاه دیگران به انسان به دست می‌آید. بنابراین، بیشتر انسان‌ها به‌ویژه کودکان خود را چنان می‌شناسند که دیگران در رفتار خود با آنها می‌نمایانند و براساس این شناخت از خود عمل می‌کنند و اگر چنین نکنند دچار تضاد درونی، اضطراب و دلهره می‌شوند؛ زیرا انسان همواره به دنبال آرامش درونی است و این آرامش هنگامی است که رفتار بیرونی براساس شناخت درونی باشد. بنابراین، براساس شناخت از خود که از راه نگرش دیگران به او به دست آمده است، عمل می‌کند (حسینی‌زاده و داودی، ۱۴۰۲، ص ۵۱)، اما اگر والدین و مربیان کودک در دوران شکل‌گیری شخصیت او با بی‌احترامی، تحقیر، سرکوفت و سرزنش با وی رفتار کنند شخصیت کودک به صورت دلیل حقیر وابسته و منفی شکل می‌گیرد و اگر با احترام و بزرگی با او رفتار کنند شخصیت او به صورت شخصیتی عزیز، مستقل و مثبت شکل می‌گیرد و در خود به دیده احترام می‌نگرد و رفتارش نیز براساس آن رفتاری سالم، مثبت و بهنجار خواهد بود (حسینی‌زاده و داودی، ۱۴۰۲، ص ۵۱). برخی روان‌شناسان انگیزه اصلی فعالیت‌های انسانی را احساس حقارت و عزت نفس در او می‌دانند. این احساس در انسان با رفتار دیگران با او شکل می‌گیرد. آدلر در این باره می‌گوید: «انگیزه اصلی و محرک اولیه هرنوع فعالیت در انسان دو عامل احساس حقارت و احساس برتری جویی است» (هاشمی، ۱۳۷۲، ۱/۱۸۱) حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که نفسش بر وی خوار شد امید نیکی از او نداشته باش» (حرانی، ۱۳۶۲، ۱/۴۸۳). باتوجه به اهمیت و ضرورت برطرف کردن این نیاز مهم کودک، والدین باید با تمام وجود در تکریم این مخلوق الهی تلاش کنند و او را تحقیر نکنند تا در دایره امنیت بمانند و با عواقب ناگوار عدم رعایت این اصل مواجه نشوند.

۳-۵. نیاز به استقلال

نیاز به استقلال یکی از نیازهای کودک است که در زیر پرده دوره نخست کودکی قرار می‌گیرد. دوره سیادت حکم می‌کند که با کودک به گونه‌ای رفتار شود که گویی فردی سید، با عزت نفس و کرامت

ذاتی است و این مستلزم آن است که استقلال او رعایت شود. آزاد گذاشتن کودک یکی از اولین راه‌های استقلال دادن به اوست. وقتی کودک در همان حدودی که مشخص شد در محیط خانه رها شود و کسی در کارش دخالت نکند و به هر بهانه‌ای او را امر و نهی نکند از همان کودکی استقلال و ایستادن روی پای خود را تجربه می‌کند. (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۵۳) این به صراحت گواه بر این است که نیازهای کودک به یکدیگر مرتبط و غیرقابل جدایی هستند. پس باید همه آنها را تأمین کرد و باید برای اطمینان از تأمین آنها به بهترین شکل ممکن تلاش کرد؛ زیرا اگر نیاز معینی تأمین شود و دیگری نه این به طور کلی بر کل فرایند تربیت تأثیر می‌گذارد.

۳-۶. نیاز به امنیت

امنیت از نیازهای اساسی هر انسان به‌ویژه در دروان کودکی است که انسان بیشتر وابسته به دیگران است و از خود استقلال چندانی ندارد. احساس ترس و ناامنی در کودک جرئت، جسارت و خلاقیت را از او سلب می‌کند. ترس و نگرانی از بازخواست و انتقاد والدین و مربیان باعث می‌شود که کودک نوآوری و ابداع نکند و همواره احساسات و عواطف خود را سرکوب کند. این امر افزون بر اینکه کودکان را از ابتکار، نوآوری و خلاقیت باز می‌دارد موجب عوارض و نابسامانی‌های روانی در آنها می‌شود. (حسینی زاده و داودی، ۱۴۰۲، ص ۴۵) بنابراین، باید از سرزنش کودک و امر و نهی زیاد که با اصل سیادت سروری و آقاییی کودک ناسازگار است، پرهیز کرد. همسو بودن انتظارات والدین با شیوه‌های تربیتی آنها چه سخت‌گیرانه و چه آسان‌گیرانه، حس ایمنی کودک را افزایش می‌بخشد و چارچوبی قابل پیش‌بینی و مطمئن را در اختیار او قرار می‌دهد (پرینگل، ۱۳۸۶، ص ۶۲)، پس تقویت پیوند عاطفی میان والدین و میان آنها و فرزندانشان از راهکارهای اساسی برآوردن نیاز امنیت است.

۳-۷. نیاز به تجارب جدید و ارضای حس کنجکاوی

کنجکاوی کودک یکی از ویژگی‌های طلایی اوست. کودکان وقتی با اشیاء مختلف در خانه بازی می‌کنند، دوست دارند ببینند چه اتفاقی می‌افتد. این اتفاق‌ها برای آنها تجربه‌های جدیدی

محسوب می‌شود که علاوه بر لذت بردن به آگاهی آنها نیز اضافه می‌کند. کودکان در این کنجکاوی نوع برخورد با محیط اطراف خود را یاد می‌گیرند. (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۵۰) تجارب جدید، کودک را قادر می‌کند تا یکی از مهمترین درس‌های سال‌های اولیه زندگی را که ماهیتی اساسی دارد، بیاموزد و آن اینکه یاد بگیرد چگونه بیاموزد و علاوه بر لذت یادگیری، بیانگر وجود حلقه‌ای ارتباطی بین عاطفه و یادگیری بین تجارب شناختی و عاطفی است. شایستگی و توانایی به خودی خود پاداش‌دهنده است و خشنودی مادر یا دیگر بزرگسالان به دلیل اکتساب مهارت جدید میل کودک را برای جست‌وجو و تسخیر زمینه‌های جدید به میزان بیشتری تقویت می‌کند (پرینگل، ۱۳۸۶، ص ۷۰). بنابراین، کودکان را باید آزاد گذاشت تا تجارب جدید در زندگی را امتحان کنند و حس کنجکاوی آنها تأمین شود، سپس بلافاصله زمینه یادگیری و آموزش در وجود آنها ایجاد می‌شود و از هوش‌های مختلف مانند هوش عاطفی، اجتماعی و غیره برخوردار می‌شوند.

۳-۸. نیاز به تحسین و تشویق

نیاز به تشویق، تحسین و قدردانی از نیازهای اساسی کودکان در دوره سیادت است و در شکل‌گیری شخصیت آنها بسیار مؤثر است و نقش مهمی دارد؛ زیرا باعث ایجاد انگیزه برای تکرار و تمرین آن رفتار مطلوب یا گفتار پسندیده می‌شود تا در نهایت در نهاد کودک عادت و ملکه شود. تشویق، ارضاکننده نیازهای دیگر انسان است. تشویق موجب اعتقاد و اعتماد بیشتر شخص به نتیجه عمل فرد می‌شود و مشوق و انگیزه بیشتری برای انجام عمل در وی فراهم می‌آید. تشویق به صورت‌های گوناگون گفتاری، کلامی، عملی و فعلی می‌تواند انجام شود. در تشویق‌های گفتاری و کلامی فرد با سخن و گفتار خود، رفتار مربی را تأیید می‌کند. کلماتی مانند احسنت، آفرین، بارک‌الله چه کار خوبی، به به و... هرکدام بار معنایی خاصی دارند و به‌طوری‌که در مربی تأثیر می‌گذارند. تشویق‌های عملی نیز در قالب‌ها و صور گوناگونی انجام می‌شود مانند نگاه همراه با لبخند و نشاط، بوسیدن، هدیه دادن، با او همراه شدن و غیره. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۹) در سیره پیامبر ﷺ و ائمه معصومین ﷺ استفاده از تشویق به چشم می‌خورد. پیامبر اکرم ﷺ بین حسن و حسین ﷺ مسابقه دو برگزار کرد و در پایان هردو را در بغل گرفت و تشویق

کرد و برنده را بر زانوی راست خود نشاند و دیگری را بر زانوی چپ (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ۲۷/۱۶). بنابراین، باید به نیاز کودک به تحسین توجه کرد و با استفاده از روش تشویق در قالب‌های گوناگون، استعدادهای درونی کودک را رشد داد و به شکوفایی سوق داد تا با نظری خوب و خوش‌بینانه به پدر و مادر و دیگر اطرافیان بنگرند و آنها را دوست و همدم و یار صمیمی خود تلقی کنند، تقویت روحی به‌دست آورند و به‌سوی کمال برسند.

۴. نتیجه‌گیری

اسلام و تعالیم دینی به همه مراحل زندگی و رشد انسان توجه ویژه‌ای دارند و برای هرکدام راهکارها و دستورالعمل تربیتی درخور با فطرت انسانی تبیین کردند. اسلام اهتمام خاصی به دوره نخست زندگی انسان و سال‌های طلایی اول کودکی دارد؛ زیرا دوره سیادت، سنگ بنای مراحل دیگر تربیت است و اگر والدین، تربیت فرزند را از اول به بهترین وجه انجام دهند و نیازهای اساسی وی مانند آزادی، بازی، احترام، امنیت، استقلال، محبت و غیره را برآورند روند تربیت آسان و عاری از چالش‌ها و بحران‌ها می‌شود. برخی از والدین در فضای جامعه، تربیت را به افراط یا تفریط می‌کشانند. افکار نادرست مانند رها شدن کودک به‌طور کامل و و آزادی بیش‌ازحد در فضای فکری متولیان امر تربیت، تربیت را با خطاهایی مواجه می‌کند که گاهی جبران‌ناپذیر است. امر و نهی در تربیت، روشی مطلوب و لازم است، اما در دوره سیادت باید کمتر و فقط در جاهای مناسب استفاده شود. اگر والدین الگو و نمونه عملی رفتارها، گفتارها و صفات پسندیده‌ای باشند که می‌خواهند در فرزندشان بکارند فرزندان با تقلید، محاکات، تکرار و تمرین این رفتارها ناخودآگاه آن رفتارهای شایسته را در نهاد خود ایجاد، تقویت و تثبیت می‌کنند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء الكتاب العربی.
۲. ابن منظور رویفعی انصاری خزرجی، محمد بن مکرم بن علی بن احمد بن ابی القاسم بن حقیه بن منظور (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
۳. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲). روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر جامع. تهران: انتشارات صدره.
۵. بهشتی، محمد (۱۳۸۶). نقش آزادی در تربیت کودکان. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی.
۶. پرینگل، میالی لی کلمر (۱۳۸۶). نیازهای کودکان دورنمای فردی. مترجم: ایجادی، نیره. و شافعی مقدم، جواد. تهران: رشد.
۷. پناهی، علی احمد (۱۴۰۰). سبک فرزندپروری با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۹۵). درآمدی بر نظام تربیتی اسلامی. قم: انتشارات مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۹. حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳). تحف العقول. مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسایل شیعیه. قم: آل البيت.
۱۱. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۶). معارف و معاریف. قم: انتشارات دانش.
۱۲. حسینی زاده، سید علی. و داودی، محمد (۱۴۰۲). سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. رازی، نجم الدین (۱۳۸۷). مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد. مصحح: علیزاده، عزیزالله. تهران: انتشارات فردوس.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). المفردات الفاظ القرآن. بیروت: الدار القلم.
۱۵. سیبیرت، ال (۱۳۸۰). راز کامیابی در بحران های زندگی. مترجم: برجسته، امین. کرمان: انتشارات خدمات فرهنگی کرمان.
۱۶. شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۵). بازی کودک در اسلام. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۷. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸). نهج البلاغه. مترجم: شهیدی، جعفر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی.
۱۹. عباسی ولدی، محسن (۱۳۹۴). من دیگر ما مهارت های تربیت فرزند در دنیای امروز. قم: آیین فطرت.
۲۰. العلوی، یاسر و آخرون (۲۰۱۴). معجم المصطلحات السیاسیه. بحرین: معهد البحرين للتنمية السیاسیه.
۲۱. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۷۴). کیمیای سعادت. مترجم: خدیوچم، حسین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. فروم، اریک (۱۳۸۱). گریز از آزادی. مترجم: فولادند، عزت الله. تهران: انتشارات مروارید.
۲۳. قریشی راد، فخرالسادات (۱۳۷۶). اولین کتاب کودک در بازی درمانی. تبریز: احرار.
۲۴. کاپلان، پاول اس (۱۳۸۱). روان شناسی رشد. مترجم: فیروزبخت، مهرداد. تهران: رسا.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۷. مسکویه رازی، احمد بن محمد بن یعقوب (۱۳۷۱). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. قم: بیدار.

۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). بیست گفتار. تهران: صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). قرآن کریم. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۱. نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه ال البيت علیه السلام.
۳۲. هاشمی، سید مجتبی (۱۳۷۲). تربیت و شخصیت انسانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

رابطه بین خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی با تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم

لیلا فراغت^۱، رقیه محمدی^۲

چکیده

ترک تحصیل، امروزه یکی از نگرانی‌های مهم نظام تعلیم و تربیت است. همه ساله تعداد زیادی از دانش آموزان کشورهای مختلف با پدیده ترک تحصیل مواجه هستند که علاوه بر زیان‌های اقتصادی، سلامت روحی دانش آموز را نیز مخدوش می‌کند. هدف تحقیق حاضر رابطه بین خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی با تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم است. جامعه آماری پژوهش حاضر تعداد ۲۵۴ نفر از دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان قم است. با جدول مورگان تعداد ۱۵۳ نفر برای نمونه آماری و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. برای سنجش بهزیستی تحصیلی از پرسش‌نامه ۷ سؤالی کونو و همکاران (۲۰۰۲)، برای سنجش خودکارآمدی پرسش‌نامه ۱۷ سؤالی خودکارآمدی عمومی شرر (۱۹۸۲) و سنجش تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان از یک پرسش‌نامه ۹ سؤالی استفاده شد. برای سنجش پایایی سؤالات، یک نمونه شامل ۳۰ پرسش‌نامه پیش‌آزمون توزیع و با استفاده از داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه، میزان پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ توسط نرم‌افزار (SPSS) محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ تمام متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۷ و از پایایی مناسب متغیرهای پژوهش بود. نتایج نشان داد خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی توانسته است تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: خودکارآمدی، بهزیستی تحصیلی، تمایل به ترک تحصیل، مقطع متوسطه.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email:lila_faraghat@yahoo.com

ORCID:0000-0001-9452-6318

۲. دانش پژوه کارشناسی علوم تربیتی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email:mmahdiyar739@gmail.com

۱. مقدمه

در جوامع امروز، مردم انتظارات گوناگونی از آموزش و پرورش دارند. آنها از دستگاه آموزشی می‌خواهند در حل مسائل و مشکلات اجتماعی پیش قدم باشد، جامعه را به سمت رفاه و پیشرفت هدایت کند و مردم را از راه فرآیند آموزش و پرورش به سوی زندگی بهتر و عادلانه‌تری سوق دهد، ولی آیا نظام آموزشی می‌تواند در این زمینه مشکل‌گشا باشد، نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد، نردبانی باشد برای ارتقای افراد از طبقه اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر به طبقه بالاتر و موقعیت شغلی و اقتصادی بهتر و مرتبه اجتماعی بالاتری را برای آنها فراهم کند. (چو^۱، و همکاران، ۲۰۰۳) آنچه در نظام آموزش و پرورش موجب عدم توفیق در تحقق هدف‌ها و مقاصد می‌شود افت و ترك تحصیل^۲ است که به صورت ترك تحصیل میان دوره مردودی و با عدم اشتغال در رشته مورد تحصیل مشاهده می‌شود. ترك تحصیل، امروزه یکی از نگرانی‌های مهم جامعه و قشر تعلیم و تربیت است. همه ساله تعداد زیادی از دانش‌آموزان در کشورهای مختلف جهان با پدیده ترك تحصیل مواجه هستند. این پدیده علاوه بر زیان‌های هنگفت اقتصادی که برای خانواده‌ها دارد سلامت روحی دانش‌آموز را نیز مخدوش می‌کند. ترك تحصیل علاوه بر آثار سوء اقتصادی در شکل ملی، تأثیر ناگواری بر سلامت روانی دانش‌آموزان داشته و نگرانی نامطلوبی برای خانواده‌ها به دنبال دارد. ترك تحصیل روندی است که به مرور زمان شکل می‌گیرد. از این دیدگاه، علائم خطر برای دانش‌آموزانی که در معرض ترك تحصیل قرار دارند از سال‌های دبستان به چشم می‌خورد که یکی از معضلات آموزش در جهان است (چو، و همکاران، ۲۰۰۳).

عوامل ترك تحصیل دانش‌آموزان بازتاب مسائل و مشکلات پیچیده موجود در جامعه است. به همین دلیل حل این مشکل به آسانی ممکن نیست. بازماندن از تحصیل دانش‌آموزان ممکن

1. Chow
2. drop-out

است به دلیل عدم توفیق در امتحان و محرومیت از ارتقا یا در نتیجه محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی باشد. (ریکارد و پلتیر،^۱ ۲۰۱۴) تحقیقات نشان می‌دهد نوجوانانی که در سنین پایین به ایفای نقش و رفتار بزرگسالان می‌پردازند متحمل خسارت زیادی در عملکرد در زندگی بزرگسالی می‌شوند. هرچه نوجوانان بتوانند تجارب آموزشی را در خلال دوره نوجوانی کسب کنند بهتر می‌توانند آماده رویارویی با چالش‌های زندگی در دوره بزرگسالی باشند. ترك تحصیل زودهنگام، حادثه زودرس کاذبی است که نوجوان را زودتر از موعد درگیر نقش‌های بزرگسالان می‌کند. روان‌شناسان و متخصصان آموزشی معتقدند نوجوان باید تا آنجا که می‌تواند در سنین بین ۱۴ تا ۱۸ سال یعنی، سنین رشد، وقت و انرژی خود را در محیط آموزشی بگذراند (مک‌میلان و کافمن،^۲ ۲۰۰۷). بازماندن از تحصیل زودهنگام دانش‌آموزان اثرات و تبعات منفی در بعد فردی و اجتماعی دارد. بررسی ترك تحصیل زودهنگام دانش‌آموزان با در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری‌های دولت و خانواده‌ها در این زمینه لازم و ضروری است. هرچه دانش‌آموزان بتوانند سال‌های بیشتری را در نظام آموزشی طی کنند به همان نسبت در رویارویی با مشکلات زندگی در بزرگسالی آماده‌تر می‌شوند و استفاده بهینه آنها از فرصت‌های آموزشی می‌تواند در افزایش تولید و درآمد ملی اثرات مثبتی به دنبال داشته باشد (بلوچ زهی، ۱۳۹۵).

اگر در دانش‌آموزان خودکارآمدی در سطح پایین باشد رغبتی به ادامه تحصیل نیست. خودکارآمدی^۳ از مفاهیم کلیدی در نظریه شناختی بندورا^۴ (۲۰۰۵) است و به احساسی پایدار و روشن از لیاقت از عزت نفس، قابلیت‌ها و ارزش فرد از خود، احساس کفایت، تخصص و کارایی وی در برخورد با موانع گفته می‌شود. باورهای خودکارآمدی می‌تواند رفتار افراد را به طور مرتب

1. NC Ricard, LG Pelletier

2. McMillan, M. M., & Kaufman

3. self-efficiency

4. Bandura

پیش‌بینی کند؛ زیرا رفتار افراد براساس باورهای خودکارآمدی و برمبنای ازدواج آنها از دانش توانایی مهارت و تخصص آنها شکل می‌گیرد. (اسکالویک^۱ و اسکالویک، ۲۰۱۷) خودکارآمدی تحصیلی^۲ به برداشت فرد از توانایی‌اش در سازماندهی و انجام انواع تکالیف آموزشی طرح شده، گفته می‌شود. دانش‌آموزان با خودکارآمدی تحصیلی بالا در مقایسه با دانش‌آموزان با خودکارآمدی پایین‌تر اطمینان بیشتری دارند که بتوانند تکالیف آموزشی را انجام دهند (آلتونسوی، سیمن، اتیک و گومن، ۲۰۱۰^۳).

بهزیستی تحصیلی^۴ نیز بر تمایل به ادامه تحصیل دانش‌آموزان تأثیر دارد. بهزیستی تحصیلی مفهوم جدیدی است که از روان‌شناسی مثبت گرفته شده و یکی از شاخص‌های مهم در ارزیابی نظام‌های آموزشی است. این موضوع، مفهومی همه‌جانبه است که بر کیفیت زندگی در مسائل آموزشی تأثیر دارد. (ابوطالبیان، ۱۳۹۸) بهزیستی تحصیلی^۵ یا رضایت از تحصیل به معنای لذت فرد از نقش و تجربیات خود در قالب دانش‌آموز است. بهزیستی تحصیلی یکی از سازه‌های تأثیرگذار در جریان تعلیم و تربیت است که به رضایت دانش‌آموزان در موارد تحصیلی اشاره دارد و شامل ادراک دانش‌آموزان از برنامه‌های آموزشی، شرایط لازم برای مطالعه و رفتار و راهنمایی معلم است (رنجبر، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دانش‌آموزان و دانشجویانی که بهزیستی تحصیلی بالاتری دارند و به رشته خود علاقه‌مند هستند تلاش بیشتری برای موفقیت و پیشرفت از خود نشان می‌دهند و عملکرد تحصیلی بالاتری دارند. آنها اهمال‌کاری کمتری از خود نشان

1. Skaalvik

2. Academic self-efficacy

3. Altunsoy, S., Çimen, O., Ekici, G., Atik, A. D., & Gökmen

4. Academic welfare

5. Academic well-being

می‌دهند و تمایل بیشتری برای ادامه تحصیل دارند. دانش‌آموزان با بهزیستی تحصیلی پایین، کمال کمتری برای شرکت منظم در کلاس‌ها و ادامه تحصیل دارند (لنت^۱، و همکاران، ۲۰۰۹).

براساس جدیدترین یافته‌های پژوهشی بیش از ۲۵٪ از دانش‌آموزان سالیانه ترك تحصیل می‌کنند. این آمار بسیار نگران‌کننده است و معلوم نیست سرنوشت این دانش‌آموزان که چندین برابر بیش از دیگران در معرض تهدیدهای اجتماعی هستند چه می‌شود. با شروع سال تحصیلی ۹۰-۹۱ بیش از ۱۲ میلیون و سیصد هزار دانش‌آموز سال تحصیلی را آغاز کردند. درحالی‌که با توجه به گزارش‌های مرکز ایران و جمعیت ۱۹ میلیون و ۴۳۵ هزار نفری در سنین ۷ تا ۱۹ سال که باید آموزش خود را در مدارس ادامه دهند بیش از ۷ میلیون و ۱۳۵ هزار نفر به دلایل مختلف قادر به ادامه تحصیل نبودند. درحقیقت بیش از ۳۷٪ دانش‌آموزان ایرانی مجبور به ترك تحصیل شده‌اند. (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴) آسیب‌های اجتماعی ناشی از ترك تحصیل دانش‌آموزان زمانی مهم می‌شود که بسیاری از آنها توانایی لازم برای کسب موفقیت را دارند، ولی مسائل و مشکلات تحصیلی، آینده‌ای که می‌توانست روشن و توأم با موفقیت و سربلندی برای خود و خانواده و اثربخش برای جامعه باشد را به سرنوشتی سیاه و نامشخص تبدیل می‌کند (بلوچ زهی، ۱۳۹۵).

براساس نظریه بندورا باور دانشجویان در مورد توانایی‌هایشان برای انجام موفقیت‌آمیز تکالیف تحصیلی پیش‌بینی‌کننده‌های قوی برای توانایی آنها برای موفقیت در مورد این تکالیف است. باورهای خودکارآمدی تحصیلی به تعیین اینکه دانشجو چه کارهایی را می‌تواند با دانش و مهارت‌هایشان انجام دهد، کمک می‌کند. پیشرفت تحصیلی تا حد زیادی از ادراکات دانشجو در مورد توانایی‌هایش پیش‌بینی می‌شود. باورهای خودکارآمدی با تأثیر بر انتخاب‌های فرد، میزان تلاش و پشتکار او در مواجهه با مشکلات، الگوهای تفکر و واکنش‌های هیجانی نقش



اساسی در تعیین رفتار دارند. به همین دلیل، باور خودکارآمدی تحصیلی بالا موجب تقویت پیشرفت تحصیلی می‌شود، اما باور خودکارآمدی تحصیلی پایین آن را تضعیف می‌کند. بندورا خودکارآمدی را مختص زمینه و موقعیت می‌داند. این بدان معناست که ادراکات خودکارآمدی، وابسته و مرتبط به تکلیف و واقعیت‌هایی هستند که در مورد آنها ارزیابی و مطالعه می‌شوند. (لویس^۱، ۲۰۰۶)

امروزه دیدگاه جدیدی در علوم وابسته به سلامت به طور اعم و در روان‌شناسی به طور اخص در حال شکل‌گیری و گسترش است. در این دیدگاه و رویکرد علمی، تمرکز بر روی سلامتی و بهزیستی از جنبه مثبت و توضیح و تبیین ماهیت روان‌شناختی بهزیستی است. پژوهشگران حوزه سلامت روانی، بهزیستی روان‌شناختی را معادل کارکرد سلامت روانی می‌دانند. آنها نداشتن بیماری را برای احساس سلامت کافی نمی‌دانند، بلکه معتقد هستند که داشتن احساس رضایت از زندگی، پیشرفت، تعامل کارآمد و مؤثر با جهان، انرژی و خلق مثبت، رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت مثبت از مشخصه‌های فرد سالم است. بهزیستی روان‌شناختی مستلزم درک چالش‌های وجودی زندگی است. رویکرد بهزیستی روان‌شناختی، رشد و تحول مشاهده شده در برابر چالش‌های وجودی زندگی را بررسی می‌کند و به شدت بر توسعه انسانی تأکید دارد مانند دنبال کردن اهداف معنادار، تحول و پیشرفت فرد و برقراری روابط کیفی با دیگران. جمع گسترده‌ای از ادبیات پژوهشی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی به تجزیه و تحلیل چالش‌ها و مشکلات اساسی زندگی می‌پردازد. (سلیمی خورشیدی، ۱۳۹۸)

عوامل متعددی بر آموزش و پرورش تأثیر می‌گذارد و این عوامل بیش‌ازپیش تعداد ترك تحصیل دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. (هبلین^۲، ۲۰۱۴) در استان قم نیز به دلیل نبود تحقیقات

1. Lewis

2. Heublein

کافی و مشخص نبودن وضعیت استان که چه میزان ترک تحصیل دانش آموزان در دوره متوسطه وجود دارد و نیز به دلیل شرایط و ویژگی های خاص استان مانند پراگندگی بیش از حد، تراکم و تکثر جمعیتی، فقر فرهنگی، اقتصادی، تعصبات منطقه ای و مذهبی بودن دانش آموزان مسئله ترک تحصیل وضعیت دیگری دارد و عواملی که باعث ترک تحصیل دانش آموزان می شوند، شناخته شده نیستند. سال های اولیه دوره متوسطه، میزان بالایی از ترک تحصیل دانش آموزان دیده می شود که معضلات و مشکلاتی مانند انحرافات اخلاقی، انحرافات رفتاری و جنسی، گرفتار دام اعتیاد و بروز عوارض بر سلامت روحی و روانی کودکان، سرخوردگی و ایجاد آماجی برای انحرافات اجتماعی، اشتغال به کار سنین پایین، ازدواج زودهنگام دختران و مسائل و مشکلات جسمی و بهداشتی را به دنبال دارد. با توجه به دامنه اثرات نامطلوب ناشی از ترک تحصیل پژوهش حاضر قصد دارد تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا بین خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی با تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم ارتباطی وجود دارد یا نه.

۲. پیشینه پژوهش

جدول ۱

جمع بندی پیشینه پژوهش

هدف پژوهش	نویسنده	سال انتشار
بررسی عوامل مؤثر بر افراد بازمانده از تحصیل در دانش آموزان دوره دوم متوسطه روستاهای استان زنجان	سیاح و چراغی	۱۴۰۰
واکاوی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد مورد استان کردستان	شاه محمدی و بهمنی	۱۳۹۹
روایت پژوهی ترک تحصیل دانش آموزان دختر روستایی	غلامپور و محسن	۱۳۹۸
شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی)	سپیدنامه و همکاران	۱۳۹۵

۲۰۲۴	مورلی و چیروبلو ^۱	خودکارآمدی یادگیری خودتنظیمی، انگیزه و قصد ترک تحصیل: نقش تعدیل کننده دوستی در دانشگاه
۲۰۲۳	پاکسی ^۲ و همکاران	آزمون تجربی مدل چندبعدی خطر ترک تحصیل، علوم اجتماعی
۲۰۲۳	الجومیلی ^۳	ترک تحصیل دانش آموزان متوسطه در ناحیه الهندیه
۲۰۲۰	ساموئل و برگر ^۴	رویدادهای منفی زندگی، خودکارآمدی و حمایت اجتماعی: عوامل خطر و محافظت کننده برای قصد ترک تحصیل و ترک تحصیل
۲۰۱۹	چانگ ولی ^۵	سیستم های هشدار زودهنگام ترک تحصیل برای دانش آموزان دبیرستانی که از یادگیری ماشین استفاده می کنند
۲۰۱۴	فن و ولترز ^۶	انگیزش مدرسه و ترک تحصیل در دبیرستان: نقش واسطه ای انتظار آموزشی

اکنون باتوجه به اینکه خلأ تلاش های علمی برای بررسی رابطه بین خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی با تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم در ایران احساس می شود پژوهش حاضر قصد دارد رابطه بین خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی با تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم را بررسی کند. برای این منظور به دنبال آزمون کردن فرضیات زیر است:

1. Morelli, M., & Chirumbolo, A.

2. Paksi

3. RKS Al-Jumaily

4. Samuel, R., & Burger, K.

5. Chung, JY., & Lee, S.

6. W Fan, CA Wolters

-بین خودکارآمدی و تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم رابطه وجود دارد.

-بین بهزیستی تحصیلی و تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان مقطع متوسطه استان قم رابطه وجود دارد.

۳. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و باتوجه به اینکه وضعیت موجود به طور عینی توصیف می شود از بعد ماهیت، توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری ۲۵۴ نفر از دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان قم هستند که با جدول مورگان ۱۵۳ نفر از آنها برای نمونه آماری و به روش نمونه گیری طبقه ای انتخاب شدند و ابزار گردآوری داده ها در پژوهش حاضر بود. برای سنجش بهزیستی تحصیلی از پرسش نامه ۷ سؤالی بهزیستی تحصیلی براساس پژوهش های کونو، الانن، لینتونن و ریمپالا^(۲۰۰۲) استفاده شد. برای سنجش خودکارآمدی از پرسش نامه ۱۷ سؤالی خودکارآمدی عمومی شرر^(۱۹۸۲) استفاده شد. برای سنجش تمایل به ترک تحصیل در دانش آموزان از یک پرسش نامه ۹ سؤالی محقق ساخته که به تأیید اساتید خبره رسید، استفاده شد. برای سنجش پایایی سؤالات، یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسش نامه پیش آزمون توزیع و سپس با استفاده از داده های به دست آمده از پرسش نامه، میزان پایایی پرسش نامه باروش آلفای کرونباخ توسط نرم افزار (SPSS) محاسبه شد. ضریب آلفای کرونباخ تمام متغیرها بزرگ تر از ۰/۷ بود و نشان از پایایی مناسب متغیرهای پژوهش بود. برای آزمون فرضیات از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۳ استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی و پراکندگی ابعاد پژوهش محاسبه شده و مشخص شد خودکارآمدی، بیشترین میانگین با مقدار ۳.۷ و بهزیستی تحصیلی، کمترین میانگین با مقدار ۲.۱ است. ازطرفی تمایل به ترک تحصیل، کمترین انحراف معیار با مقدار ۰.۸۲ و بهزیستی تحصیلی کارکنان، بیشترین انحراف معیار با مقدار ۱.۰۱ را دارد. در بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش معلوم شد مقدار معیار تصمیم (P-Value) در تمام سازه‌ها از ۰.۰۵ بیشتر است. بنابراین، دلیلی برضد این فرضیه که نمونه موردنظر از توزیع نرمال به دست آمده است، وجود ندارد. برای بررسی ارتباط بین متغیرها و سنجش فرضیات از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول زیر آمده است:

جدول ۲

ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

تمایل به ترک تحصیل	بهزیستی تحصیلی		
-۰.۶۵۳	۰.۰۵۳	همبستگی	خودکارآمدی
۰.۰۰۵	۰.۲۳۱	سطح معناداری	
-۰.۳۵۳	۱.۰۰	همبستگی	بهزیستی تحصیلی
۰.۰۰۶	-	سطح معناداری	

باتوجه به نتایج به دست آمده، معلوم شد بین خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی با تمایل به ترک تحصیل رابطه معنادار و منفی وجود دارد (سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است)؛ یعنی هرچه خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی بالاتر باشد تمایل به ترک تحصیل کاهش می‌یابد. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون رگرسیون استفاده شد. همان‌طورکه از نام رگرسیون چندمتغیره برمی‌آید رگرسیون چندمتغیره، تکنیکی است که یک مدل رگرسیون را با یک یا بیش از یک متغیر پیش‌بین (مستقل) تخمین می‌زند هنگامی که بیش از یک متغیر ملاک (وابسته) در یک مدل

رگرسیون وجود دارد. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون چند متغیره پیش‌بینی عملکرد منابع انسانی براساس توسعه شغلی و توسعه منابع انسانی در جدول زیر آمده است:

جدول ۳

ضرایب تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	مقدار بتای استاندارد	مقدار ثابت	مجذور R^2	مقدار t	سطح معناداری
عملکرد	خودکارآمدی	-۰/۴۱	۵۴/۸۳	۰/۴۱۲	-۵/۱۰	۰/۰۰۶
منابع انسانی	بهزیستی تحصیلی	-۰/۳۶			-۴/۶۲	۰/۰۰۱

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش باروش رگرسیون چندمتغیره ورود هم‌زمان که نتایج آن در جدول بالا ارائه شده است، نشان می‌دهد که خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی، توانایی پیش‌بینی تمایل به ترک تحصیل را داشته است. مقدار بتا برای خودکارآمدی -۰/۴۱ و برای بهزیستی تحصیلی -۰/۳۶ و در سطح ($P=0/001$) معنادار است. نتایج نشان می‌دهد که اثرگذاری خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی بر تمایل به ترک تحصیل، منفی بوده و باعث کاهش آن شده است.

۵. نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی با تمایل به ترک تحصیل در دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان قم است. در پژوهش حاضر مشخص شد که خودکارآمدی و بهزیستی تحصیلی می‌تواند تمایل به ترک تحصیل در دانش‌آموزان را کاهش دهد. وقتی دانش‌آموزان خودکارآمدی بالایی داشته باشند نگرش آنها به توانایی تحصیلی خود برای دستیابی به موفقیت و توانایی انجام تکالیف بالاتر می‌رود. به همین دلیل دیگر به فکر ترک تحصیل نمی‌افتند. وقتی خودکارآمدی در دانش‌آموزان پایین باشد باور مثبت و سازنده آنها نسبت به تحصیل کاهش می‌یابد و دیگر نمی‌توانند رفتارهای تحصیلی خود را کنترل کنند. همین

امر باعث افت تحصیلی شده و کم‌کم دانش‌آموزان به ترک تحصیل گرایش پیدا می‌کنند. از طرفی بهزیستی تحصیلی نیز می‌تواند باعث کاهش گرایش به ترک تحصیل شود. بهزیستی تحصیلی رابطه فراگیرنده مدرسه و ایجاد تغییرات موازی پیشرونده در دانش‌آموز و مدرسه است؛ یعنی هرچه دانش‌آموزان بهزیستی تحصیلی بالاتری داشته باشند ارتباط آنها با تحصیل و مدرسه بهبود می‌یابد و کمتر دچار افت تحصیلی می‌شوند و به تبع آن، گرایش به ترک تحصیل در آنها کاهش می‌یابد.

پژوهش مورلی و چیروبلو (۲۰۲۴) نشان داد خودکارآمدی و یادگیری خودتنظیمی می‌تواند انگیزه و قصد ترک تحصیل را کاهش دهد. پژوهش ساموئل و برگر (۲۰۲۰) نشان داد رویدادهای منفی زندگی و خودکارآمدی پایین خطر بزرگی برای گرایش به ترک تحصیل است. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های سیاح و چراغی (۱۴۰۰)، شاه‌محمدی و بهمنی (۱۳۹۹)، غلام‌پور و محسن (۱۳۹۸)، پاکسی و همکاران (۲۰۲۳)، الجومیلی (۲۰۲۳)، چانگ و لی (۲۰۱۹) و هبلین (۲۰۱۴) همخوانی دارد. باتوجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود خودکارآمدی دانش‌آموزان نسبت به انجام کارهای مربوط به تحصیل افزایش یابد تا تمایل آنها به ترک تحصیل کاهش یابد. مشارکت و همکاری والدین در امور مدرسه و مسائل آموزشی باید با برگزاری جلسات توسط آموزش و پرورش تقویت شود تا بهزیستی دانش‌آموزان بهبود یابد و در نتیجه گرایش به ترک تحصیل در آنها کاهش یابد. پژوهش حاضر هنگام انجام با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود. برخی از پاسخ‌های ارائه شده توسط دانش‌آموزان است که ممکن است برای مطلوب جلوه دادن شرایط خود این پاسخ‌ها را داده باشند و خود ممکن است تاحدودی بر روی نتایج تأثیر بگذارد. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود در تحقیق دیگری پیامدها و اثرات ترک تحصیل را به صورت جداگانه مطالعه و بررسی کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود عوامل ترک تحصیل به صورت مقایسه‌ای میان استان با سایر استان‌های کشور بررسی شود و نیز عوامل ترک تحصیل در دوره‌های دیگر آموزشی مطالعه شود.

فهرست منابع



۱. ابوطالبیان، زهرا (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مبتنی بر روان‌شناسی مثبت‌نگر بر امید به آینده و حس انسجام دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه اول. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم انسانی.
۲. باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۴). بررسی علت‌های ترک تحصیل دانش‌آموزان. www.yjc.ir.
۳. بلوچ زهی، عبدالغفار (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره ابتدایی و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از آن در استان سیستان و بلوچستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. رنجبر، محمد، و صادقی، احمد (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مدل مشاوره مدرسه مبتنی بر توانمندی‌ها بر رشد مسیر شغلی و بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان. نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۷(۲)، ۲۸-۷.
۵. سپیدنامه، بهروز، مؤمنی، حسن، و سلیمان‌نژاد، محمد (۱۳۹۵). شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی). نشریه توسعه محلی روستایی-شهری، ۱۸(۱)، ۱۶۷-۱۹۸.
۶. سلیمی خورشیدی، شهربانو (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر ذهن‌آگاهی در والدین بر افزایش درگیری تحصیلی بهزیستی تحصیلی کاهش خودناتوان‌سازی تحصیلی در دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور، مرکز ورامین.
۷. سیاح، علی، و چراغی، مهدی (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر افراد بازمانده از تحصیل در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه روستاهای استان زنجان. نشریه پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی، ۶(۲)، ۹۴-۷۶.
۸. شاه‌محمدی، انور، و بهمنی، مهری (۱۳۹۹). واکاوی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد مورد استان کردستان. نشریه تدریس پژوهی، ۲۱(۱)، ۱۷۱-۱۹۴.
۹. غلام‌پور، میثم، و آیتی، محسن (۱۳۹۸). روایت‌پژوهی ترک تحصیل دانش‌آموز دختر روستایی. نشریه زنان، ۱۰(۴)، ۷۷-۱۰۰.
10. Al-Jumaily, RKS. (2023). Secondary School Students Dropping out of School in Al-Hindiya District. *AL-SSEBT JOURNAL*, iasj.net.
11. Altunsoy, S., Çimen, O., Ekici, G., Atik, A. D., & Gökmen, A. An. (2010). assessment of the factors that influence biology teacher candidates' levels of academic self-efficacy. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2(2), 2377-2382.
12. Chow., Stanley., & Others (2003). *Dropping Out in Ogden City Schools : THE voice of the student , Rural Education and Small Schools*. San Francisco.
13. Fan, W., & Wolters, CA. (2014). School motivation and high school dropout: The mediating role of educational expectation. *British Journal of Educational Psychology*. Wiley Online Library.
14. Heublein, U. (2014). Student drop-out from German higher education institutions. *European Journal of Education*. Wiley Online Library.
15. Lee, S., Chung, JY. (2019). The machine learning-based dropout early warning system for improving the performance of dropout prediction. *Applied Sciences*. mdpi.com.
16. Lent, R. W., Singley, D., Sheu, H. B., Schmidt, J. A., & Schmidt, L. C. (2007). Relation of social-cognitive factors to academic satisfaction in engineering students. *Journal of Career Assessment*, 15(1), 87-97.
17. Lewis, M. (2009). The child and its family: The social network model. *J Diversity Higher Educ*, 2(1), 35- 45.
18. M Morelli, A., & Chirumbolo (2023). *Self-regulated learning self-efficacy, motivation, and intention to drop-out: The moderating role of friendships at University*. Current Psychology.
19. Paksi, B., Széll, K., & Fehérvári, A. (2023). Empirical Testing of a Multidimensional Model of School Dropout Risk. *Social Sciences*. mdpi.com.

20. Ricard, NC., & Pelletier, LG. (2014). *Dropping out of high school: The role of parent and teacher self-determination support- reciprocal friendships and academic motivation*. Contemporary Educational Psychology.
21. Samuel, R., & Burger, K. (2020). Negative life events, self-efficacy, and social support: Risk and protective factors for school dropout intentions and dropout. *Journal of educational psychology*. psycnet.apa.org.
22. Skaalvik, E. M., & Skaalvik, S. (2017). *Teacher Stress and Teacher Self- Efficacy: Relations and Consequences*. Cham: Springer.



بایسته‌های روش‌های آموزشی در تعلیم و تربیت اسلامی

سیده زهرا موسوی^۱، محسن داوودآبادی فراهانی^۲

چکیده

روش‌های آموزشی ناظر به انواعی از فعالیت‌های اختیاری یا کیفیتی از شیوه انجام آن فعالیت‌ها در حوزه تعلیم و تربیت است که می‌تواند به اهداف مطلوب در این حوزه منتهی شوند. این روش‌ها با همه مؤلفه‌های آموزشی (استاد، محتوا، دانشجو و...) ارتباط دارند و از تأثیر این فعالیت‌ها بر تعلیم و تربیت انتزاع می‌شوند. هدف پژوهش حاضر بیان بایسته‌های روش در تعلیم و تربیت است که با رویکرد فقهی و روش اجتهادی با استفاده از تعلیم دینی بررسی می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که توجه به میزان اثربخشی روش و قابلیت رساندن پیام به متعلم از بایسته‌های روش است. همچنین رعایت تفاوت‌های فردی در انتقال مفاهیم بسیار مهم است. بلاغت و زیبایی کلام از نظر شارع مهم بوده و وجود آن در کلام معلم و یا مربی برای اثرگذاری کلام راجح است. استفاده از عنصر زیبایی می‌تواند موفقیت‌های زیادی را برای اساتید به ارمغان آورد و بی‌توجهی به آن نیز یکی از عوامل کاهش نفوذ کلام استاد در مخاطبان خواهد بود.

واژگان کلیدی: روش آموزشی، سیره عقلا، اثربخشی، جذاب‌سازی، تفاوت‌های فردی.

۱. دانش‌پژوه دکتری رشته قرآن و علوم گرایش روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email:szahra_mosavi@miu.ac.ir

ORCID:0000-00002-4325-126x

۲. دانش‌آموخته دکتری رشته فقه تربیتی، مجتمع عالی فقه، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email:mohsend313@gmail.com

۱. مقدمه

روش در معنا با کلماتی مانند شیوه، متد و فن برابر است. روش به اسلوب، راه و طریقه نیز معنا شده و به طور کلی، مسیر انجام دادن هر کاری را روش می‌گویند. (ساروخانی، ۱۳۸۷، ۲۴/۱) در تعریف دیگر روش که به معنای قاعده، قانون، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و منوال آمده است ناظر به پیمودن مسیری برای رسیدن به هدفی است. در علوم نظری، روش به راه یا شیوه‌ای گفته می‌شود که برای کشف حقیقت به کار می‌رود و در علوم عملی مانند اخلاق، سیاست، تعلیم و تربیت به راهی که برای رسیدن به هدف عملی اتخاذ می‌شود، روش می‌گویند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴). گاهی مقصود از روش، کیفیت انجام کار و گاهی راهکار و در برخی موارد فرآیند و ترتیب انجام کارهاست. یک روش می‌تواند برای رسیدن به اهداف گوناگون به کار رود. بنابر قاعده سنخیت، روش واحد نیز می‌تواند با اهداف متنوع سنخیت داشته باشد؛ یعنی هر روش منحصر به هدف خاصی نیست و ممکن است روشی واحد برای دستیابی به چند هدف استفاده شود. اگر روشی چنین قابلیت‌ای را داشته باشد که برای دستیابی به اهداف متنوع به کار رود، ممکن است شرایطی فراهم شود که هم‌زمان به اهداف مزبور دست یافت و به اصطلاح با یک تیر دو یا چند نشان زد یا در زمان‌های مختلف برای وصول به اهداف مزبور از همان نوع روش استفاده کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴).

یک روش ممکن است مرکب از انواعی از کارها و عملیات خاص و استفاده از ابزارهای مختلف باشد که می‌توان آنها را روندها^۱ و فنون^۲ نامید. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ۲۸/۴-۳۰) در این اصطلاح، هر روند یا فن، جزء و بخشی از یک روش است و نسبت آن به روش، نسبت جزء به کل است نه جزئی به کلی. برای مثال چنانچه معلم بخواهد در کلاس از روش بحث گروهی استفاده کند برای

1. procedures

2. technics

این کار از روندها و فنونی مانند تقسیم‌بندی افراد کلاس به گروه‌های مساوی، کنار هم چیدن صندلی‌های هر گروه، تعیین سرگروه و منشی برای هر گروه، تقسیم سؤالات یا وظایف کلاسی میان گروه‌ها، گزارش‌گیری از گروه‌ها و زیر هم نوشتن نتایج بحث گروه‌ها بر روی تابلو استفاده می‌کند. از آنجاکه هیچ‌یک از فعالیت‌های مزبور به‌طور مستقل در آموزش تأثیر ندارند روش‌های آموزش نامیده نمی‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۵۵).

براساس نکاتی که درباره روش‌ها بیان شد اینک می‌توان گفت که روش‌های آموزشی ناظر به انواعی از فعالیت‌های اختیاری یا کیفیتی از شیوه انجام آن فعالیت‌ها در حوزه تعلیم و تعلم هستند که می‌توانند انسان را هرچند در شرایطی به اهداف مطلوب در این حوزه برسانند. این روش‌ها با همه مؤلفه‌های آموزشی (معلم، محتوا، دانش‌آموز و...) به‌نوعی ارتباط دارند و از تأثیر این فعالیت‌ها بر تعلیم و تربیت انتزاع می‌شوند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴) از آنجاکه روش یکی از مهمترین ارکان تعلیم و تربیت است در کتب تعلیم و تربیت بسیار به موضوع روش بسیار پرداخته شده است (مهدی‌زادی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۸). اندیشمندان تربیت اسلامی نیز این موضوع را بررسی کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴). سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که روش در تعلیم و تربیت اسلامی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد. درواقع محل بحث اینجاست که ملاک تعیین روش آموزشی در مدارس و رشته‌های مختلف در دروس مختلفی که تدریس می‌شود، چیست. شایان ذکر است آنچه در مقاله حاضر بررسی می‌شود ملاک‌های تعیین روش‌های تدریس ازمنظر فقه و بایسته‌های انتخاب روش در فقه تربیتی است نه خود روش‌های تدریس. پژوهش حاضر باروش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد اجتهادی با مراجعه به منابع اصلی احکام دینی مانند قرآن، سنت و عقل صورت می‌گیرد.

۲. روش تحقیق

روش‌شناسی پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای و کاربردی و هدف آن بیان بایسته‌های روش در تعلیم و تربیت اسلامی است. پژوهش از نوع کیفی بوده و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از

روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد اجتهادی انجام شده است. روش توصیفی-تحلیلی در تجزیه و تحلیل عبارات و جمع‌آوری گزاره‌های مرتبط به یک موضوع در کنار هم و به دست آوردن ارتباط آنها با یکدیگر برای به دست آوردن دانش یا مجموعه‌ای منسجم در موضوعات مختلف از جمله موضوعات تربیتی قابل استفاده است. (ستاری، ۱۳۹۶، ص ۹۸) رویکرد حاکم بر روش توصیفی-تحلیلی در متون دینی، رویکرد اجتهادی است و آن عبارت است از کوشش علمی براساس منابع معتبر (قرآن، احادیث و عقل قطعی) به واسطه ابزار و عناصر لازم برای تفهم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دینی به گونه‌ای که اعتبار (حجیت، منجزیت و معذرت) داشته باشد. فرایند اجتهاد در صورت برخورداری مجتهد از آمادگی‌های لازم با موضوع‌شناسی شروع شده و با مراجعه به منابع و ادله کشف حکم مانند آیات و روایات و کشف تعارض یا تداخل آنها مشخص شود و سپس مراد جدی شارع را در صورت یک قیاس منطقی سامان بدهد و استنتاج را عرضه کند.

۳. پیشینه

در موضوع روش‌های تعلیم و تربیت پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است و در بسیاری از کتب تعلیم و تربیت اسلامی بخشی بانام روش قرار داده شده است که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود.

کتاب نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی از خسرو باقری (۱۳۸۴) پس از مقدمه، پنج فصل دارد. در فصل چهارم به اصول و روش‌های تربیت اسلامی پرداخته است. براساس هریک از اصول، روش‌هایی ذکر شده است. اصول چهارده‌گانه و روش‌های همراه آنها چنین است: اصل تغییر ظاهر (روش تلقین به نفس، تحمیل به نفس)، تحول باطن (اعطای بینش، دعوت به ایمان)، مداومت و محافظت بر عمل (فریضه‌سازی، محاسبه نفس)، اصلاح شرایط (زمینه‌سازی، تغییر موقعیت، اسوه‌سازی)، مسئولیت (مواجهه با نتایج، تحریک ایمان، ابتلا)، آراستگی (آراستن ظاهر، تزیین کلام)، فضل (مبالغه در عفو، توبه، تبشیر، مبالغه در پاداش)، عدل (تکلیف به قدر

وسع، انذار، مجازات به قدر خطا)، عزت (ابراز توانایی‌ها، تغافل)، تعقل (تزکیه، تعلیم حکمت)، تذکر (موعظه حسنه، یادآوری نعمت‌ها، عبرت‌آموزی)، مسامحت (مرحله‌ای کردن تکالیف، تجدیدنظر در تکالیف)، ابراز پاسخ محبت (بیان مهر و قهر، هبه و محروم‌سازی)، سبقت (تکلیف و رعایت وسع)؛

کتاب اصول و روش‌ها در نظام تربیتی اسلام اثر سید محمد مرتضوی (۱۳۷۵) در دو جلد چاپ شده است. در این کتاب، اصول تربیتی متعددی مطرح شده و ذیل هرکدام از اصول به روش‌های تربیتی تحقق این اصول مثل روش ارائه الگو، روش یادآوری، روش تغییر موضع و... اشاره شده است؛

تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش‌ها) اثر محسن شکوهی یکتا (۱۳۷۶) کتابی است که باتکیه بر قرآن و حدیث، پاره‌ای از مفاهیم تربیت اسلامی را بازشکافته است. کتاب دو بخش دارد. در بخش نخست از مبانی سخن رفته است و در مقولاتی مانند تعریف تعلیم و تربیت، ویژگی‌های تربیت اسلامی، هدف‌های آن، نکاتی در شناخت متربی، عوامل تربیت و مراحل آن کاوش شده و در بخش دوم پنج روش از روش‌های تربیت اسلامی (روش الگویی، روش محبت، روش موعظه، روش تکریم شخصیت و روش تشویق و تنبیه) بررسی شده است.

همچنین مقاله‌هایی در موضوع روش‌های تربیت نوشته شده است که عبارتند از:

مقاله روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی از سعدالهی و همکاران (۱۳۹۴). در این پژوهش پس از معرفی الگوی طبقه‌بندی روش‌های تربیتی، آیاتی از قرآن ذیل هر روش آمده است که بر روش‌های تربیتی معرفی شده، انطباق‌پذیر باشند. در آخر به نتیجه‌گیری در مورد روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی می‌پردازد؛

مقاله بنیان‌ها و روش‌های تربیت انسان مؤدب از منظر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی از رشیدی (۱۳۹۷) به این نتایج دست یافته است که تربیت انسان مؤدب شامل بنیان‌های انسان‌شناختی (ادب‌شناسی و ادب‌دوستی ذاتی)، روش‌های تربیت انسان مؤدب شامل آگاهی‌بخشی نسبت به کردارهای مؤدبانه و غیرمؤدبانه، معرفی الگوی نیکو، معاشرت با

انسان‌های مؤدب و پرهیز از معاشرت با انسان‌های بی‌ادب، موعظه حسنه، تمرین و تکرار، مبارزه با هوای نفس، استغفار، تشویق و تنبیه و درخواست مؤدبانه از خدای متعال است. مقالات دیگری نیز به‌طور خاص در توضیح یا تبیین برخی روش‌های خاص تربیتی نوشته شده است که ارائه گزارش آنها در این مجال نمی‌گنجد، ولی در موضوع خاص این مقاله یعنی، بایسته‌های روش در تعلیم و تربیت اسلامی مقاله یا کتابی یافت نشد که امتیاز پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۴. مفهوم‌شناسی

۴-۱. تربیت

واژه تربیت از ریشه ربو و از باب تفعیل است؛ زیرا کلمه ناقص هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود مصدر آنها بر وزن تفعله می‌شود مانند تربیه، تزکیه، تحلیه و... باب تفعیل در علم صرف معنی تعدیه، تکثیر، سلب، تدریج، ضد معنای باب افعال و نیز معنای ثلاثی مجرد گفته شده است. به نظر می‌آید در مورد این واژه، هنگامی که در باب تفعیل به کار برده می‌شود همان معنای تعدیه و یا به احتمال بیشتر در معنای تکثیر باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۹، ص ۹۸-۱۷۱) این گونه که از سخن اهل لغت برمی‌آید در این ریشه به نوعی می‌توان معنای زیادت و رشد را یافت و در موارد مختلف استعمال خود نیز این معنا را دارد. عرب‌زبانان به تپه «رَبْوَه» می‌گویند؛ زیرا نسبت به سطح زمین برآمده‌تر است. نفس زدن را «ربو» می‌گویند؛ زیرا به هنگام نفس کشیدن سینه برآمده می‌شود و نیز «ربا» را بدین نام نهاده‌اند چون بر مال افزوده می‌شود. تربیت، یک اصل واحد معنایی دارد و می‌توان معنای زیاده، نما و علو را از آن به دست آورد (احمدبن فارس، بی‌تا، ص ۴۸۳). راغب اصفهانی اصل این کلمه را از ریشه «رب» می‌داند که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است. او در بیان معنای «رب» این گونه آورده است: «الرَّبُّ فِي

الأصل: التربه، و هو إنشاء الشيء حالاً فحالاً إلى حدِّ التمام» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۳۴۰). نکته مهم در معنایی که راغب اصفهانی در کتاب خود آورده است تدریجی بودن تربیت است که امری قابل توجه می باشد.

علامه مصطفوی گوهر معنایی در این ماده را تورم همراه با زیاد شدن می داند بدین معنا که شیء در خودش متورم شده و بدان وسیله برای او فضل و زیاده حاصل شده است. او قائل است که دیگر معانی لغوی که لغت دانان برای این ریشه بیان داشته اند اصل آن نیست، بلکه شباهتی به این ریشه دارد و از آثار و لوازم آن است مانند معنای زیادت، فضل، نمو، الطول، العظم، الزكاء و... در اینجا است که فرق ریشه «ربو» با «ربب» و «ربا» مشخص می شود و آن این است که ربا به معنای علا و طال و ریب به معنای سوق دادن او به سوی کمال است. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۳۵)

۴-۲. تربیت در اصطلاح

در تعریف تربیت باید بین نگاه اندیشمندان مسلمان و غیرمسلمان، تفکیک قائل شد. این مطلب بدان دلیل است که نگاه دینی به تربیت باعث شده مبانی، روش ها، غایات و اهداف تربیت در نزد معتقدین به دین با دیگر گروه ها تفاوت های قابل توجه به وجود بیاورد که ممکن است در نگاه اول مورد توجه قرار نگیرد، ولی وقتی با دقت بیشتر بدان نگریسته شود این تفاوت بسیار چشم گیر و مورد توجه است. یکی از مهمترین تفاوت های قابل ذکر در این مورد این است که در روش های تربیتی در اندیشه غیردینی از روش های بیرونی استفاده می کنند. منظور از روش های بیرونی روش هایی است که از بیرون بر تربیت شونده تأثیر می گذارند و در این بین به فطرت که ودیعه ای در اندرون انسان است توجهی ندارند. برای نمونه باندورا معتقد است که یادگیری براساس تأثیرات فیزیولوژیک و تجربه است و نقش عامل فطری را در تعلیم و تربیت قبول ندارد (باندورا، ۱۳۷۲، ص ۱۲). اندیشمندان اسلامی معتقد هستند که اصل تکلیف و نیز عقل و اراده انسان نشان از تربیت پذیری انسان دارد و جبر تاریخ و اجتماع نمی تواند اصل تربیت پذیری او را از بین ببرد (شریعتمداری، ۱۳۷۳، ص ۹). هدف از تربیت در نگاه دین عبارت است از: رشد [الهی]، طهارت،

حیات طیبه، عبادت، تقوی، قرب، رضوان، تزکیه و تهذیب، (باقری، ۱۳۸۵، ص ۵۳) اصلاح رابطه انسان با خودش، طبیعت، جامعه، تاریخ و... (دلشاد، ۱۳۸۰، ص ۷۷).

۴-۳. تعلیم

تعلیم، واژه‌ای عربی از ماده علم به معنای آموزش و یاد دادن است. تعلم نیز به معنای یاد گرفتن است. در معنای این واژه مفهوم تکرار کردن و تدریجی بودن نیز نهفته است. راغب اصفهانی با مقایسه میان دو واژه تعلیم و اعلام می‌گوید: «أَعْلَمْتُه» و «عَلَّمْتُه» در اصل به یک معنا هستند جز آنکه اعلام به خبر دادن سریع اختصاص یافته و تعلیم مختص آگاهی دادنی است که همراه با تکرار باشد تا در جان فراگیرنده (متعلم) مؤثر افتد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۵۸۰) متعلق واژه تعلیم می‌تواند امور پسندیده یا ناپسند باشد. کاربرد این واژه منحصر به آموزش از راه‌های عادی نیست. این تعبیر درباره آموزش چیزی به حیوانات نیز به کار رفته است.

۴-۴. تعلیم و تربیت

امروزه در زبان فارسی، ترکیب تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش بسیار رواج یافته است. برخی از نویسندگان با تأکید بر اینکه در فرهنگ اسلامی و ایرانی واژه تربیت معنای گسترده‌ای دارد و تعلیم را نیز دربرمی‌گیرد استفاده از ترکیب‌های یاد شده را ناموجه می‌دانند. به گفته آنها از مشکلات نظری این ترکیب، ایجاد این پندار است که تربیت می‌تواند عاری از بعد شناختی باشد. (شعاری‌نژاد، ۱۴۰۱، ص ۱۸۳؛ کاردان، ۱۳۷۸، ۳۳۸/۱) به نظر می‌رسد استفاده از ترکیب یاد شده امری پسندیده و خالی از اشکال باشد؛ زیرا افعال اختیاری انسان بر سه پایه بینش‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌ها استوار است. تعلیم به معنای یاری‌رسانی به دیگران برای افزایش بینش‌هاست درحالی‌که تربیت بیشتر درباره تقویت و جهت‌دهی به گرایش‌ها و افزایش توانمندی‌ها به کار می‌رود. از این رو، استفاده از ترکیب تعلیم و تربیت برای تأکید بر این معناست که مبادا از یکی از این ابعاد غفلت شود و حق آن چنان‌که باید و شاید ادا نشود. ترکیب یاد شده پشتوانه‌ای از قرآن کریم دارد که تزکیه را با تعلیم همراه کرده است.

۵. حجیت روش‌های تعلیم و تربیت از منظر فقه اسلامی

روش‌های تعلیم یا تربیت متنوع است. برخی از این روش‌ها به‌طور خاص توسط قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام به‌کار گرفته شده و توسط اندیشمندان اسلامی احصاء و در کتب آنها ذکر شده است. (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۹۰) چنانچه در منابع دینی به برخی روش‌ها تصریح شده باشد به این معناست که خود دین، چنین قابلیت‌هایی را در آنها تضمین کرده است و آنها را می‌توان از روش‌های تعلیم اسلامی دانست. انتساب این روش‌ها به دین، منوط به یافتن ادله‌ای است که از نظر صدور و دلالت معتبر باشند؛ یعنی هم فرد اطمینان داشته باشد که خداوند یا پیشوایان دین آنها را بیان کرده‌اند و هم معنای آنها روشن باشد، البته صرف استفاده از این روش‌ها در قرآن به معنی جواز یا رجحان به‌کارگیری آنها در همه مراحل و ساحت‌های تربیتی نیست، اما برخی از روش‌های آموزشی توسط عقلا مورد استفاده قرار گرفته و می‌توان گفت که سیره عقلا هستند که ممکن است از نظر شارع مجاز و یا غیرمجاز باشد. حال باید دید که سیره عقلا تا چه اندازه حجیت دارد و چگونه می‌توان به آن استناد کرد.

مراد از سیره، استمرار عادت مردم و بنای عملی ایشان در انجام یا ترک کاری است. گاه منظور از مردم، همه مردم و عقلا از مسلمان و غیرمسلمان است که در این صورت آن را سیره عقلا یا بنای عقلا می‌نامند. (مظفر، ۱۳۸۶، ۱۷۱/۲) در چنین حالتی بدون در نظر گرفتن زبان، قومیت، ملیت، فرهنگ، زمانه و هر نکته دیگری که می‌تواند موجب تمایز بین مردم شود روش عملکرد عقلا شناخته و بدان توجه می‌شود. گاه مقصود از مردم، مردمی هستند که یا مسلمان هستند یا اعتقاد خاص مذهبی دارند مانند شیعیان. در این صورت آن را سیره متشرعه می‌نامند (محقق داماد، ۱۳۸۶، ص ۹۶). سیره عقلا اقسام متفاوتی دارد که برخی از آنها به‌طور مستقل و برخی به دلیل کشف از قول معصوم علیه‌السلام حجت است. سیره عقلایی سه گونه است:

- سیره‌ای که موضوع حکم شرعی را منقح می‌کند. این نوع از سیره عقلا به‌طور مستقل

حجت است؛

- سیره‌ای که ظهور دلیل را منقح می‌سازد. شرط حجیت این قسم از سیره، معاصر بودن آن با زمان معصوم علیه السلام است؛

- سیره‌ای که از آن حکم شرعی فهمیده می‌شود که حجیت آن به دو چیز بستگی دارد: الف) اثبات معاصر بودن سیره با زمان معصوم علیه السلام؛ ب) سکوت معصوم علیه السلام به گونه‌ای که دلالت بر امضای آن سیره داشته باشد. (صدر، ۱۴۱۷، ص ۲۳۸)

اگر مطلوب بودن یک روش آموزشی از نگاه شرع مدنظر باشد به نوع سوم سیره مرتبط است؛ یعنی اثبات یا فهم حکم شرعی از سیره که نیازمند دو شرط فوق‌الذکر است که اثبات آن معونه زیادی دارد؛ یعنی رجحان روش‌های مرسوم در تعلیم از نظر شرعی با تمسک به سیره عقلا محل تأمل است. چنانچه قواعد شرعی مرتبط با موضوع رعایت شده و دلیلی معتبر بر منع از انجام دادن کاری یافت نشود انجام دادن آن کار از نظر شرعی مجاز است. مجاز بودن چنین کاری را فقها با تمسک به اصل برائت اثبات می‌کنند، البته نداشتن تالی فاسد و آثار مخرب تربیتی و آموزشی نیز شرط تمسک به برائت است؛ یعنی اگر روشی که مورد استفاده غالب افراد است به مرور آثار منفی آن هویدا شد دیگر برای مجاز بودن آن نمی‌توان به عدم الدلیل و برائت تمسک کرد (داودآبادی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۴). بنابراین، روش‌هایی که عرفی و عقلایی هستند و امضای شارع را ندارند باید به‌طور خاص بررسی و رصد شوند و آثار تربیتی آنها مورد نظارت کارشناسان دینی قرار گیرد.

در انتخاب روش بهتر می‌توان به قاعده اهم و مهم نیز استناد کرد. قاعده اهم و مهم از مستقلات عقلی است که در آن به اخذ اهم و ترک مهم در فرض تراحم اهم با مهم حکم شده است. (علیدوست، ۱۳۹۵، ص ۹۸) هرگاه قرار باشد بین دو یا چند راه یا روش یکی انتخاب شود باید به روش مهم‌تر و مناسب‌تر عمل کرد؛ یعنی راه و روشی که بهتر و سریع‌تر به مقصد برسد. مبنای دیگر حجیت قاعده اهم و مهم، سیره و بنای عقلاست به گونه‌ای که شرع مقدس نیز آن را امضا کرده است؛ یعنی عقلا صرف‌نظر از نژاد، مذهب و شرایط فرهنگی و اقلیمی و... در فرآیند انتخاب، اولویت‌بندی کرده و گزینه‌ای که فایده یا تناسب حداکثری دارد را مقدم می‌کنند.

بنابراین، انتخاب بین چند روش آموزشی باید به روش مفیدتر عمل کرد. این انتخاب به نوعی استفاده از دلیل عقل و نیز تمسک به سیره عقلاست. اگر قابلیت نوعی یک روش برای وصول به برخی اهداف آموزش عالی احراز شد و در ادله معتبر شرعی، دلیلی بر منع از به‌کارگیری آن یافت نشد، پس از لحاظ بایسته‌های روش که در ادامه ذکر می‌شود، می‌توان آن را به صورت یکی از روش‌های تعلیم به معنای روش‌های مجاز و مقبول در اسلام به‌کار گرفت.^۱

۶. بایسته‌های روش در تعلیم و تربیت اسلامی

۶-۱. توجه به اثربخشی روش (قابلیت روش در نیل به اهداف آموزشی)

مهمترین نکته‌ای که باید درباره روش‌ها به آن توجه داشت این است که روش‌ها، راه وصول به اهداف هستند. از آنجاکه هدف همه رفتارهای آگاهانه انسان رفع نیاز (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸) و کمال جویی است و غایت هر فعلی تأمین نیاز و رسیدن به کمال و هدف موردنظر است، پس کیفیت مطلوب هر فعلی میزان تأمین نیاز و نیل به مطلوب است. البته ممکن است یک روش خاص، همواره نتواند انسان را به هدف موردنظر برساند، اما در روش چنین قابلیتی فرض می‌شود که دست‌کم در شرایطی بتواند او را به اهداف مطلوب برساند. برای مثال، تشبیه می‌تواند در بسیاری از موارد در فهم بهتر افراد تأثیر مثبت داشته باشد و در برخی شرایط دیگر ممکن است تأثیر منفی آن غالب باشد، اما از آن رو که قابلیت تأثیر مثبت دارد یکی از روش‌های تعلیم مطلوب به‌شمار می‌آید. اگر نوعی فعالیت، هیچ‌گاه و در هیچ شرایطی انسان را به اهداف مطلوب در تعلیم و تربیت اسلامی نرساند یا تأثیر منفی آن همواره بیش از تأثیر مثبت آن باشد نباید آن را از

۱. البته قرائنی وجود دارد که برخی از روش‌های آموزشی و تربیتی مستفاد در دانشگاه‌های غربی که در کتب تربیتی و آموزشی آنها ذکر شده است خالی از اشکال نبوده و مبتنی بر نگاه غلط آنها به انسان و مراتب وجودی اوست. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «البته آنچه مهم است روش حاکم بر دانشگاه است که روش باید صددرصد اسلامی باشد. مادامی که دانشگاه پرورشگاه متخصصین مسلمان و متعهد نباشد مطلوب انقلاب نخواهد بود و این ممکن نیست مگر اینکه اساس و روش و سیستم در دانشگاه‌ها اسلامی باشد». (<https://farsi.khamenei.ir/>) این فرمایش نشان می‌دهد که روش‌های غربی در تعلیم و تربیت در دانشگاه لزوماً مورد تأیید اسلام نیست. بنابراین، نمی‌توان با تمسک به عقلایی بودن این سیره و نبود ردع از شارع به راحتی از آنها استفاده کرد.

روش‌های چنین تعلیم و تربیتی محسوب کرد. برای مثال، تهمت زدن و مرأ از این‌گونه امور است؛ یعنی آثار منفی به‌کارگیری این راه‌ها به‌اندازه‌ای است که برای اهداف مطلوب در تعلیم و تربیت اسلامی هیچ‌گاه نمی‌توان از آنها استفاده کرد، بلکه این کارها همواره در خلاف جهت هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی هستند. به‌همین دلیل، نباید آنها را در زمره روش‌های جایز در تعلیم و تعلم اسلامی دانست. استفاده از روش‌های غیرمجاز توسط شارع به خودی خود حرام است و اگر باعث اضلال دانش‌آموزان شود به‌صورت آکد مشمول حکم حرمت می‌شود. اگر روش مستفاد توسط استاد، محل یا ناکارآمد در رسیدن به اهداف آموزشی باشد مصداق اتلاف وقت و هزینه دانش‌آموزان و اتلاف بیت‌المال (اگر مدرسه دولتی باشد) می‌شود (داودآبادی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۱).

نکته دیگر اینکه برای رسیدن به یک هدف می‌توان از روش‌های گوناگون استفاده کرد. روش‌های گوناگون می‌توانند با هدف واحدی سنخیت داشته باشند. بنابراین، تنوع روش‌ها همواره معلول تنوع اهداف نیست، بلکه برای رسیدن به یک هدف نیز ممکن است روش‌های مختلف وجود داشته باشد. براساس قاعده الاهم فالاهم شناسایی این روش‌ها به اساتید کمک می‌کند که در شرایط مختلف، بهترین و مناسب‌ترین روش‌ها را انتخاب کنند. در هر مورد، انواع روش‌های ممکن با توجه به اصل اولویت‌بندی در میزان تحقق اهداف توسط روش‌های مختلف تعیین می‌شوند. اگر اثرگذاری روش‌های مختلف تفاوت متناهی داشته باشند استفاده از روش‌های اثرگذارتر براساس قاعده اهم و مهم راجح خواهد بود. (داودآبادی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۲)

همچنین می‌توان گفت درجایی که یادگیری یک موضوع و یک نام درسی توسط دانش‌آموزان از نمونه‌های نیکی محسوب شود استفاده از روش‌های مفید مصداق تعاون بر نیکی است؛ یعنی به‌کارگیری روش‌های اثربخش در تعلیم، حکم تعاون بر نیکی را دارد و راجح است، البته عدم استفاده صحیح از روش‌های آموزشی (اثربخش) توسط اساتید باعث اتلاف وقت و هزینه دانش‌آموزان و مدرسه و مشمول حکم حرمت است.

۶-۲. رعایت تفاوت‌های فردی

یکی دیگر از نقاط قابل توجه و مهم در انتخاب و به‌کارگیری روش‌های آموزشی در مدارس و مراکز آموزشی، تفاوت ظرفیت‌ها و استعدادهای روحی و فکری مخاطبان است که در میزان فهم و ظرفیت پذیرش آنها مؤثر است. انسان‌ها هرچند از نظر برخورداری از نفخه الهی مشترک هستند، اما این حقیقت به معنای تساوی همه افراد در ویژگی‌ها و ظرفیت‌های روحی، فکری و معنوی نیست. در روایات به مراتب و درجات مختلف انسان‌ها اشاره شده است: «إِنَّمَا يَدَّاقُ اللَّهُ الْعِبَادَ فِي الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدَرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ فِي الدُّنْيَا؛ خدا در روز قیامت نسبت به بندگان به اندازه بهره‌ای که در دنیا از عقل به آنها داده شده است باریک‌بینی می‌کند» (کلینی، ۱۳۹۰، ۱۱/۱). تفاوت ظرفیت‌ها، استعدادها و قابلیت‌های افراد موجب می‌شود که نتوان از الگوی واحدی برای هدایت همگان پیروی کرد و از همه افراد انتظار یکسانی داشت. در نتیجه، استفاده از روش‌های آموزشی باید متناسب با ظرفیت و استعداد هر فرد صورت بگیرد. خداوند در قرآن به این حقیقت این‌گونه اشاره کرده است: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا؛ خدا هیچ‌کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است، تکلیف نمی‌کند» (طلاق: ۷).

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدَرِ عُقُولِهِمْ؛ ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل‌هایشان سخن بگوییم». (کلینی، ۱۳۹۰، ۲۳/۱) از این منظر شناخت ظرفیت فکری و روحی متعلم بسیار مهم است و معلم تا زمانی که با ظرفیت فکری و روحی متعلم و زمینه‌های ذهنی و روانی و میزان اثرپذیری وی آشنا نباشد در تعلیم و تربیت موفق نمی‌شود. امام علی علیه السلام فرمود: «أَمَّا حَقُّ الْمُسْتَنْصِحِ؛ فَإِنَّ حَقَّهُ أَنْ تُكَلِّمَهُ مِنَ الْكَلَامِ بِمَا يَطِيقُهُ عَقْلُهُ؛ فَإِنَّ لِكُلِّ عَقْلٍ طَبَقَةً مِنَ الْكَلَامِ يَعْرِفُهُ وَ يَجْتَنِبُهُ؛ اما حق کسی که از تو نصیحتی جوید این است که به اندازه عقلش با او سخن گویی؛ زیرا برای هر عقلی شیوه‌ای از سخن گفتن لازم است که آن را بفهمد و درک کند» (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۹). معلم علاوه بر شناخت ظرفیت عقلانی متعلم باید از نیازهای فکری و معنوی متعلم خود نیز مطلع باشد، به زمینه‌ها و شرایط روانی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، فکری، مذهبی و... که بر ذهن و ضمیر او سایه افکنده است تاحد

امکان توجه و همه این موارد را در گزینش روش‌های ارائه مطلب لحاظ کند. توجه به این متغیرها در جهت‌گیری تدریس در دو بخش روشی و شکلی و محتوایی تدریس می‌شود.

۶-۲-۱. موارد روشی و شکلی

ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خاص مخاطب در حوزه روشی و شکلی تدریس می‌تواند در میزان تکرار مطالب، مدت زمان بیان نکات آموزشی برای مخاطب، تعداد پیام‌های مخاطب بیان شده برای (تراکم پیام‌ها)، بیان مستقیم یا غیرمستقیم پیام‌ها و گزینش قالب‌ها و ابزار پیام‌رسانی اثرگذار باشد. (داودآبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰)

۶-۲-۲. موارد محتوایی

در حوزه محتوای آموزشی نیز توجه به ظرفیت‌های مخاطب بسیار تعیین‌کننده و در گزینش محتوای دروس بسیار مؤثر است. مهمترین مصادیق و موارد این موضوع میزان اثرگذاری پیام‌هاست.

۶-۳. رعایت اصل زیبایی و جذاب‌سازی روش‌ها

یکی از مهمترین گرایش‌ها و سائق‌های روحی انسان گرایش به زیبایی (زیبایی ظاهری و باطنی) است که منشأ بسیاری از رفتارها، احساسات و تصمیمی‌گیری‌های وی است. شهید مطهری درباره حس زیبایی‌دوستی انسان می‌فرماید: «انسان جمال و زیبایی را در همه شئون زندگی دخالت می‌دهد: جامه می‌پوشد برای سرما و گرما، به همان اندازه هم به زیبایی رنگ و دوخت اهمیت می‌دهد، خانه می‌سازد برای سکونت و بیش از هرچیز به زیبایی خانه توجه دارد. خلاصه می‌خواهد هاله‌ای از زیبایی تمام زندگی‌اش را فراگیرد» (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰). خداوند متعال نیز با عنایت به این گرایش، محتوای آیات قرآن را با زیبایی آمیخته است (مطهری، ۱۳۸۶، ۳۳۶/۱۷). قرآن علاوه بر بهره‌گیری از نثر زیبا که مؤیدی بر وجود حس زیبایی‌دوستی در انسان است به وجود این گرایش در نهاد انسان به طور غیرمستقیم اشاره کرده است: «وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ؛ برای شما در آن زیبایی است هنگامی که صبحگاهان جانداران را

به چرا می‌برید و در شامگاهان آنها را به جایگاه‌های خود برمی‌گردانید» (نحل: ۶). علاوه بر این موارد به زیبایی‌های معنوی نیز در متون دینی اشاره شده است: «فاصبر صبراً جمیلاً؛ شکیبایی نما، شکیبایی زیبا» (معراج: ۵). «فاصفح الصفح الجمیل؛ با عفو و بخشش که زیباست از لغزش‌های مردم درگذر» (حجر: ۸۵). «حَسَنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ؛ زیبایی صورت جمال ظاهری است و زیبایی عقل، جمال باطنی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۵/۱). «الْعِلْمُ جَمَالٌ؛ دانش زیور و زیبایی انسان است» (آمدی، ۱۳۷۳، ۷۸/۱).

گرایش انسان به زیبایی تنها محدود به زیبایی‌های مادی نیست، بلکه زیبایی‌های معنوی نیز برای وی جاذبه دارد. گرایش انسان به هنر (مقوله‌های زیباشناختی) و فضایل اخلاقی از مهمترین نمونه‌های گرایش وی به زیبایی هستند. جاذبه آثار هنری و فضایل اخلاقی برای انسان در این حقیقت نهفته است که وی آنها را در درون خود زیبا می‌یابد و تحسین امور و صفات اخلاقی شایسته و تقبیح امور و صفات ناپسند اخلاقی که یکی از واکنش‌های روزمره انسان‌هاست به همین حس زیبایی دوستی وی برمی‌گردد. توجه به حس زیبایی دوستی که یکی از گرایش‌های بنیادین در وجود انسان است آثار بسیار مهم و گسترده‌ای در نظام تدریس دارد. این تأثیرگذاری را می‌توان در موارد مختلفی بازشناخت که از مهمترین آنها زیبایی بیان است. اصل زیبایی در ارکان مختلف تعلیم و تربیت مثل ابزارها، مکان، معلم و ازجمله روش کاربرد دارد و به‌طور خاص در نوع کلام و بیان وی تبلور می‌یابد. در منابع دینی به جایگاه زیبایی بیان در مقام تعلیم و تبلیغ تصریح شده است.

۶-۳-۱. قرآن کریم

آیه اول: «وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْضَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ؛ و برادر من هارون از من فصیح‌تر است. او را به کمک من بفرست تا مرا تصدیق کند که بیم آن دارم که دروغ‌گویم شمارند». (قصص: ۳۴) حضرت موسی علیه السلام هنگامی که به رسالت مبعوث شد از خداوند متعال خواست که برادرش را با ایشان همراه کنند؛ زیرا وی در سخن گفتن، فصیح‌تر از حضرت موسی علیه السلام بود. این درخواست نبی اولوالعظم الهی نشان از اهمیت زیبا سخن گفتن و

انترگذاری آن در مخاطب است. آیت الله جوادی آملی درباره جایگاه فصاحت در بیان به این آیه این گونه استناد می کند: «اگر کسی در شعار و آثار خود، هنرمند بود ارزش مضاعف دارد و اگر در یکی از دو جهت هنرور بود در همان جهت ممتاز خواهد بود. برای مثال حضرت هارون نبی که از زیربنای علوم و حیانی متنعم بود و از روبنای «هو أفصح مني لساناً» برخوردار، ارزش افزوده ای داشت» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۲۳۹/۳).

آیه دوم: «وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» و به آنان سخنی رسا که در دلشان اثر کند، بگوی. (نساء: ۶۳) به نظر می رسد که زیبایی بیان، محصول دو عامل اساسی در کلام است که در قرآن کریم (آیات فوق) بانام فصاحت و بلاغت مورد توجه قرار گرفته است. از فصاحت و بلاغت، تعاریف گوناگونی ارائه شده است و اختلاف نظرهای زیادی درباره معنای این دو واژه میان صاحب نظران وجود دارد^۱ و^۲، اما در مجموع می توان فصاحت و بلاغت را به این شکل تعریف کرد: فصاحت در لغت به چند معنا اطلاق می گردد که یکی از آنها روشنی و ظهور است. در تعریف فصاحت در کلام چنین گفته اند: «آن کلامی است که از ضعف تألیف و تنافر کلمات و تعقید خالی و از فصاحت برخوردار باشد. فصاحت متکلم آن است که متکلم مقاصد خود را با تعابیر و واژه های روشن بیان کند» (هاشمی، ۱۳۸۳، ص ۳۸).

بلاغت به معنای وصول و انتهاست: «بلغ فلان مراده؛ به مراد خود رسید». «بلغ الراكب المدينة؛ به آنجا منتهی شد». بلاغت در کلام عبارت است از: مطابقت کلام با مقتضای حال همراه

۱. ر.ک.، سارلی، ناصر قلی، ۱۳۹۰، بازاندیشی چارچوب نظری فصاحت، نقد ادبی، ش ۴؛ عبدالجفال، محمود، ۱۳۷۴، نقد و بررسی مبانی فصاحت، ترجمه سیدی؛ سیدحسین، کیهان اندیشه، ش ۶۴؛ رسولی، حجت، ۱۳۸۰، تأملی در تعریف بلاغت و مراحل تکامل آن، دو فصلنامه شناخت، ش ۳۱؛ حسان، ۱۹۸۷، تمام، المصطلح البلاغی القديم فی ضوء البلاغة الحديثة، مجله فصول، مجلد ۷.

۲. ر.ک.، لسان العرب، المفردات فی غریب القرآن، مقایس اللغة، دلائل الاعجاز، مفتاح العلوم سکاکی، الايضاح فی علوم البلاغة و شرح المختصر تفتازانی. همچنین می توان به مقالات «نقد و بررسی مبانی فصاحت»، نوشته محمود عبدالجفال؛ «تأثیر لفظ و معنا در فصاحت»، نوشته محمد فاضلی؛ «در باب بلاغت» نوشته احمد مهدوی دامغانی؛ «تأملی در مفهوم بلاغت و مراحل تکامل آن»، نوشته دکتر حجت رسولی؛ «تحقیق در منابع علوم بلاغت»، نوشته دکتر نورالله کسرائی؛ «دییایچه ای بر علم بلاغت» نوشته منصور میرزانی؛ «الجاحظ و الفصاحة»، نوشته دکتر احمد مطلوب؛ «المصطلح البلاغی القديم فی ضوء البلاغة الحديثة»، نوشته تمام حسان مراجعه نمود.

فصاحت آن؛ یعنی علاوه بر اینکه کلام باید فصیح باشد باید با مقتضای حال نیز تطابق داشته باشد. برای مثال کلام بلیغ چنین است که اگر کسی سخنی را در زمینه حضور شخصی به نام زید در خانه باور نداشته باشد باید به او گفت: «ان زیدا فی الدار یا والله ان زیدا فی الدار»، ولی اگر چنین کلامی با این همه تأکیدات به کسی گفته شود که درقبال سخن شک و تردیدی ندارد و اگر برایش بدون تأکید هم گفته شود، خواهد پذیرفت و از آن تأکیدات در جمله استفاده شود در این صورت کلام بلیغ نیست (حکیمی، ۱۳۸۶، ۲/۲۴۱). در ادامه به چند روایت در مورد اهمیت زیبایی در بیان و کلام اشاره می‌شود:

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «و البیان عماد العلم؛ استوانه دانش، سخنوری است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱/۱۸۱)؛

در جای دیگر امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «انا لانعد الرجل فقیها عالما، حتی يعرف لحن القول؛ ما تا زمانی که کسی از روش مقاصد گفتار آگاه نباشد او را فقیه و عالم نمی‌دانیم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲/۱۳۷)؛

امام صادق علیه السلام فصاحت را یکی از سه روزی مهم انسان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «سه چیز هستند که به هرکس روزی شوند، کاملند: عقل، جمال و فصاحت» (حرانی، ۱۳۶۳، ۱/۳۱۵).
دو روایت اول، اشعار به این مطلب دارد که عالم برای نشر علم خود نیاز به مهارت‌های کلامی دارد.

۴-۶. جمع‌بندی اصل زیبایی

آیات مطرح شده نشان می‌دهد که بلاغت و زیبایی کلام از نظر شارع مهم است و وجود آن در کلام معلم و یا مربی (برای اثرگذاری کلام) راجح است. روایاتی که مطرح شد که روایات شاهد است و نیاز به بررسی سندی ندارد نیز بر اهمیت فصاحت و بلاغت در کلام معلم یا مبلغ تأکید دارد. براین اساس و باتوجه به جایگاه ویژه حس زیبایی‌دوستی در زندگی انسان‌ها و نقش برجسته‌ای که این حس در شکل‌گیری بسیاری از گرایش‌های رفتاری و اعتقادی افراد دارد توجه به آن در آموزش می‌تواند موفقیت‌های زیادی را برای اساتید به‌ارمغان آورد و بی‌توجهی به آن نیز یکی از

عوامل کاهش نفوذ کلام معلم در مخاطبان است. آثار توجه به این مقوله در عرصه آموزش در روش‌ها و قالب‌هایی که به کمک آنها به ارائه محتوای درسی به دانش‌آموزان می‌پردازد بلیغ و فصیح بودن سخن (ر.ک.، قصص: ۳۴) و استفاده از قالب‌های جذابی مانند شعر و بهره‌مندی از هنر در تدریس نتیجه توجه به مبنای مذکور است.

۷. نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاکی از آن است که در تعالیم اسلامی برای روش تعلیم و تربیت بایسته‌هایی وجود دارد. توجه به میزان اثربخشی روش و قابلیت رساندن پیام به متعلم از بایسته‌های روش تعلیم و تربیت است؛ یعنی معلم باید در انتخاب روش به میزان تحقق اهداف آموزشی با استفاده از این روش توجه و روشی که مؤثرتر است را در تعلیم انتخاب کند. همچنین رعایت تفاوت‌های فردی در انتقال مفاهیم بسیار مهم است؛ یعنی افراد توانمندی‌های ذهنی و قابلیت‌های درک متفاوتی دارند که در انتخاب روش آموزشی باید این تفاوت‌ها را مدنظر قرار داد. می‌توان گفت که از بایسته‌های روش تدریس معلم در مدرسه زیباسازی و بیان جذاب است. با توجه به آنچه در بخش اثربخشی روش اشاره شد توجه به هدف از درس و کلاس بسیار مهم است. از آنجاکه هدف درس مهارت‌افزایی و دانش‌افزایی وقتی بهتر محقق شود که در روش تدریس عنصر زیباسازی و جذابیت رعایت شود، پس بر معلم لازم است در حد وسع خود به این موضوع توجه کند و نیز بر مدیریت مراکز آموزشی لازم است که اساتیدی را جذب کنند که چنین قابلیت‌هایی را داشته باشند و یا در مهارت‌افزایی اساتید بر عنصر زیباسازی تأکید کنند. عدم رعایت اصل زیبایی در تدریس ممکن است باعث کاهش اثربخشی تدریس و مصداق اتلاف وقت و هزینه دانش‌آموزان شود. بنابراین، روش آموزشی، نوع بیان و حتی وضعیت ظاهری معلم باید به صورتی زیبا و آراسته عرضه شود تا رغبت مخاطب را برای شنیدن و پذیرفتن آن برانگیزد.

فهرست منابع

- * قرآن (۱۳۷۳). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱. احمد بن فارس (۱۴۰۴). معجم مقاییس اللغة. مترجم: هارون، عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام اسلامی.
۲. احمدی، سید احمد (۱۳۸۴). اصول و روش های تربیت در اسلام. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
۳. آمدی، عبدالواحد بن تمیمی (۱۳۷۳). غرر الحکم و درر الکلم. شرح: خوانساری، محمد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. باقری، خسرو (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
۵. باندورا، آلبرت (۱۳۷۲). نظریه های یادگیری. مترجم: ماهر، فرهاد. تهران: راهگشا.
۶. جمعی از نویسندگان (زیر نظر محمد تقی مصباح) (۱۳۸۸). مبانی تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
۷. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دار المعرفه.
۹. حرانی، محمد بن شعبه (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۱. حسینی زاده، سید علی (۱۳۸۶). سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام: نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش های دینی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۶). الحیاه. قم: دلیل ما.
۱۳. داود آبادی، محسن (۱۳۹۹). الگوی آموزش عالی در فقه تربیتی. پایان نامه دکتری فقه تربیتی. جامعه المصطفی العالمیه. قم.
۱۴. داود آبادی، محسن، اسماعیل، بیوکافی، و محمد علی، پیلتن (۱۳۹۵). قواعد تبلیغ در کتاب و سنت. قم: پژوهشگاه باقر العلوم.
۱۵. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۰). سیری در تربیت اسلامی. تهران: نشر و تحقیقات ذکر.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶). مفردات الفاظ القرآن. دمشق: دار القلم.
۱۷. ساروخانی، باقر (۱۳۸۷). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
۱۸. ستاری، علی (۱۳۹۶). بررسی و نقد روش تحلیل مفهومی با رویکرد به پوزیتیویسم منطقی در پژوهش های تربیتی. نشریه اندیشه های نوین تربیتی، ۱۳(۱)، ۹۱-۱۱۴.
۱۹. شریعتمداری، علی (۱۳۷۳). تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: امیرکبیر.
۲۰. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۴۰۱). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: امیرکبیر.
۲۱. صدر، محمد باقر (۱۴۱۷). بحوث فی علم الاصول. تقریرات: حسینی شاهرودی، محمود. قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۲۲. طباطبایی، محمدرضا (۱۳۷۹). صرف ساده. قم: دار العلم.
۲۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). جامع البیان. بیروت: دار المعرفه.
۲۴. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۵). فقه و مصلحت. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. کاردان، علی محمد (۱۳۷۸). فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: سمت.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۰). الکافی. قم: الاسلامیه.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۸. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۶). مباحثی در اصول فقه. تهران: سازمان سمت.
۲۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. بنگاه ترجمه و نشر کتاب: تهران.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). یادداشت‌ها. تهران: صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). انسان کامل. تهران: صدرا.
۳۲. مظفر، محمد رضا (۱۳۸۶). اصول الفقه. قم: اسماعیلیان.
۳۳. مهدی‌زادی، امیرحسین (۱۳۸۹). مبانی، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت. تهران: مبنای خرد.
۳۴. هاشمی، احمد (۱۳۸۳). جواهر.

آسیب‌های حضور زنان در اجتماع و راهکارهای حل آن در نظام تعلیم و تربیت اسلامی

حسینی نبی زاده^۱، زینب هاشمی^۲

چکیده

حضور زن در اجتماع از صدر اسلام با شکستن تفکرات جاهلی حضوری ارزشمند و مورد تأیید و متناسب با رویکرد کمال‌گرای اسلامی همراه با قوانینی بوده است. این موجب شده است زنان با حفظ شئون اسلامی به راحتی و با کمترین آسیب‌ها در عرصه‌های مختلف ایفای نقش کنند. امروزه گسترش تفکرات غیراسلامی مانند فیمینسم در جوامع اسلامی که با شعارهایی مانند برابری زن و مرد با هدف آزادی بی‌قید و شرط در سراسر عالم گسترش یافته‌اند حضور زن در اجتماع را دچار آسیب کرده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در پی تبیین این آسیب‌ها و راهکارهای حل آن است. بررسی‌ها نشان‌دهنده این ادعاست که این آسیب‌ها در سه دسته فردی، خانوادگی و اجتماعی قرار دارند. آسیب‌های فردی مانند آسیب‌های روحی و جسمی، دور شدن از حجاب و عفاف، خستگی مضاعف، آسیب‌های خانوادگی مانند کاهش روابط اعضای خانواده، مشکلات عاطفی فرزندان، انحرافات اخلاقی فرزندان و آسیب‌های اجتماعی مانند کاهش فرزندآوری، کاهش ازدواج، افزایش آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای فردی مانند توجه به مصالح اساسی و اولویت‌بندی، رعایت عفت در نگاه و پوشش، راهکارهای خانوادگی مانند اهمیت دادن به نقش الگویی والدین، نظارت بر جامعه دوستان، انتخاب محیط تحصیلی مناسب و راهکارهای اجتماعی مانند وضع قوانینی مناسب برای حضور در اجتماع، آموزش عمومی، فرهنگ‌سازی و... است.

واژگان کلیدی: زن، اجتماع، تعلیم، تربیت، اسلام.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: hosnasadatn@gmail.com

ORCID: 0009-0009-8861-2805

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: zeinabhashemi.w@gmail.com

ORCID: 0000-0001-9408-7642

۱. مقدمه

موضوع زن و حضور او در جامعه به صدر اسلام بازمی‌گردد یعنی، زمانی که اسلام آموزه‌های جاهلی در مورد زن را درهم شکست و به زن ارزش بخشید و زنان نیز در عرصه‌های مختلف اجتماعی در صورت نیاز و با حفظ شئونات، ایفای نقش کردند، اما ظهور آن در قالب مسئله‌ای جدی و حیاتی به دو سه قرن اخیر و بروز تفکر فمینیسم برمی‌گردد. زن از مهمترین و مؤثرترین عوامل در تربیت فرزند و رشد جامعه است و نقش اساسی در شکل‌گیری جامعه سالم یا فاسد ایفا را می‌کند. زن می‌تواند به‌طور مستقیم و با حضور در عرصه‌های مختلف اجتماع مانند عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، تربیتی و یا به‌طور غیرمستقیم با تربیت فرزند تأثیرگذار باشد. امروزه به‌واسطه روشنفکری، نوگرایی و بروز تفکرهای نوین مانند برابری جنسیتی و تساوی زن و مرد در تمام مسائل و جنبه‌های زندگی، حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی بیشتر شده است. حضور زنان در جامعه آثار و نتایج مثبتی به دنبال دارد، اما حضور بی‌قید و شرط آنها آسیب‌های غیرقابل انکاری را به دنبال دارد. هدف دین اسلام رسیدن به سعادت دنیا و آخرت یعنی، دستیابی به حیات طیبه است و این امر محقق نمی‌شود مگر با توجه به دو بعد فردی و اجتماعی زندگی انسان. نقش کلیدی و محوری زن در خانواده و اجتماع بر همگان آشکار است. اسلام به دنبال کمال انسان است و قوانین و تعالیمی در مورد کیفیت و شیوه فعالیت و حضور زنان در اجتماع بیان کرده است تا با رعایت این مسائل هم در اجتماع به فعالیت بپردازند و هم از آسیب‌های آن مصون بمانند. با توجه به مطالعات انجام شده در مورد این موضوع مقاله‌هایی نوشته شده است مانند مقاله وضعیت زن مسلمان و نقش وی در اجتماع از محمدعلی تسخیری که وضعیت زن مسلمان از دیدگاه اسلام و وضعیت زنان در توسعه اجتماعی را بررسی می‌کند. وی همچنین چالش‌های فرهنگی خانوادگی و بین‌المللی پیش روی آنها را بیان کرده است. مقاله حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات از علی اکبر ربیع و همکاران، آسیب‌های حضور زن در جامعه و ضرورت و آداب حضور زنان در اجتماع را از منظر قرآن و شریعت مطالعه کرده است. مقاله حاضر

باروش توصیفی- تحلیلی، آسیب‌های حضور زنان در اجتماع و راهکارهای حل آن در نظام تعلیم و تربیت را بررسی می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. اجتماع

اجتماع در لغت به معنای گرد هم آمدن، جمع شدن و به هم پیوستن است. (عمید، ۱۳۷۴، ۱۰۳/۱) این واژه در اصطلاح، معانی متعددی دارد. اجتماع به گروهی از مردم گفته می‌شود که گرد هم آمده‌اند و ویژگی‌های مشترک دارند.

۲-۲. نظام

نظام در لغت به معنای نظم دادن، آراستن، به رشته کشیدن مروارید، عادت و روش است. (عمید، ۱۳۷۴، ۲۴۰/۳) در اصطلاح به اصول و قواعدی گفته می‌شود که چیزی بر آن نهاده شده است.

۳-۲. تعلیم و تربیت

تعلیم در لغت به معنای علم یا هنری را به کسی یاد دادن و تربیت به معنای پرورش دادن و ادب و اخلاق به کسی یاد دادن است. (عمید، ۱۳۷۴، ۶۶۵/۱)

۴-۲. نظام تعلیم و تربیت اسلامی

باتوجه به تعاریف بالا می‌توان گفت که نظام تعلیم و تربیت اسلامی مجموعه‌ای از روش و قواعدی است که برای پرورش، رشد و تعالی انسان باتوجه به آموزه‌های اسلامی به‌دست می‌آید.

۳. آسیب‌های حضور زنان در اجتماع

در چند سده گذشته فعالیت زنان به خانه و خانواده محدود می‌شد و حضور آنها در اجتماع محدود بود. در اوایل قرن بیستم و بعد از انقلاب صنعتی، کارخانه‌داران و نظام سرمایه‌داری، زنان را که کارگران ارزان‌تری بودند بر مردان سرکش ترجیح می‌دادند و این‌گونه بود که زن پا به عرصه اجتماع و اشتغال نهاد. همچنین تفکر و مکتب فمینیسم با شعار آزادی زنان و برابری و تساوی

زنان با مردان باعث حضور حداکثری زنان در اجتماع شد بی آنکه به آسیب‌های آن توجه شود. (خرمی، ۱۳۸۴)

۳-۱. آسیب‌های فردی

۳-۱-۱. آسیب‌های روحی و جسمی

انسان موجودی کمال‌گراست و تمایل دارد در هر کاری بهترین باشد. وقتی شخص وارد اجتماع می‌شود نیز سعی دارد بهترین باشد و به موفقیت برسد. این احساس رقابت شدیدی بین افراد به وجود می‌آورد و به تبع آن، اضطراب و استرس فرد نیز افزایش می‌یابد. زنان برای پیروزی در این رقابت فعالیت خود را روز به روز افزایش می‌دهند تا با حضور فعال خود عرصه را بر رقیبان خود تنگ کرده و گوی سبقت را از آنها برابند. این کار خستگی جسمی و روحی زیادی را به دنبال دارد. زنان فشارها و استرس‌های وارد شده در محیط کار و خانه را مؤثر بر خستگی جسمی و روحی خود می‌دانند. علائم خستگی در زنان عبارتند از: کسالت، بی‌حالی، زود خسته شدن، بی‌انگیزگی، احساس ناامیدی و فقدان نیرو. (بهزادی و عسگری، ۱۳۹۷) این خستگی برای زنان متأهل و مادران دوجندان است؛ زیرا علاوه بر فعالیت بیرون به ایفای نقش همسری و تربیت فرزندان نیز می‌پردازند.

۳-۱-۲. دور شدن از پوشش کامل و حرکت به سمت بی‌حجابی

انسان علاقه‌مند است همیشه برتر از دیگران باشد و به موفقیت برسد. بنابراین، پوشش کامل را مانعی برای رسیدن به اهداف خود می‌داند. او در ابتدا از پوشش خود کم می‌کند، سپس در این مورد حس رقابت به وجود می‌آید و به صنعت توقف‌ناپذیر مد و فشن می‌رسد مانند اتفاقی که بعد از انقلاب صنعتی برای کشورهای اروپایی رخ داد. هم‌زمان با انقلاب صنعتی، نظام سرمایه‌داری زنان را که نیروی ارزان‌تر و مطیع‌تری نسبت به مردان بودند به محیط کار و اجتماع آوردند و پس آن با سردادن شعار مظلومیت زن و حق آزادی زنان آنها را از محیط خانواده و حجاب سنتی دور کرده و به ابزاری برای نظام سرمایه‌داری تبدیل کردند. با افزایش تولید و کم شدن تقاضا

سرمایه داران که خود را در آستانه ورشکستگی می دیدند از جذابیت، دلربایی و طنازی زن برای تبلیغات استفاده کردند و زشت ترین سوءاستفاده از جذابیت زنان به اسم آزادی از بند پوشش های سنتی انجام گرفت. این باعث قربانی شدن شخصیت و منزلت زنان و ازبین رفتن عقاید شد که ارزش زنان را درحد یک کالا پایین آورد. این موضوع، شروع تمام فسادها و آسیب هایی است که به جامعه، خانواده و مردم جهان غرب وارد شد. (خرمی، ۱۳۸۴)

۳-۱-۳. دوبرابر شدن خستگی

فعالیت های اجتماعی زنان از مسئولیت های آنها در خانه کم نمی کند. تمام فعالیت هایی که یک زن خانه دار انجام می دهد را زنانی که در خارج از خانه فعالیت دارند هم باید انجام دهند. فعالیت داشتن در داخل و خارج از خانه به صورت هم زمان خستگی را دوچندان می کند و خستگی جسمی بر روح و روان انسان تأثیر می گذارد.

۳-۲. آسیب های خانوادگی

خانواده کوچک ترین و اولین نهاد اجتماعی و متشکل از زن و مرد است. هریک از زن و مرد وظایفی را برعهده دارند که اگر در وظایف خود کوتاهی کنند آسیب جدی به خانواده و جامعه وارد می شود. نقش زن که یکی از عناصر اساسی تشکیل دهنده خانواده است و بخش اعظم تربیت فرزندان را برعهده دارد بسیار مهم است.

۳-۱-۲. مشکلات عاطفی فرزندان

خانواده نقش مهمی در تعیین آینده فرزندان دارد. اولین پایه گذار شخصیت هر فرد، پدر و مادر است. بنابراین، تغییرات ایجاد شده در نظام خانواده ممکن است آسیب های جدی در فرد ایجاد کند. یکی از این تغییرات، اشتغال مادر و پررنگ شدن فعالیت اجتماعی آنهاست. بچه ها در دوران کودکی نیاز به محبت و پرورش دارند و اگر این محبت را دریافت نکنند ممکن است مشکلات شدیدی به وجود آید. کودکانی که مادران آنها در اجتماع حضور دارند به طور کامل و کافی از محبت آنها بهره مند نمی شوند؛ زیرا مادر مدتی را بیرون از خانه مشغول است و کودکان

در مهدکودک و یا توسط برخی از افراد خانواده مانند مادر بزرگ نگهداری می‌شوند و از محبت و حضور مادر محروم هستند. وقتی مادر مدت زیادی را در کنار کودک خود نیست متوجه نیازها، عواطف و احساسات او نمی‌شود. عدم حضور مادر در موقعیت‌های مختلف باعث می‌شود که کودک نتواند احساسات خود را به موقع برای مادر بیان کند و زمانی که مادر حضور دارد به دلیل خستگی و یا کارهای خانه نمی‌تواند به خوبی احساسات کودک را بشنود و پاسخ‌گو باشد. بنابراین، کودک باور می‌کند که نیازهای او بی‌اهمیت است و دیگر به دنبال حمایت والدین خود نمی‌رود و این باعث می‌شود کودک به بزرگسالی تبدیل شود که در بیان احساسات خود مشکل دارد. ونجر، جان و جنر معتقد هستند که شاغل بودن مادر بر رشد رفتاری و شناختی کودکان تأثیر منفی دارد و این تأثیرات می‌تواند تا بزرگسالی ادامه یابد به ویژه اگر در سال‌های اولیه زندگی باشد. سپردن فرزندان به مهدکودک‌ها و دور بودن مادر مشکلاتی را به همراه دارد. مناسب نبودن شرایط تغذیه، بهداشت و گاهی ناکارآمدی مربیان آسیب‌هایی را برای فرزندان به دنبال دارد که جبران آن توسط مادر در خانه مشکل و حتی غیرممکن است. (رضایی جمالویی، و همکاران، ۱۳۹۲)

۳-۲-۲. انحرافات اخلاقی و تحصیلی فرزندان

در پژوهشی به دست آمد: «دانش‌آموزانی که مادران آنان شاغل هستند رفتارهای ضد اجتماعی بیشتری از خود نشان می‌دهند». (رضایی جمالویی، و همکاران، ۱۳۹۲) با توجه به نظریه کنترل اجتماعی، میزان انحراف اخلاقی و تحصیلی نوجوانان با میزان کنترل اجتماعی که از طرف خانواده بر آنها اعمال می‌شود ارتباط دارد. براساس نظریه قدرت، عدم نظارت والدین شرایط مساعدی برای بروز رفتارهای انحرافی فرزندان به ویژه نوجوانان به وجود آورده است و یا آن را تقویت می‌کند و تأثیر کنترل مادران بیشتر از پدران است. بنابراین، هرچه نظارت والدین بیشتر باشد احتمال بروز انحرافات کمتر است (گلچین، ۱۳۸۵). از آنجا که مادران با فعالیت در اجتماع نظارت کمتری نسبت به فرزندان خود دارند احتمال بروز انحرافات اخلاقی و تحصیلی در آنها بیشتر است.

۳-۲-۳. عدم ارتباط مناسب با اعضای خانواده

فعالیت مادر هم در خانه و هم در بیرون خانه و حجم زیاد و فشردگی کارها، فشارهای روحی و جسمی را به مادر تحمیل می‌کند که باعث عدم برقراری ارتباط مناسب با خانواده می‌شود. صرف کردن ساعت زیادی بیرون از خانه خواه‌ناخواه ارتباط اعضای خانواده را کم و محدود می‌کند و تبادل نظر و هم‌فکری برای حل مسائل کاهش می‌یابد.

۳-۳. آسیب‌های اجتماعی

۳-۳-۱. کاهش فرزندآوری در خانواده

عوامل متعددی در مسئله فرزندآوری مؤثر است مانند وضعیت اقتصادی و میزان درآمد، میزان تحصیلات و سن ازدواج با گذشت زمان و تغییر سبک زندگی از سنتی به مدرن نقش زنان در خانواده نیز دستخوش تغییر شد. در زندگی سنتی، زنان بیشتر مشغول خانه‌داری و فرزندپروری بودند، اما در جامعه مدرن و امروزی، زنان به فعالیت در خارج از خانه نیز مشغول هستند. لازم به ذکر است که تحصیلات و استقلال زنان از شاخصه‌های منزلت آنهاست و زنان نیز به دنبال کسب این منزلت‌ها هستند. افراد با کسب دانش و رسیدن به مدارج بالای علمی انتظار دارند تا در رشته مرتبط با تحصیلات خود مشغول به کار شوند، کسب درآمد کنند و در نتیجه به استقلال مالی برسند. بنابراین، تمایل زنان به تحصیلات و رسیدن به استقلال مالی و دشوار بودن بچه‌داری در کنار این دو باعث می‌شود تا میل به فرزندآوری کم شود. تحقیقات نشان می‌دهد بین فعالیت اجتماعی زنان و فرزندآوری رابطه معکوس وجود دارد. (مشفق، ۱۳۹۵، ۱-۲۴) علاوه بر آن، مشغله زنان شاغل و فعال در اجتماع زیاد است و به دلیل محدود بودن وقت نمی‌توانند به‌طور مناسب و خوب به فرزندان خود رسیدگی کنند. همچنین امکان دارد با بچه‌دار شدن، شغل و موقعیت خود را از دست بدهند. به همین دلیل، ترجیح می‌دهند فرزند کمتری داشته باشند و در بیشتر موارد به تک‌فرزندی بسنده می‌کنند.

۳-۲-۳. کاهش ازدواج

زنانی که شاغل هستند و کسب درآمد می‌کنند و استقلال مالی دارند دیگر نیازی به ازدواج کردن نمی‌بینند. فعالیت در اجتماع باعث می‌شود این زنان با افراد گوناگونی در ارتباط باشند و انسان‌هایی با سطح دانش و مالی و ارتباط اجتماعی متفاوتی ببینند و توقعاتشان از ازدواج بالا رفته و معیار و ایده‌آل‌هایشان برای ازدواج تغییر کند. بنابراین، به دلیل نبود مرد رؤیاهایشان ازدواج نمی‌کنند.

۴. راهکارهای نظام تعلیم و تربیت اسلامی

اسلام زمانی در جزیره‌العرب ظهور کرد که زن هیچ ارزشی در آنجا نداشت و زن مانند کالایی بود که متعلق به دیگران (پدر همسر یا فرزند) بود و جزو اموال آنها محسوب می‌شد. اسلام ارزش و منزلت زیادی به زنان داد و زمانی که سخن از مسئولیت به میان آمد اسلام نه تنها مردان، بلکه زنان را نیز مورد خطاب قرار داد. اسلام زن را مایه آرامش می‌داند و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱). اسلام تاجایی به زنان اهمیت داده است که یکی از سوره‌های قرآن نساء (زنان) نام گرفته است و در آن به مباحث مختلف زنان می‌پردازد. بعد از فتح مکه، پیامبر ﷺ علاوه بر مردان با زنان بیعت کرد؛ یعنی ابتدا پیامبر اکرم ﷺ دست خود را در تشت آبی نهاد و سپس زنان دست خود را در آب قرار دادند و با پیامبر بیعت کردند. ارزشی که اسلام به زنان داد باعث شد آنها نیز در تمام زمان‌ها و مکان‌ها از مسجد گرفته تا میدان جنگ درکنار اسلام و یاری‌کننده آن باشند.

اروپاییان در سال ۱۸۸۲ میلادی استقلال مالی و حق مالکیت زنان را به رسمیت شناخت آن هم به دلیل انقلاب صنعتی و نیاز کارخانه‌ها به کارگران زن. این درحالی است که اسلام ۱۱ قرن قبل‌تر از اروپاییان استقلال و حق مالکیت زنان را به رسمیت شناخت. اسلام با دادن مسئولیت خانواده به مرد و وجوب نفقه به زنان این امکان را می‌دهد تا سرمایه خود را برای آینده خود پس‌انداز کند. (خرمی، ۱۳۸۴) باتوجه به سخنان بالا می‌توان نتیجه گرفت که اسلام هیچ‌گاه قصد بی‌توجهی به زنان و بی‌ارزش دانستن آنها را نداشته است، بلکه ارزش زنان با مردان در اسلام به

یک اندازه بوده است. اسلام هیچ‌گاه زنان را مبحوس در خانه نخواست است، بلکه در صورت نیاز، زنان نیز باید در عرصه حضور داشته باشند، البته با حفظ شئونات. در طول تاریخ، نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های مختلف دیده می‌شود. از حضور زنان در عرصه سیاسی می‌توان به حضور مقتدرانه حضرت زهرا (علیها السلام) و سخنرانی کوبنده و آتشین ایشان در مسجد برای اعتراض به غضب خلافت اشاره کرد. بنابراین، اسلام برای حفظ منزلت و ارزش زن و جلوگیری از آسیب جامعه به او و برعکس راهکارهایی را ارائه می‌کند که با رعایت آن هم می‌توان شاهد حضور فعال زنان در جامعه بود و هم آسیب‌ها را به حداقل رساند.

۴-۱. راهکارهای فردی برای کاهش آسیب حضور زنان در اجتماع

۴-۱-۱. توجه به مصالح اساسی و اولویت‌ها

دین اسلام با حضور زنان در اجتماع و اشتغال آنها با رعایت قوانین و آداب مخالفتی ندارد، اما در تعارض میان حضور در اجتماع و مسائل ارزشی و در نگاه اسلام به این موضوع تفاوت است. اصل بر آن است که درکنار فعالیت اجتماعی، ارزش‌های اساسی و بنیادی حفظ شود. این موضوع اختصاص به زنان ندارد و در مورد مردان نیز صدق می‌کند. با توجه به قاعده تزامم اگر میان اهم و مهم تزامم به وجود آید از نظر شرع و عقل، اهم مقدم بر مهم می‌شود. بنابراین، از آنجاکه حفظ نظام خانواده و تربیت فرزندان از اصول بنیادی اسلام است در تزامم میان خانواده و سایر فعالیت‌ها حفظ خانواده در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. در این صورت زنان باید اولویت‌ها و مصالح اساسی را در نظر داشته باشند تا خود، خانواده و جامعه را از آسیب‌هایی که در صورت سهل‌انگاری به وجود می‌آید، حفظ کنند.

۴-۱-۲. عفت در نگاه و پوشش

عفت در لغت به معنی پرهیزگاری، پارسایی و بازایستادن از حرام آمده است. (عمید، ۱۳۷۴، ۱۷۲۱/۳) در اصطلاح اخلاق به معنی خویشتن‌داری در برابر تمایلات افراط‌گونه نسبت به لذت‌های مادی و نفسانی است که نقطه مقابل شهوت است. (حاج سید جوادی، ۱۳۸۴) قرآن

در آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ؛ به زنان با ایمان بگو چشم از نگاه به مردان اجنبی فروبندند و فرج‌های خویش را حفظ کنند و زینت خویش را جز آنچه آشکار است، آشکار نسازند و باید که روپوش‌هایشان را به گریبان‌ها کنند و زینت خویش را نمایان نکنند مگر برای شوهرانشان» (نور: ۳). باتوجه به آیه، زنان باید درمقابل مردان غریبه یعنی، مردان نامحرم حجاب خود را حفظ کنند، جلب توجه نکنند و با حفظ عفت درمقابل مردان قرار گیرند. حجاب و پوشش مناسب زن نه تنها مانع فعالیت‌های اجتماعی نیست، بلکه روشی برای جلوگیری از ارضای نیازهای جنسی در خارج از چارچوب خانواده است.

حفظ حجاب و پوشش مناسب در اجتماع باعث می‌شود که زنان از نگاه‌های مردان بیمار دل در امان بمانند و در محیط کار، شخصیت آنان مورد توجه باشد نه جنسیت. پوشش سبب موفقیت و پیشرفت بیشتر زن در فعالیت‌های اجتماعی شده و او را به فعالیت‌های تحصیلی و شغلی پایبند می‌کند. نداشتن حجاب باعث می‌شود زن در اجتماع مورد آزارها و آسیب‌هایی قرار بگیرد که فشارهای روحی و حتی جسمی را متحمل شود. پوشش مناسب باعث حفظ نظام خانواده می‌شود. ظاهر شدن زنان در اجتماع با پوشش نامناسب باعث سلب اعتماد همسران شده و خانواده متزلزل می‌شود. همچنین باعث جلب و جذب شدن سایر مردان شده و ممکن است آنها از همسران خود دلسرد شده و به جدا شدن از همسر خود فکر کنند.

۴-۲. راهکارهای خانوادگی برای کاهش آسیب‌های حضور زنان در اجتماع

خانواده کوچک‌ترین گروه جامعه و مهم‌ترین آن است. خانواده اساس و پایه سایر نظام‌های اجتماعی است. از دیدگاه جامعه‌شناسان، خانواده نقطه شروع فرایند اجتماعی شدن است. خانواده معرف همه دنیایی است که فرزندان را احاطه کرده است. خانواده به‌طور مستقیم در شکل‌گیری تصویر فرد از خود و تصویر فرد از جامعه تأثیر می‌گذارد. نقش‌هایی که انسان ایفا می‌کند و یا از او انتظار می‌رود را زن در کانون خانواده می‌آموزد. (صالحی و دهقانی، ۱۳۹۶) بنابراین، خانواده نقش بسزایی در کاهش آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند.

الگو به افراد رشد یافته و کاملی گفته می‌شود که لایق آن هستند تا نمونه و سرمشق دیگران قرار گیرند. از معادل کلمه الگو در فرهنگ اسلامی می‌توان به اسوه اشاره کرد که به معنای مقتداست. (حیدری، ۱۳۹۰) انسان سرشتی کمال جو و کمال گرا دارد و همیشه سعی می‌کند چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی به درجات عالی دست پیدا کند و برای رسیدن به این هدف به دنبال سریع‌ترین و آسان‌ترین راه‌هاست. انسان با دیدن انسان‌های موفق‌تری که به تکامل رسیده و قله‌های کمال را پیموده‌اند، سعی می‌کند از آنها پیروی کند تا خود نیز به کمال برسد و اینجاست که الگوپذیری به صورت واکنش درونی انسان را به تقلید از دیگران وامی‌دارد (حیدری، ۱۳۹۰) دین اسلام نیز به خوبی به اهمیت این موضوع واقف است. از این رو، در جای جای قرآن به معرفی الگوهای نمونه می‌پردازد. از مهمترین و کامل‌ترین الگوهای مطرح شده می‌توان به پیامبر اسلام ﷺ اشاره کرد. «ولکم فی رسول الله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب: ۲).

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد در هفت سال اول زندگی پایه‌های اصلی شخصیت کودک شکل می‌گیرد و ریشه و اساس یادگیری در این هفت سال تقلید و الگوگیری است که باعث می‌شود چگونه حرف زدن، راه رفتن و شیوه زندگی کردن را از والدین و اطرافیانی که با او در ارتباط هستند، بیاموزند. (حیدری، ۱۳۹۰) باتوجه به اینکه کودک بخش اعظمی از هفت سال اول زندگی خود را در خانه و در ارتباط با والدین است، می‌توان به اهمیت نقش الگویی آنان پی برد. بنابراین، والدین باید با رفتار صحیح و درست خود صفات خوب اخلاقی مانند اعتماد به نفس، کرامت نفس، تقوا، عفت، حیا و... را در دختران خود نهادینه کنند تا بتوان در آینده از بروز مشکلات جلوگیری کرد.

۴-۲-۲. نظارت بر جامعه دوستان

انسان موجودی اجتماعی است و در هر مرحله از زندگی خود نیازمند دوست خوب و شایسته است تا او را به سمت رشد و کمال سوق دهد. برخلاف پدر و مادر، دوست و رفیق توسط خود انسان انتخاب می‌شود. بنابراین، تأثیر بیشتری بر شکل‌گیری شخصیت انسان و انتخاب مسیر زندگی دارد. (حسینی، ۱۳۸۶) اسلام باتوجه به اهمیت این موضوع به انتخاب دوست شایسته و مناسب تأکید دارد. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «المرء علی دین خلیله و قرینه؛ انسان بر دین، دوست و رفیق خود است» (مازندرانی، بی‌تا، ۱/۱۵۹). تحقیقات نشان می‌دهد بسیاری از آسیب‌ها متأثر از دوستان بد است و خانواده‌ای که به دوستان و فرزندان خود توجه ندارد در این مسائل بی‌تقصیر نیستند. در پژوهشی آمده است: «در خانواده‌هایی که درگیری زیاد است افراد توان ماندن در خانه را ندارند و ترجیح می‌دهند با دوستان باشند و این باعث رفتن آنها به سمت اعتیاد می‌شود» (صالحی و دهقانی، ۱۳۹۶). باتوجه به اهمیت دوستیابی و تأثیر دوست خوب و یا بد بر زندگی انسان ضرورت نظارت والدین بر این مسئله به‌خوبی مشخص می‌شود. والدین می‌توانند با راهنمایی فرزندان خود در دوستیابی خطرات احتمالی را کاهش دهند.

۴-۲-۳. انتخاب محیط آموزشی و تحصیلی مناسب

مدرسه دومین و مهمترین نهاد اجتماعی است که هر شخص با آن در ارتباط است و نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت و اخلاق فرد ایفا می‌کند. از نظر دیدگاه اجتماعی، منتقل کردن ارزش‌ها به کودکان از وظایف مدرسه است. تالکوت پارسونز به بیان این دیدگاه پرداخته است. او معتقد است دانش‌آموزان نقش‌های مناسبی که در جامعه وجود دارد را از مدرسه می‌آموزند و نیازهای مردم در رفتارهای میان‌فردی را محقق می‌سازند. (روحانی دهکردی، و همکاران، ۱۳۹۱) انتخاب مدرسه مناسب که بتواند علاوه بر آموزش علوم مختلف به فرزندان شیوه حضور در اجتماع و نقش انسان در اجتماع را به آنها آموزش دهد از وظایف والدین است.

۴-۳. راهکارهای اجتماعی برای کاهش آسیب های حضور زنان در اجتماع

جامعه بزرگ ترین نهاد اجتماعی است که فرد با آن در تعامل است. هر شخصی در زندگی برای رفع نیازهای حیاتی خود هرچند کوچک ناچار به ارتباط با جامعه است و هر جامعه ای نیز قوانینی دارد تا از آسیب ها و تعارض حقوق افراد و هرج و مرج جلوگیری کند. جامعه نقش زیادی در جلوگیری از آسیب های وارده بر زنان فعال در اجتماع دارد.

۴-۳-۱. وضع قوانین برای حضور زنان در اجتماع

هر جامعه برای حفظ نظم، جلوگیری از هرج و مرج و بزهکاری ها و اقسام تخلفات نیازمند به قانون است؛ زیرا آزادی بی حدومرز و مطلق انسان باعث نابودی جامعه می شود. اگر دو ویژگی حب نفس و زیاده طلبی در انسان از حد اعتدال خارج شود و به سمت افراط رود، باعث انحراف انسان می شود و انسان به سمت بهره کشی از دیگران می رود. برای جلوگیری از این اتفاق باید قوانینی در جامعه اعمال شود. (حق پناه، ۱۳۷۷) جامعه با اعمال قوانینی در مورد نوع پوشش زنان و مردان در اماکن عمومی و اداره ها، تفکیک مکان زن و مرد در وسایل عمومی مانند متروها و اتوبوس ها، وضع قوانین متناسب با شرایط ویژه زنان مانند مرخصی برای زنان باردار یا بچه دار و... می تواند آسیب ها را به حداقل برساند.

۴-۳-۲. پیش بینی و آماده سازی شرایط مناسب برای حضور زنان در جامعه

در جامعه امروزی حضور زنان در اجتماع اجتناب ناپذیر است، اما می توان با فراهم کردن شرایط مناسب برای حضور زنان در جامعه آنها را با اهداف جامعه همسو کرد. ابتدا باید نیازهای زنان را در نظر داشت و محیط مناسبی با آن فراهم کرد. برای مثال زنان نیاز به تفریح و گردش دارند، اما به دلیل حضور مردها در پارک های عمومی امکان تفریح آزادانه برای زنان وجود ندارد. بنابراین، می توان در نقاط مختلف شهر پارک های مخصوص بانوان را احداث کرد.

۴-۳-۳. آموزش های عمومی و فرهنگ سازی در رابطه با مشکلات و ارائه راهکار

فرهنگ شامل ارزش ها، دانش ها، روش زندگی، سنت ها و اعتقاداتی است که توسط افراد جامعه تعیین شده و بین جوامع مختلف متفاوت است. (عیوضی، ۱۳۸۶) فرهنگ به افراد جامعه کمک

می‌کند تا مشکلاتی که در زمان و مکان مختلف به آن دچار می‌شوند را حل کنند. اگر جامعه‌ای نتواند ضعف‌های فرهنگی خود را برطرف و یا فرهنگ خود را به‌درستی ارائه کند طبیعی است که دچار تهاجم‌های فرهنگی شده و در فرهنگ‌های بیگانه حل می‌شود. برای جلوگیری از این آسیب‌ها باید فرهنگ‌سازی انجام شود و با افزایش ظرفیت علمی و آموزشی، نیازهای فرهنگی جامعه مانند نیازهای اقتصادی شناخته شده و حل شود، تولیدات فرهنگی افزایش یافته و روحیه نقدپذیری و گفت‌وگو در جامعه تقویت شود، دستاوردهای جدید فرهنگی با ارزش‌های بومی فرهنگ منطبق شود تا به این وسیله بحران‌هایی که به دلیل رویارویی با فرهنگ‌های بیگانه به وجود می‌آید، برطرف شود.

۴-۳-۴. نظارت بر صنعت مُد و لباس و عرضه لباس‌های مناسب در بازارها

کلمه مُد ریشه فراسوی دارد و تعاریف مختلفی برای آن مطرح شده است. مُد پدیده‌ای اجتماعی است و به شیوه، روش و سبک خاص طراحی لباس گفته می‌شود. مُد روش موقتی برای پوشش است که در رفتار و زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. (حزباوی، ۱۴۰۰) اسلام نیز به زیبایی و آراستگی ظاهر توجه دارد و حتی به آن سفارش نیز کرده است. در حدیثی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجْمِيلَ وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ؛ خداوند زیبایی و آراستن را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن کراهت دارد» (بهرامی، ۱۳۸۶). این توجه باید در حد اعتدال باشد و به سمت افراط کشیده نشود به گونه‌ای که تمام زندگی انسان درگیر مد و لباس شود. تنوع‌طلبی، محبوبیت اجتماعی و توجه به زیبایی از تمایلات فطری و اساسی انسان است. جوانان و به‌ویژه دختران جوان شیفته زیبایی هستند و دوست دارند که زیبا جلوه کنند. از آنجاکه تمام این گرایش‌ها را می‌توان در صنعت مد یافت جوانان به سرعت جذب این صنعت می‌شوند. این موضوع آسیب‌های متعددی مانند از بین رفتن شخصیت واقعی فرد، اضطراب زیاد، تبدیل شدن به انسان مصرف‌گرا و... را به دنبال دارد که در ابتدا باعث متزلزل شدن خانواده و بعد جامعه می‌شود (حزباوی، ۱۴۰۰). جامعه برای جلوگیری از این آسیب‌ها باید به چگونگی ورود مد و گسترش آن در جامعه نظارت داشته باشد و از فروش هر نوع لباس و مد در جامعه جلوگیری کند.

جامعه باید مد و پوششی زیبا، به روز، جوان پسند و متناسب با فرهنگ جامعه و آموزه های اسلام ارائه کند تا جوانان به مد و پوشش غربی رویاوارند.

۵. نتیجه گیری

باتوجه به مباحث گذشته می توان نتیجه گرفت که حضور زنان در اجتماع و فعالیت اجتماعی زنان مخالف با آموزه های اسلامی نیست، بلکه اسلام چالش ها و آسیب های فردی، خانوادگی و حتی اجتماعی حضور زنان در اجتماع را مورد توجه قرار می دهد و برای حل این چالش ها راهکارهای مناسب ارائه می کند. بنابراین، باتوجه و عمل به این راهکارها می توان خانواده و جامعه و به ویژه زنان را از این آسیب ها حفظ کرد.

فهرست منابع

۱. بهرامی، ناصر (۱۳۸۶). آراستگی از دیدگاه معصومان. نشریه فرهنگ کوثر، شماره ۶۹، ۷۵ - ۸۰.
۲. بهزادی، الهام، و عسگری، پرویز (۱۳۹۷). اثربخشی درمان شناختی - رفتاری بر خستگی مزمن و احساس گرفتاری در زنان شاغل. نشریه علمی - پژوهشی زن و فرهنگ، ۹ (۳۶)، ۷۵ - ۸۵.
۳. حاج سید جوادی، احمد (۱۳۸۴). دایره المعارف تشیع. تهران: شهید سعید محبی.
۴. حزبای، سعیده، کریمی نیا، محمد مهدی، و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). تأثیر آثار و پیامدهای مدگرایی در آموزه های اسلامی. نشریه پیشرفت های نوین در روان شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۴ (۲۷)، ۹۷ - ۱۱۲.
۵. حسینی، سید جواد (۱۳۸۶). با چه کسی دوستی کنیم. نشریه پاسدار اسلام، شماره ۳۰۶، ۱۲ - ۲۰.
۶. حق پناه، رضا (۱۳۷۷). جایگاه قانون و قانون گذاری در قرآن. نشریه اندیشه حوزه، شماره ۱۴، ۲۵۳ - ۲۷۵.
۷. حیدری، سید عبدالکریم، و محمدی، زهرا (۱۳۹۰). ضرورت وجود الگو برای زنان مسلمان. نشریه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۸، ۱۱۵ - ۱۳۹.
۸. خرمی، جواد (۱۳۸۴). جایگاه اجتماعی زن در اسلام. نشریه مبلغان، شماره ۶۷، ۸ - ۲۱.
۹. رضایی جمالویی، حسن، ابوالقاسمی، عباس، عبدالمحمدی، عبدالرضا، پورکرد، مهدی، و مرادی، حسین (۱۳۹۲). بررسی و مقایسه ی خصوصیات شخصیتی در دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان با مادران شاغل و غیر شاغل. نشریه مطالعات زن و خانواده، ۲ (۱)، ۲۷ - ۳۳.
۱۰. روحانی دهکردی، سولماز، و باقری قلعه سلیمی، اشرف (۱۳۹۱). مدرسه و نقش آن در تعلیم و تربیت ارزش ها. نشریه معرفت، شماره ۱۷۹، ۹۵ - ۱۰۴.
۱۱. صالحی، شیوا، و دهقانی، مرضیه (۱۳۹۶). بررسی نقش خانواده در پیشگیری از آسیب های اجتماعی و فرهنگی جوانان. همایش کنفرانس بین المللی فرهنگ آسیب شناسی روانی تربیت، ۳۵ - ۳۹.
۱۲. عمید، حسن (۱۳۷۴). فرهنگ لغت عمید. تهران: امیر کبیر.
۱۳. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۶). فرهنگ اسلامی: مفاهیم، ویژگی ها و اصول. نشریه زمانه، شماره ۵۸، ۱۸ - ۲۳.

۱۴. گلچین، مسعود (۱۳۸۵). انحرافات اجتماعی جوانان در آیین پژوهش‌ها (نمونه‌ای از کاربرد فن تحلیل ثانوی). نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، ۱۲۴-۱۵۸.
۱۵. مازندرانی، ملاصدرا (بی‌تا). شرح اصول کافی. بی‌جا: کتابخانه مدرسه فقاها.
۱۶. محمدی سیف، معصومه (۱۳۹۲). مادران شاغل و رهایی کودکان در آغوش تنهایی. نشریه پیام زن، شماره ۲۶۱، ۵۶-۶۰.
۱۷. مشفق، محمود، مرادی ثانی، قدرت، و حسین خانی، سحر (۱۳۹۵). تحلیلی بر رابطه اشتغال و تمایل به فرزندآوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استانهای کشور. نشریه جمعیت، ۲۳(۹۵)، ۱-۲۴.